

مسائل بین المللی

شماره ۲ (۲۰)

سال سوم

نشریه « مسائل بین‌المللی » که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد به تشریح تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد .
مندرجات این نشریه از میان مقالات مجله « مسائل صلح و سوسیالیسم » که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست ، انتخاب و ترجمه میشود .
در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۳ و ۴ (مارس و آوریل سال ۱۹۶۶) مجله « مسائل صلح و سوسیالیسم » بچاپ رسیده است .

وحدات نهر بخش جنبش کارگری

فريدريش ابريت

در تاريخ جنبش کارگری آلمان کمشهوون از سنن انقلابی است ۲ حوادث برجسته بسياری رخ داده که شهر و نشان عمیق در اندیشه ملت باقی گذارده و مراحل مهمی را در حیات کشور بوجود آورده است . در میان این حوادث بنیاد گذاری حزب سوسیالیست متحد آلمان در ۲۱ آوریل ۱۹۴۶ از لحاظ اهمیت عظیم خود در سرنوشت مردم مقام برجسته ای دارد . تاسیس حزب سوسیالیست متحد آلمان بمعنای آن بود که طبقه کارگر آلمان از نواد آرای سازمان طبقاتی واحد مارکسیستی شده است . تشکیل این حزب پیروزی تاریخی مارکسیسم - لنینیسم در جنبش کارگری آلمان بود . در مرکز اروپا ، در کشوری که رشد صنعتی آن در سطح عالی بود ، پیروزی انحصاری آن در ایجاد افتراق و انشعاب در میان طبقه کارگر تجربه فراوان داشت ؛ به ثبوت رسیده که گرد آنهاي مختلف جنبش کارگری در مبارزه بخاطر منافع مردم و ملت موظفند و میتوانند آنچه را که موجب جدائی است از میان بردارند و نیروی هسلای خود را متحد سازند .

طی بیست سالی که از وحدت دو حزب کارگری بر پایه مارکسیسم در بخش شرقی آلمان میگذرد ، حزب سوسیالیست متحد آلمان پیوسته راه تکامل پیموده و حزب خود ای مارکسیست - لنینیست ، حزب مردم زحمتکش را بدست آورده است . زحمتکشان روستا و شهر تحت رهبری این حزب منشأ بزرگترین تحول انقلابی در تاریخ آلمان شدند . زحمتکشان آلمان بیکل نیروهای متحد خود در این بخش کشور امپریالیسم و میلیتاریسم ریشه های اجتماعی آنها برانداختند ، روح شومنیسم و آنتی کمونیسم را نابود کردند و دولت آلمانی کارگران و دهقانان یعنی جمهوری دموکراتیک آلمان را بوجود آوردند . در آلمان نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر کثیرالعدد ترین و پیشروترین طبقه جامعه کنونی یعنی طبقه کارگر طی دهه های چهار انشعاب بود . این تفوق و انشعاب مانع میشد که طبقه کارگر نیروهای خود را بنحویکه کامل گسترش دهد و تاثیر مهلك پیروزی انحصاری در سرنوشت مردم خاتمه بخشد و رهبری ملت را بدست خود گیرد و این وضع کار امپریالیستها و میلیتاریست های آلمان را در اجرای سیاست تجار و کارانه و جنگ طلبانه و در استقرار دیکتاتوری خشن فاشیستی تسهیل میکرد .

پس از پیروزی نیروهای مسلح کشورهای عضو ائتلاف ضد هیتلری و پیش از همه پیروزی ارتش - پرافتخار شوروی بر آلمان فاشیستی ، مردم آزاد شد و آلمان در برابر این وظیفه تاریخی قرار گرفتند که بطور قاطع و بیگردد راه تحول سیاسی و اجتماعی آلمان گام نهند . پیروزی آلمان که سیاست شومنیسم - عظمت طلبانه تعقیب میکرد فقط در نیمه اول قرن کنونی ده بار آتش جنگ خونین را برافروخت و مردم آلمان را بسرحد فلاکت کشاند . طبقه کارگر که تنها نیروی قادر بر رهبری ملت بود ، بحکم تاریخ این رسالت را بعهده داشت که به پیشرفت صلح آمیز ملت تحقق بخشد و در راه تامین منافع حیاتی مردم مجاهدت هرزد .

در سال ۱۹۴۵ در شرایط هرج و مرج و فلاکت ملی که فاشیسم بجا گذارده بود ، کمونیستها

وسوسیال دموکراتها درک میکردند که سازمانهای کارگری نمیتوانند فعالیت سیاسی خود را دهواره از همانجا که در سال ۱۹۳۳ بآن پایان داده بودند آغاز نمایند . مضافا براینکه حالات دیگر تجربه ای را که طبقه کارگر بخصوص در سالهای دیکتاتوری هیتلراند وخته بود ملاک عمل قرار میدادند . طبقه کارگر با فقدان وحدت و طریق اولی با وجود نفاق در صفوف خود نمیتوانست نقش رهبری ملت را ایفا نماید و در مسیر تکامل بشفع صلح و ترقی تدریجی بنیادی وارد سازد .

این بود نتیجه گیری کلی سوسیال دموکراتها و کمونیست ها برای مبارزه علیه امپریالیسم آلمان و دیکتاتوری فاشیستی آن . در سال ۱۹۳۴ در بیانیه رهبری حزب سوسیال دموکرات آلمان در خارج از کشور (" بیانیه برآک ") گفته میشد : " وحدت طبقه کارگر حکم خود تاریخ است " . متاسفانه این اصل درست که در آئینمان از طرف اتو ولسون واریک آلن هائور نیز پشتیبانی میشد ، بوسیله رهبری حزب بمرحله عمل در نیامد . رهبری حزب تحقق امر وحدت را بعهد ه گروهها و کادرهای حد اگانه ای از سوسیال دموکراسی که در مهاجرت بودند و یا در جنبش مقاومت ضد فاشیستی غیر عظمی شرکت داشتند ، گذارده بود .

کمونیست ها و سوسیال دموکراتها در شرایط دشوار دیکتاتوری فاشیستی در آلمان در بسیار جاها همراه با کارگران غیر حزبی و میهن پرستانی از صفوف بزرگوار ای در گروههای مقاومت متحد شده بودند . تصمیماتی که حزب کمونیست آلمان در سال ۱۹۳۵ در کنفرانس پروکمل درباره ایجاد جبهه واحد با حزب سوسیال دموکرات و جبهه وسیع مردم اتخاذ نمود ، پایه ای بود برای همکاری وسیع سیاسی کمونیستها ، سوسیال دموکراتها ، اعضا اتحادیه ها ، کارگران غیر حزبی و کارگران مسیحی . باین ترتیب در همان سالهای دیکتاتوری هیتلر عناصر مهم وحدت عمل طبقه کارگر بوجود آمده بود و این وحدت پس از آزاد شدن مردم آلمان از یوغ فاشیسم میایست پیشتر از پیشتر شد و تحکیم پذیرد .

موافقتی که درباره پلاتفرم سیاسی همکاری و نیز درباره نزد یکترین هدفهای مبارزه بعمل آمد حائز اهمیت قاطع بود . مواضع هر دو حزب در اعلامیه های ارگانهای رهبری این احزاب که پس از آغاز فعالیت عظمی خطاب ب مردم انتشار یافت ، تعیین شده بود . حزب کمونیست آلمان در پیام خود ب مردم که در ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ منتشر گردید خواستار شد که ریشه های سیاست جنگی امپریالیستی قطع گردد و در سرزمین آلمان جمهوری دموکراتیک واحد صلح دوست و ضد فاشیست که در آن مردم زمام حکومت را خود بیدست گیرند و از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند مستقر گردد . حزب کمونیست با تکیا بر تجارب تاریخی باین نتیجه رسیده بود که : " به تکرار اشتباهات سال ۱۹۱۸ نباید اجازه داد ، به تفرقه و انشعاب در میان مردم زحمتکش نباید پایان بخشید ، به نازیسم و ارتجاع هیچوجه نباید رحم کرد ، از این پس هرگز نباید به کینه و دشمنی نسبت با اتحاد شوروی راه داد ، زیرا آنجا که چنین کینه ای پدید میگردد ، ارتجاع امپریالیستی سر بلند میکند " .

رهبری حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز در پیام خود در ۱۵ ژوئن سال ۱۹۴۵ خواستار محو کامل پایه های اقتصادی و اجتماعی حکومت ترور فاشیستی در آلمان گردید و عزم راسخ سوسیال دموکرات ها را در مبارزه فعال بخاطر ایجاد حکومت دموکراتیک ضد فاشیستی و واگذاری حقوق و آزادیهای دموکراتیک ب مردم اعلام داشت . رهبری این حزب اعلامیه حزب کمونیست را تنهیت گفت و خاطرنشان ساخت که سوسیال دموکراتها میخواهند در راه ایجاد آلمان نوین بر بنیاد وحدت سازمانی طبقه کارگر آلمان مبارزه کنند و انجام این وظیفه را در حکم " جبران اخلاقی اشتباهات سیاسی گذشته "

میدانند .

سیاستی که در این اعلامیهها تصریح شده بود. برانجا م رساندن انقلاب دموکراتیک و حل مسئله حاکمیت سیاسی بنفع طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر را پیشینی میکرد . هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان برپاست و لولهلم بیک و هیئت نمایندگی رهبری حزب سوسیال دموکرات آلمان برپاست. انوکروتول به پیروی از اراده سیاسی اکثریت قاطع طبقه کارگر که در جلسات مشاوره و در کنفرانسها و جلسات بی شمار بیان شده بود روز ۱۹ ژوئن ۱۹۴۵ موافقتنامه ای درباره وحدت عمل هر دو حزب امضا کردند . کمیته صل مشترک تشکیل شد . نمایندگان رسمی ارگانهای عالی هر دو حزب در این موافقتنامه متعهد شدند که در سراسر آلمان از طریق همکاری در تمام مسائل مربوط به مبارزه ضد فاشیستی و تجدید حیات کشور، برای وحدت مردم زحمتکش شرایط لازم فراهم سازند .

اکثریت قاطع کارگران هر چهار منطقه اشذالی آلمان ، موافقتنامه د حزب کارگری را در زمین مسائل عده سیاسی دوران معاصر تهنیت گفته و از آن بطرف فعال پشتیبانی کردند . در میان روشنفکران و سایر قشرهای زحمتکش مردم نیز این موافقتنامه انعکاس کاملی پیدا کرد . وحدت عمل رهبری حزب کمونیست آلمان و حزب سوسیال دموکرات آلمان در وهله اول پاسخگوی منافع طبقه کارگر بود و طبقه کارگر در مبارزه علیه طبقه سرمایه داران و ملاکان نفعهای بیایست به حقوق سیاسی و اجتماعی خود نائل گردید بلکه میبایست منافع حیاتی ملت را تامین کند و از آن دفاع نماید .

در برتو این وحدت متصل ، طبقه کارگر به عامل محرکه تمام نیروهای خلاق مردم آلمان که در راه از بین بردن عواقب ناپسندانههای فاشیسم هیتلری و شالوده ریزی زندگی نوبیسمن و دموکراتیک مجاهدت میورزیدند بدل گردید . در صفوف طبقه کارگر این اندیشه تقویت مییافت که هم انجام وظایف محرم در زمینه حفظ موجودیت مردم وهم احیا آلمان برپایه های دموکراتیک و تضمین آینده صلح آمیز برای آن وظیفه مشترک تمام کارگران و قشرهای زحمتکش است که کارگران پیوند دارند . باید ترتیب تحت رهبری طبقه کارگر ، وحدت وسیع تمام نیروهای دموکراتیک و ضد فاشیستی بخصوص در قسمت شرقی آلمان بتدریج تحکیم مییافت .

تحقق وحدت عمل حزب کمونیست و حزب سوسیال دموکرات در شرق آلمان که کامیابی درخشان اند به سمارکسیستی وحدت طبقه کارگر است گام قطعی در راه پایان دادن یافتن و انشعاب در جنبش کارگری بود . ولی از وحدت عمل تا اتحاد هر دو حزب در سازمان انقلابی واحد هنوز راه طولانی و دشواری پیش بود . در جریان مبارزه در راه تامین وحدت برای ما یقین حاصل شد که وحدت گردانهای مختلف جنبش کارگری نمیتواند خود بخود انجام گیرد و از خارج تحمیل شود . این وحدت در کشور ما در نتیجه درک ضرورت مطلق آن و فشار ضرورت دفاع از منافع طبقه کارگر و ملت ، فشاریکه هر مارکسیستی تحت تاثیر آن بوده است ، انجام گرفت .

اجتلافات و توهماتی را که طی دوران طولانی وجود تفرقه و انشعاب میان د حزب ، پیوسته عبق بیشتری بخود گرفته بود نمیشد بیک ضربت از بین برد . ولی برخی از کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها متوجه این امر نبودند . آنها ضمن کوشش صادقانه در راه وحدت - انجام میدهد رنگ انرا میطلبیدند . تسلیم باین تمایل بمعنای آن بود که از همان آغاز سنگینی بار بسیاری از مسائل ایدئولوژیک حل نشده دوران گذشته بدوش حزب متحد تحمیل گردد . در سازمانهای پائینی حزب کمونیست آلمان

گرایشهای سکتاریستی و نظریات دکماتیک در مورد پاره ای از مسائل و از جمله در مورد مسئله دیکتاتوری پرولتاریا وجود داشت. کمیته مرکزی حزب کمونیست المان معتقد بود که طبقه کارگر در راه رسیدن بحاکمیت نمیتواند مرحله رشد دموکراتیک را که مرحله ضروریست طفره بزند. ولی بسیاری از اعضا و کادرهای حزب فقط در جریان کار عملی بصحت این نظر معتقد شدند.

در حزب سوسیال دموکرات بانظریات اپورتونیستی که بخصوص در بار مسائل دموکراسی و دولت از قدیم در این حزب ریشه دوانده بود، میبایست یک مبارزه کاملاً اصولی انجام گیرد. لازم بود به سوسیال دموکراتها توضیح داده شود که طبقه کارگر نمیتواند وارث دستگاه دولتی کهنه بورژوازی باشد، بلکه باید ارگانهای دولتی بوده ای خاص خود را ایجاد نماید. این یکی از مهمترین نتیجه گیریهای بود کمپارت از تجربه گذشته مخصوصاً از تجربه انقلاب نوامبر سال ۱۹۱۸ بعمل آید. مانیفست پراگ نیز همین تجربه متکی بود و در آن گفته میشد که پراز درهم کوفتن خصم یعنی ناسیونال سوسیالیسم... نخستین وظیفه و اولین وظیفه... تبدیل دستگاه دولتی به افسزار حاکمیت بودهای مردم است...^۴

ارگانهای دولتی دموکراتیک جدیدی که بوسیله نیروهای دموکراتیک و ضد فاشیست ایجاد شده بود، از همان آغاز به نیروهای متحده طبقه کارگر متکی بودند. این نیروها فقط از این طریق میتوانند از منافق مردم زحمتکش در برابر انحصارگران و ملاکانی که شکست خورده ولی هنوز از قدرت محروم نشده بودند، دفاع نمایند.

اگرچه در نتیجه پیروزی اتحاد شوروی و متفقین وی رژیم هیتلری شکست خورده بود ولی نیروهای ارتجاع سعی داشتند مواضع خود را در دستگاه دولتی حفظ کنند و در برابر حکومت جدید ملی که در حال تکامل بود، شدیداً مقاومت نمایند. افراد مردم نیز در جریان تکامل مبارزه معتقد شدند که طبقه کارگر نمیتواند وارث دستگاه کهنه دولتی شود و نباید باحیاً دولت بورژوازی اجازه دهد. محروم ساختن ملاکان از قدرت سیاسی که در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک انجام گرفت اولین آزمایش استحکام وحدت فصل طبقه کارگر بود. بعلاوه این امر گام مهمی در راه اتحاد طبقه کارگر و دهقانان بود. اصلاحات ارضی که بمعنای تحول انقلابی در روستا بود، بوسیله کمیسیون هایی انجام میگرفت که در آن کمونیستها، سوسیال دموکراتها، کارگران کشاورزی، اعضا اتحادیه ها و نمایندگان احزاب خرد بورژوازی همکاری نزدیک داشتند. مبارزه ای که بکمک این ارگانهها برای محو کانونهای سنتی ملیتاریسم پیروس انجام گرفت، تجربه گرانبهائی بود برای طبقه کارگر در امر تأمین هرزهائی آن در انقلاب دموکراتیک. فعالیت کمیسیونهای ارضی بیش از برنامه های ارضی متعدد در سالها چند دهه اخیر مسئله متحدین را برای صفوف جنبش کارگری روشن کرد.^۴

در مورد تشریح مساعی برای انجام اصلاحات دموکراتیک در مدارس و دموکراتیزه کردن مقامات قضائی نیز وضع بر همین منوال بود. در اینجا نیز مبارزه عملی افراد ضد فاشیست برای برانداختن روح فاشیسم و طرد نمایندگان آن از این موسسات و تحقق اصول دموکراتیک بهترین آموزگار و وحدت بود. همکاری نزدیک سوسیال دموکراتها و کمونیستها در مسند یکاها نیز برای وحدت طبقه کارگر اهمیت بسیار داشت. در جریان مبارزه ای که در کمیته های سندیکائی و شوراهای تولیدی برای تأمین حق کارگران در کنترل تولید و شرکت در ادروسسات انجام میگرفت، وحدت عمل با کامیابی پیشرفت میکرد. سندیکاهای در منطقه اشتالی شوروی با کمک فعال احزاب کارگری به تفرقه و انشعاب صفوف

خود پایان دادند . در این منطقه از همان آغاز اصل " یک موزه و یک اتحادیه " جاری بود . نخستین کنگره وحدت سند یگانه های آزاد آلمان که در فوریه ۱۹۴۶ در برلین تشکیل شد ، مرحله نهایی در مبارزه بخاطر وحدت بود . در این کنگره برای نخستین بار در تاریخ جنبش کارگری آلمان سند یگانه های دارای خط مشی های مختلف در سازمان واحدی متحد شدند .

در نخستین مرحله مبارزه مشخصی برای ایجاد تحول در آلمان آشکار شد که آنچه کمونیست ها و سوسیال دموکراتها را متحد میسازد ، نیرومند تر و استوارتر از آنچه بیسیست که هنوز آنها را از یکدیگر جدا میسازد . در نتیجه همکاری برای حل مسائل بفرنج در زمینه تحولات ضد فاشیستی و دموکراتیک و در نتیجه رواج اندیشه های مارکس و انگلس ولین ارتقا پیدا کرد . ارج عالی وحدت سیاسی و ایدئولوژیک امکان پذیر گردید . این امر کار اتحاد حزب کمونیست آلمان و حزب سوسیال دموکرات آلمان و ایجاد حزب واحد مارکسیستی طبقه کارگر را تسهیل کرد و این اتحاد را امکان پذیر ساخت .

هنگامیکه نمایندگان منتخب هر دو حزب در ۲۱ آوریل ۱۹۴۶ در کنگره وحدت منعقد در برلین گرد آمدند ، در موسسات و شهرها و روستاها و نواحی منطقه اشفالی شهری وحدت کمونیست ها و سوسیال دموکراتها دیگر عملاً تحقق یافته بود . کنگره این وحدت تحقق یافته را تثبیت کرد و قرار تشکیل حزب سوسیالیست متحد آلمان را صادر کرد . حزب جدید وفاداری خود را بتعالیم انقلابی کارل مارکس و لنین و ریشتر انگلس اعلام داشت . این حزب از بین بردن ظل بروز جنگ و بحران و سیاست امپریالیستی را در آلمان هدف خود قرار داد . در سند یکه بنام " پیام بملت آلمان " در کنگره موسسان بتصویب رسید گفتصی شود : " فقط محور نیروهای ملیتاریستی و امپریالیسم ، استقرار دموکراسی جاندار روزمند و کوشش صادقانه در راه صلح و کوششی که اقدام و عمل پشتوانه آن باشد میتواند مردم آلمان را بجمع ملل صلح دوست بازگرداند " .

مصادره اموال فعالین تازی و جنایتکاران جنگ و واگذاری موسسات و اموال آنان ب مردم ، پس از انجام اصلاحات ارضی دموکراتیک ، یکی از مهمترین اقداماتی بود که بمنظور تحقق هدفهای حزب بعمل آمد . مردم از صاحبان انحصارها و کنسرن ها و بانک ها که موجودین فاشیسم و جنگ بودند و از تمرات آن استفاده میکردند ، مانند تمام متحدین آنها یعنی زمینداران بزرگ و ملاکان مملکت گرفتند . انجام این عمل انقلابی از طریق دموکراتیک یعنی مراجعه بآرا عمومی بتصویب رسید . اقدامات انجام یافته باینص صریح موافقتنامه های بترسد ام توافق داشت . این موافقتنامه ها نه فقط محور تازیسیم و خلق صلاح طلب میکرد ، بلکه " از میان بردن تمرکز بیحد نیروهای اقتصادی بخصوص بشکل کارتل و سندیکا و تراست و سایر موافقتنامه های انحصاری " را نیز خواستار بودند .

با انحلال حکومت بورژوازی انحصاری و ایجاد بخش ملی در صنایع ، پایه های مادی نظام ضد فاشیستی و دموکراتیک ، ساختمان تدریجی اقتصاد کشور و رشد نیروهای مولده بنبغ زحمتکشان شالوده ریزی شد . مالکیت اجتماعی بروسائل اساسی تولید در صناعات و تقسیم زمینهای مالکان بزرگ میان روستائیان کم زمین و کارگران کشاورزی حاکمیت مردم را که در مبارزه دشوار بدست آمده بود ، تامین کرد . براین بنیاد اقتصادی ، نظام ضد فاشیستی و دموکراتیک واقعی مستقر گردید و اجرای سیاست صلح و حمایت از منافع ملی پس ریزی شد .

طبقه کارگر و متحدین وی مواضع مستحکمی در دولت و اقتصاد بدست آوردند و اکنون تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان از حاکمیت خود بهره برداری میکنند . طبقه کارگر و متحدین آن بسا

ایجاد تحول سیاسی و احیا اقتصاد ، تاثیر عواقب بایکوت بهره‌روزی انحصاری راکه در مرز زمین حاصل زیادی داشت از بین بردند . پس از هائی زحمتکشان شهر روستا از استثمار سرمایه داری ، موقعیت سیاسی و اجتماعی آنان از هر جهت تغییر کرد . حقوق اجتماعی و مخصوص حق کار برای زحمتکشان تامین گردید . در زمینه تامین حقوق مساوی برای زنان و جوانان اقدامات لازم آغاز شد . بر پایه‌الکلیت عمومی مردم بر بهترین وسائد تولید و بر اساس مناسبات اجتماعی نوبت نسبت بکار نیز برخوردار تازه ای پدید آمد . مقامات دولتی و اقتصادی شیوه سازمان دادن بهتر اقتصاد و رهبری آن طبق برنامه واحد را فراگرفتند . تمام این پروصه تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان انجام میگرفت و این امر طبعاً اجماع حزب را نیز که راه خروج از وضع فلاکت بار را بر مردم نشان میداد ، در میان طبقه کارگر و مردم بالابرد .

بدیهی است حزب سوسیالیست متحد آلمان که از اتحاد و جریان بزرگ جنبش کارگری موجود آمد به بود ، در بدو و تأسیس خود از نظریات کهنه و منسوخ آزاد نبود . با آنکه اتحاد و حزب بر پایه مارکسیسم انجام گرفته بود و حزب هدف خود را " تحقق سوسیالیسم از طریق استقرار حاکمیت سیاسی طبقه کارگر مطابق با روح تعالیم مارکسیسم پیگیری " اعلام کرده بود ، حزب سوسیالیست متحد آلمان در ابتدا ای تشکیل خود هنوز یک حزب لنینی کاملاً پیگیر نبود . شعور طبقاتی بسیاری از کارگران در دوران فاشیسم مغشوش شده بود . علاوه بر زیادی از کارگران و نمایندگان سایر قشرهای زحمتکش که از اندیشه های مارکسیسم و جریسمبارزه طبقاتی بکلی بی اطلاع بودند و با اطلاع کم داشتند ، وارد حزب شده بودند . اکثریت اعضا " حزب سوسیالیست متحد آلمان که سابقاً در سازمانهای سیاسی شرکت داشتند ، فاقد معلومات کافی در رشته مارکسیسم - لنینیسم بودند .

حزب سوسیالیست متحد آلمان در بر توتربیت سیاسی واید ثلوریک دائم اعضای خود از طریق بررسی جدی آثار مارکس و انگلس و لنین و استفاده دقیق از درسهات و تجارب جنبش کارگری آلمان بحزب طراز نوبین بدل شد . حزب سوسیالیست متحد آلمان در جریان مبارزه بخاطر ایجاد نظام سوسیالیسم فاشیستی و دموکراتیک رهبری ارگانهای دولتی و مبارزه در راه تجدید تربیت مردم با روح انترناسیونالی و دوستی با خلق هاسویزه در جریان مبارزه بخاطر دوستی بایدار با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست آنها بمرکز اتحاد بایدار هرزمنده مارکسیست - لنینیست هابدل گردید . زحمتکشان در شرایط بسیار بد رنجی کار تحولات ضد فاشیستی و دموکراتیک و سپهر تحولات سوسیالیستی را در منطقه جمهوری دموکراتیک آلمان انجام میدادند . در همان حال که سیاست مقامات شوروی در منطقه اشغالی خاخر آلمان بر طبق اصول موافقتنامه های پوتسدام از نیروهای دموکراتیک بطور پیگیر پشتیبانی میکرد ، دول اسپریالیستی از اصول این موافقتنامه هاد پیاختر آلمان تخلف میورزیدند و از همان آغاز از حفظ تناسب نیروها بشکل سابق و از احیا اسپریالیسم آلمان پشتیبانی میکردند و بطیرغم کوششهاییکه کارگران تمام بخشهای آلمان برای ایجاد وحدت بعمل میاورند با دخالت آشکار در امور داخلی جنبش کارگری برای حفظ تفرقه در صفوف کارگران از هیچ اقدامی فروگذار نبودند .

معهد اسپریالیستهای آلمانی و خارجی یقینهای قادر نبودند وحدت عمل کارگران و جریان دموکراتیزاسیون پیگیر مناسبات اجتماعی را در مناطق اشغالی پیاختر آلمان مانع گردند .

مخالفین وحدت در حزب سوسیال دموکرات که شوماخر نمایند ه آنان بود ، هرگونه همکاری بسا کمونیست هارا رد میکردند و این امر با امپریالیستها کک میکرد . اینان که آنتی کمونیسم کوشان کرده بود ، تمام دروسهای تاریخ و از جمله تجربه حزب خود را بدست فراموشی سپردند . آنها سکر آن بودند که نقطه صید^۶ در سیاست نوین سوسیال دموکراسی که دعوی خدمت بمنافع مردم زحمتکش راداشت فقط میتواند مبارزه مشترک طبقه کارگر وسایر زحمتکشان در راه برانداختن قدرت سیاسی واقتصادی ارتجاع باشد .

شوماخر بجای اینکار تمام مخالفین وحدت عملی را گرد خود جمع کرده بود و سیاستی را تعقیب میکرد که در ماهیت امر سیاست همکاری با بورژوازی بزرگ واحزاب آنها بود . لیدرهای حزب برای اینکه امکان عملی ساختن این خط مشی را تامین کنند ، حزب سوسیال دموکرات آلمان را با نشعاب کشانند . سیاست آنها که در آن زمان خصاص ناسیونالیستی شده داشت ، علاوه تابع کردن منافع طبقه کارگر و ملت بمنافع بورژوازی انحصاری منجر شده احیا^۷ حکومت شر برترین دشمنان خلقی کک نمود .

نیروهای ارتجاعی آلمان غربی ضمن کوشش برای حفاظت خویش درقبال تاثیرات روزافزون تحولات دموکراتیک در آلمان خاوری برای اینکه مواضع خود را اقلاد در قسمتی از آلمان حفظ کنند یکک حمایت دول امپریالیستی و مناطق اشغالی آلمان غربی سیاست تجزیه کشور را در پیش گرفته اند . بانکا^۸ مبارزه مشترک طبقه کارگر در سراسر آلمان مقابل با این سیاست امکان داشت و حزب سوسیالیست متحد آلمان نیز بخصوص برای نید به این هدف میکوشید . بانکه اصول سیاسی حزب سوسیال دموکرات در آلمان غربی ؛ با اصول سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان مطابقت نداشت ؛ مبارزه مشترک هر دو حزب کارگری بمنظور جلوگیری از تجزیه آلمان ضرور ممکن بود .

تراژدی جنبش کارگری در آلمان غربی در اینست که سران حزب سوسیال دموکراسی حتی در مورد این مسئله که برای ملت برای طبقه کارگر اهنه سخنانی داشت جرئت اقد اشتراک در خود نیدند . در نتیجه این امر امپریالیستها و میلیتاریستهای آلمان توانستند در سه منطقه تحت اشغال نیروهای کشورهای سرمایه داری دولت ارتجاعی خود را بوجود آورند .

نیروهای میهن پرست تمام قشرهای مردم ، صرف نظر از عقاید سیاسی و معتقدات مذهبی ، بر پایه سیاست ملی عملی که از طرف حزب سوسیالیست متحد آلمان پیشنهاد شد ، در جنبه ملی آلمان دموکراتیک متحد شدند . نیروهای میهن پرست کشور برهبری طبقه کارگر با در نظر گرفتن منافع ملت ، که امپریالیستهای آلمان غربی بان خیانت کرده بودند ، جمهوری دموکراتیک آلمان را بنیاد گذاری کردند . این تنها راه ملی ممکن در مقابل تجزیه آلمان برهبری امپریالیسم امریکای شمالی و حزب عده بورژوازی انحصاری آلمان غربی یعنی حزب مؤتلفه دموکراتهای مسیحی واتحاد سوسیالیستهای مسیحی بود .

ایجاد جمهوری دموکراتیک آلمان واجراء ساختن سوسیالیستی در آن بزرگترین پیروزی طبقه کارگر پس از اتحاد آن در سال ۱۹۴۶ و در عین حال بزرگترین پیروزی این اتحاد بود . بدون وحدت طبقه کارگر ، امروز دولت کارگران و دهقانان نیز که بین نظریات نیروهای صلحدوست مردم آلمان در مسائل عدل ملی وجهانی است نمیتوانست وجود داشته باشد .

بیمت سال پس از وحدت طبقه کارگر در شرق آلمان و در هفتدهمین سال موجودیت جمهوری

دموکراتیک آلمان بخوبی دید می شود که تشکیل دولت آلمانی کارگران و دهقانان نه فقط برای آینده خلق آلمان بلکه همچنین از نظر تامین صلح برای تمام خلقهای اروپا چه اهمیت ملی و بین المللی عظیمی دارد. درک این مطلب دشوار نیست که اگر تلاش جویان و ملیتاریست های آلمان غریبی که اکنون برای دست یافتن بسلامت اتمی تلاش میکنند موفق به بسط دامنه حکومت خود در سراسر کشور میشدند، خلقهای اروپا بوضع خطرناکی دچار میگشتند. بدون وحدت طبقه کارگر و بدون استقرار حکومت کارگران و دهقانان در جمهوری دموکراتیک آلمان، بدون دوستی آنان با کشورهای و خلقهای عضو پیمان ورشو، محافظ تجاوزکار ایالات متحده آمریکا و آلمان غریبی مدت ها پیش برای تغییر نتایج جنگ جهانی دوم، ولو اقدام آنها به تحمیل مانندن محکوم بود، بمنظیر و متصل شده بودند. سراسر تاریخ جنبش کارگری آلمان مخصوص تاریخ بیست ساله اخیر آن بطور غیر قابل انکار ثابت میکند که اگر گردان ها و جریان های مختلف جنبش کارگری متحد عمل کنند مبارزه طبقه کارگر همیشه به پیروزی خواهد رسید. مقابله با سیاست بورژوازی امپریالیستی تنها در صورتی ممکن است که این نیروها فعالیت خود را بایکدیگر هماهنگ سازند و متفقا در منافع طبقه کارگر مبارزه کنند. وحدت عمل طبقه کارگر بشفیع سیاست صلح آمیز و پیشرفت اجتماعی ضامن تمام پیروزیهاست.

راهی که کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها برای وحدت طبقه کارگر در شرق آلمان از سال ۱۹۴۵ در پیش گرفتند، با شرایط آن زمان برای مبارزه بخاطر رشد دموکراتیک و سوسیالیستی کشور موجود بود. توافق داشت. در پروسه اتحاد و تاثیر متقابل و حزب کارگری این مسئله حائز اهمیت است که وحدت طبقه کارگر در جریان مبارزه مشترک علیه نیروهای ارتجاعی تکامل و استحکام یافت. اگرچه مباحثه بر سر مسائل تئوریک واید تئولوژیک و هدفها و راههای جنبش سوسیالیستی کارگری ضروری بود، ولی مبارزه عملی مشترک که در جریان آن وحدت عمل باطنی مراحل مختلف و گرفتن اشکال مختلف بخود، تحکیم مییافت، برای برانداختن تفرقه اهمیت قطعی داشت. با وجود اختلاف نظرهای جدی که بخصوص در جنبش کارگری آلمان ریشه های عمیق داشت، تحقق وحدت فقط در نتیجه و گام بگام میتوانست انجام گیرد.

مهمترین شرط و در عین حال مهمترین ضامن همکاری موفقیت آمیز حزب کمونیست و حزب سوسیال دموکرات آلمان از همان آغاز این بود که مبارزه مشترک این احزاب پاسخگویی منافع طبقه کارگر و منافع ملیت باشد. تجربه ما حکایت میکند که کارگران بر اساس تجربه ای که خود در جریان شرکت در مبارزه بند ستمیابند بهترین میتوانند بضرورت و امکان وحدت عمل معتقد گردند. مبارزه مشترک علیه بورژوازی انحصاری بیش از پیش کارگران را متقاعد میسازد که آنها غیرمغایب اختلافات موجود، برای دفاع از صلح و دموکراسی دارای اشتراک منافع هستند. دیدنشان وحدت عمل تمام طبقه کارگر بتدریج کارگران را به وظیفه تاریخی خود واقف میسازد و طبقه کارگر مسئولیت خطیر خویش را در تامین صلح و حوض امپریالیسم درک میکند.

توسعه سیاست نظامی امپریالیسم آمریکا در وهنتم و در نقاط دیگر جهان و نیز تلاش جدی بهترین متحد آن در اروپا یعنی ملیتاریسم آلمان غریبی برای دست یافتن بسلامت اتمی نشان میدهد که مسئولیت مشترک طبقه کارگر در حفظ صلح کاهش نیافته، بلکه برعکس روز بروز افزایش مییابد. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان بادرک کامل اینکه این مسئولیت در وهله اول بردوش سازمانهای طبقه کارگر و احزاب و سندیکا های آنست، در آغاز قهریه سال جاری طی نامه سرکشاده ای خطاب بنمایندگان کنگره حزب سوسیال دموکرات آلمان که مییابست در دورتموند تشکیل شود و تمام اعضا و هواداران این

حزب پیشنهاد کوشش برای نیل به تقاهم متقابل در زمینه بهترین و حیاتی ترین معضلات خلق آلمان را نمود . حزب سوسیالیست متحد ه آلمان در جمهوری دموکراتیک آلمان و حزب سوسیال دموکرات آلمان در جمهوری فدرال آلمان غریب نیرومندترین احزاب آلمان هستند . ما معتقدیم و تجربه ما نیز آنرا تأیید میکند که دو حزب کارگری آلمان مشترکاً میتوانند سهم قاطع در تخفیف و خاتم اوضاع داشته باشند و کما هو خطر جنگ در اروپا محل مسئله آلمان کمک نمایند .

باینجهت ما به سوسیال دموکراتها و هواداران آنها در آلمان غریب و در برلین غربی پیشنهاد میکنیم برای رفع خطر تشدید بیشتر تجزیه و رفع خطر بروز جنگ متفقا چاره اندیشی کنیم . ما در نامه سرگشاده هیچ شرط مقدماتی قید نکرده ایم . هر دو حزب فقط يك کار باید انجام دهند یعنی برای تبادل نظر علی و صاد قانه از خود آمادگی نشان دهند . ما برای نیل باین هدف نظریات خود را بیان داشتیم و پیشنهاد های خود را در مسئله وحدت ملی مطرح ساختیم .

اگر ظمیرغم اختلافاتی که حزب سوسیالیست متحد ه آلمان و حزب سوسیال دموکرات آلمان با یکدیگر دارند ، موافقتنامه ای میان آنها منعقد شود ، این امر بسود صلح در آلمان و در اروپا کامیابی بزرگی خواهد بود . باینجهت ما از هر اقدامی در جهت مبارزه با حزب خدام سرمایه انحصاری یعنی حزب مؤتلفه اتحاد دموکراتهای مسیحی و اتحاد سوسیالیستهای مسیحی و از هر اقدامی که راه را برای همکاری با حزب سوسیال دموکرات آلمان هموار سازد پشتیبانی میکنیم .

در نتیجه تحکیم اقتصادی و سیاسی جمهوری دموکراتیک آلمان ، نظام ضد فاشیستی و دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر به دولت کارگران و دهقانان مبدون شد . و خصومت سوسیالیستی آن روز بروز آشکارتر گردید . مردم جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۵۲ بر رهبری طبقه کارگر ساختمان جهانی سوسیالیسم را طبق برنامه مصوبه در دین کفران حزب سوسیالیست متحد ه آلمان ، آغاز کردند . ما در این کار بخصوص تجربیات تاریخی دوران جمهوری صمار را در نظر گرفتیم . سران سوسیال دموکراسی پس از جنگ جهانی اول فرار سیدن سوسیالیسم را اعلام داشتند . ولی ارتجاع پس از چند سال توانست حکومت خود را تحکیم بخشد ، از انجام انقلاب بهره نبرد . دموکراتیک جلوگیری نماید و دستاورد های دموکراتیک انقلاب نوامبر را فاقد محتوی سازد و دیکتاتوری فاشیستی را مستقر کند .

زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان باید در نظر گرفتن این تجربه و ملاحظه سیاست تجاویز کارانه روز افزون امپریالیست های آلمان غریب ، نمیتوانستند راه دیگری جز راه ساختمان سوسیالیسم برای تحکیم و تکامل نظام دموکراتیک خود انتخاب کنند . با این عمل مواضع طبقه کارگر و متحدین آن در سراسر آلمان برای مبارزه با خطر تامین صلح و وحدت س آلمان بصورت يك دولت متحد و دست دموکراتیک بحرانب مستحکمتر شد .

حزب سوسیالیست متحد ه آلمان هنگام ساختمان پایه های سوسیالیسم سیاست اتحاد و همکاری رفیقانه با نیروها و احزاب دموکراتیک ادامه میدهد . این سیاست در دوران تحول ضد فاشیستی و دموکراتیک پایه گذاری شده و زندگی صحت آنرا به ثبوت رسانده بود . دشمنان سوسیالیسم کمونیست ها را اغلب سرزنش کرده و میگویند که کمونیست ها با استفاده از حکومت طبقه کارگر گویا برای استقرار حاکمیت خود تلاش میکنند و در رهبری جامعه از عمل مشترک با سایر احزاب و قبول مسئولیت مشترک امتناع میورزند . ولی این خط مشی سکتاریستی برای حزب سوسیالیست متحد ه آلمان بیگانه است . کمونیستها در سیاست خود معتقد بود و هستند که رهبر و های دموکراتیک باید مسئولیت سر نوشت مردم را متفقا بعهده گیرند . این سیاست بصورت اختلاف دموکراتیک احزاب و سازمانهای توده ای منجلی میشود .

اختلاف احزاب ضد فاشیست و دموکراتیک که در جریان مبارزه در راه منافع مردم و ملت در سال ۱۹۴۵ بوجود آمد، در مسیر تکاملی خود از مراحل مختلفی گذشته و مجمع مستحکمی بدل شده که ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان هدف آنست.

مردم جمهوری دموکراتیک آلمان برهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان در ساختمان جامعه نوین یعنی جامعه سوسیالیستی پیروزیهای عظیم بدست آورده و مصاعی خود را بطور عمده در جهت رشد نیروهای مولده، افزایش ریزد کار، توسعه مداوم مالکیت سوسیالیستی و تحکیم حکومت سوسیالیستی خود متمرکز کرده اند. زحماتشان صناعت و کشاورزی کار تولید برهبری مبتنی بر برنامه اقتصاد را روز بروز بهتر فرامیگیرند.

در جریان ساختمان سوسیالیسم نه تنها در عرصه تولید مادی، بلکه در تمام رشته های حیات اجتماعی مناسبات نوین سوسیالیستی میان افراد برقرار گردیده است. در نحوه تفکر افراد و مبانی اخلاقی و معنوی آنان نیز تغییرات ماهوی بوجود آمده است. عامل تعیین کننده نحوه رفتار آنها اندیشه های بشر دوستانه سوسیالیستی، دوستی و تعاون هر چه بیشتر است. متناسب با پیروزی های عمومی در ساختمان سوسیالیستی، دامنه انقلاب فرهنگی سوسیالیستی نیز گسترش پذیرفته است. سیستم آموزشی واحد سوسیالیستی و بسیاری اقدامات دیگر ساختمان پر دامنه سوسیالیسم در شرایط انقلاب فنی مدد می رساند. برای ساختمان سوسیالیسم افرادی لازم هستند که دارای معلومات همه جانبه و تخصصی و سطح فرهنگ عالی باشند.

تحولات سوسیالیستی در دهه برای ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان اهمیت خاصی داشت. حزب سوسیالیست متحد آلمان در اجرای این وظیفه بفرنج باندیشه های برنامه کثورتیولنی متکی بود. ولی در موارد عدیده لازم بود که راههای جدید در پیش گرفته شود. لازم بود باین سؤال پاسخ داده شود که در کشوری با سطح رشد صنعتی بسیار عالی و کشاورزی بسیار پیشرفته و تمایل عمیقاً ریشه دار دهقانان به مالکیت خصوصی بر زمین چگونه میتوان دهقانان را به تولید بزرگ سوسیالیستی جلب کرد؟

در نتیجه کاربرد خلاق مارکسیسم - لنینیسم و سیاست توأم با نروم در مورد اتحادها انجام این دشوارترین وظیفه انقلاب سوسیالیستی غیرممکن وجود مرزهای باز با آلمان غربی، بدون اختشاشات سیاسی و اجتماعی بدون نکت جدیدی تولید کشاورزی میسر گردید.

حزب سوسیالیست متحد آلمان یاد ر نظر گرفتن شرایط موجود در کشور، اشکال واسلوهایی را تشیع کرد که سوق د اوظلبانه و آگانه پیشه و ران و کار فرمایان کوچک و متوسط و کسبه رابراه سوسیالیسم تسهیل نمود. کثورتیولنیهای تولیدی پیشه و ران، انعقاد قرارداد میان کسبه و سازمانهای بازرگانی سوسیالیستی از جنبه این اشکال هستند. در عین حال ما از شیوه تبدیل بسیاری از موسسات سابق سرمایه داری به موسسات دولتی نیز استفاده کردیم. کار فرمایان کوچک و متوسط با شرکت کردن دولت در موسسات خود روی موافق نشان میدهند. در نتیجه این اقدام وضع اجتماعی و اقتصادی عد مزایای از نمایندگان سابق بهر رواجی کوچک و متوسط از بین رن تغییر یافت.

در بر تو این سیاست برای نخستین بار در تاریخ یک کشور رشد یافته صنعتی، پس از انقلا ب سوسیالیستی از بخش از طبقه سابق سرمایه داران سلب مالکیت نشد و این بخش باند ا بیر اقتصادی لازم ب ساختمان سوسیالیسم جلب گردید. البته عاملی که مقدمات این امر را فراهم ساخت آن بود که

طبقه کارگر موافق سیاست و اقتصادی قاطعی در کشور بدست آورد. بود که از آن برای همکاری علی با قشرهای دموکراتیک بهره‌روازی نیز استفاده می‌کرد.

در جمهوری دموکراتیک آلمان تحول سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم از طریق مسالمت‌آمیز و دموکراتیک انجام گرفت. طبقه کارگر نظام نوین اجتماعی را ضمن اتحاد با دهقانان روشنفکران و سایر قشرهای زحمتکش و در جریان مبارزه شدید طبقاتی در عرصه سیاست و ایدئولوژی و اقتصاد با امپریالیسم آلمان غربی و عمال آن در جمهوری دموکراتیک آلمان بوجود آورد. د شواری خاص در این بود که طی تقریباً ۱۳ سال مامجور بودیم در شرایط مرزهای باز بارش دریافت‌ترین کشور صنعتی اروپای غربی که دارای متجاوزترین امپریالیسم و خطرناکترین میلیتاریسم است، سوسیالیسم را پایه ریزی کنیم و سپس دست‌یکار ساختمان وسیع آن گردیم.

گام‌نهادن در راه مسالمت‌آمیز تحول سوسیالیستی از آن جهت میسر گردید که حزب سوسیالیست متحد آلمان توانست اصول چهارکسیسم - لنینیسم را با شرایط مبارزه در آلمان تطبیق دهد. این حزب سیاستی را تنظیم نمود که بوی امکان میداد نیروهای میهن پرست مردم رانخت رهبری طبقه کارگر و تمام قشرهای زحمتکش متحد سازد و آنان را به تحول سوسیالیستی جلب نماید. تقویت و تحکیم دائمی حکومت کارگران و دهقانان، تغییر تناسب قوا در عرصه جهانی، بسود صلح و سوسیالیسم، دوستی برادرانه جمهوری دموکراتیک آلمان با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی - شرایط مهم دیگری هستند که در پرتو آنها ما توانستیم با گام‌هایی در این راه گام برداریم.

کنگره ششم حزب سوسیالیست متحد آلمان در نتیجه پیروزیهای بزرگی که زحمتکشان در ایجاد نظام نوین بدست آورد، بودند، در آغاز سال ۱۹۶۳ خود را کاملاً محقق دانست اعلام کند که مناسبات تولیدی سوسیالیستی بطور قطعی برای همیشه در جمهوری دموکراتیک آلمان پیروز شده است. این بدان معناست که در جمهوری دموکراتیک آلمان سیستم استثمار فرد از فرد برای همیشه از میان رفته است.

برنامه حزب سوسیالیست متحد آلمان با این سخن آغاز میشود: "در تاریخ مردم آلمان دوران نوین، دوران سوسیالیسم آغاز شده است. این دوران - دوران صلح و برابری اجتماعی، دوران فضیلت انسانی برادری میان انسانها، دوران آزادی و عدالت، پیروزی انسانیت و زندگی پر نشاط است... در جامعه نوین این اصل جاریست: همکاری همراه با مردم، از برکت مردم برای مردم." جمهوری به این دوران سوسیالیستی نوین در آلمان گام نهاده است.

وحدت طبقه کارگر که در نتیجه تاسیس حزب سوسیالیست متحد آلمان در این بخش آلمان انجام گرفت، پس از انتشار "مانیفست کمونیستی" مارکس و انگلس بزرگترین دستاورد جنبش کارگری آلمان است. طبقه کارگر در پرتو این وحدت بخواسته‌های اساسی هر چه در تمام برنامه‌های گذشته جنبشی انقلابی کارگری آلمان تحقق بخشید. راهی که طبقه کارگر آلمان از "مانیفست حزب کمونیست" تا برنامه حزب سوسیالیست متحد آلمان و ساختمان دائمی آن در سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان پیموده، راهی دشوار بود و اقدامات بسیار ایجاب می‌کرد، این راه راه مبارزه سرسخت چند ثلث از کارگران آلمان علیه دشمنان خلق بود.

حزب انقلابی طبقه کارگر در این مبارزه رشد یافت و استحکام پذیرفت و تنظیم استراتژی صحیح و کار بستن آنرا فراگرفت. حزب سوسیالیست متحد آلمان در پرتو اتحاد با زحمتکشان دیگر که رهبری

آنها را بعهده دارد طی مدتی کوتاه یعنی در ظرف بیست سال کاخ موسیالیم را در جمهوری دمکراتیک
 آلمان می افکند . در جریان این تکامل یک رهبری حزبی و دولتی بوجود آمده است که نظیر آن در
 مراسم تاریخ پیشین آلمان یافت نمیشود . جمهوری دمکراتیک آلمان و حزب موسیالیمت متحده
 آلمان مظهر دوران آینده جنبش کارگری آلمان و مآجلیت آلمان هستند .

نیروی مؤثر انترناسیونالیسم در شرایط امروز

آمن چارا کچی اف

مارکس و انگلس اصل سترک انترناسیونالیسم را شرط حتمی آزادی زحمتکشان سراسر جهان از قید استثمار، اسارت و جنگ اعلام کرده اند. هدفهای طبقه کارگر تمام کشورها مشترک است: انهدام سرمایه داری و ساختمان کمونیسم. لنین می نویسد: "سرمایه یک نیروی بین المللی است برای نبرد به پیروزی بر آن اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنان ضرور است". سیر تکامل اجتماعی قدرت حیاتی انترناسیونالیسم را تمام و کمال به ثبوت رسانیده است. بموازات بالا رفتن نقش پرولتاریا در پروسه تاریخی جهانی، همکاری بین المللی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان نیز تقویت یافته است. پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم و رشد آن، گسترش نیرو و متحد جنبش آزاد بیخشم ملی در آسیا، افریقا و امریکای لاتین، بسط دامنه مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم در کشورهای سرمایه داری - تمام این جریانهای انقلابی عصر ما بطور عد با پشتیبانی متقابل واحد های اساسی جنبش انقلابی جهانی و نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیستی علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم جهانی انجام گرفته است.

امپریالیسم که از دامن جنگ جهانی به مراتب ضعیف تر از سابق بیرون آمد، تسلط جهانی سابق خود را از دست داده است ولی دول امپریالیستی تحت سرکردگی امریکا با تمام قوا تلاش کردند تا جلوی توسعه انقلابهای سوسیالیستی و انقلابهای آزاد بیخشم ملی را بگیرند. نیروهای روز افزون انقلابی و صلح دوست توانستند تهاجم امپریالیستهارا دفع کنند و ضربات تازه بر آنان وارد سازند. جنگهای تجاوزکارانه ای که امپریالیستها در هند و چین و کره و مصر برآوردند در درجه اول در پرتو پشتیبانی انترناسیونالیستی سیستم جهانی سوسیالیسم و نیروهای دیگر ضد امپریالیستی از سلسله مبارز این کشورها بشکست متجاوزان انجامید. نیروهای صلح دوست توانستند تشنج اوضاع جهان را تا اندازه ای کاهش دهند. در این اثنا جنبش انقلابی بسیاری پیروزیهای بزرگ تازه بدست آورد که بزرگترین آنها پیروزی انقلاب کوبا بود.

البته مادامکه امپریالیسم وجود دارد امپریالیستها خواهند کوشید تا جنبشهای انقلابی را خفه کنند و چرخ تاریخ جهانی را بحلق بازگردانند. امپریالیستها از پیدایش هر دشواری در داخل سیستم جهانی سوسیالیسم یا از هر آنگذگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی و نیروهای انقلابی و صلح دوست یا جهدی خاص برای مقاصد تجاوزکارانه خویش استفاده کرده و خواهند کرد. ارتجاع این امر را وسیله ای برای تضعیف پروسه انقلابی جهانی میداند.

امروز تناسب قوا در عرصه جهانی بهیچوجه بسود امپریالیسم نیست. ولی امپریالیستهای امریکا متحد بین آنان در سالهای اخیر یکسلسله عملیات تجاوزکارانه جدید دست زده اند. خطرناک ترین نمود ارتجاف روز افزون زمامداران واشنگتن اقدام بچنگ کثیف در ویتنام و توسعه مداوم دامنه آن و گرایش بسوی کشاندن آن بچاک لائوس و کامبوج است. علاوه بر این میتوان عملیات بزرگ تجاوزکارانه اخیر نیروهای ارتجاعی را نام برد: مد اخلصصالحانه امریکا و لژیک درکنگوی لئوپولد و لیل تهاجم تفنگداران درپای امریکا و تلاش آنها برای خفه کردن جنبش دموکراتیک جمهوری دومینیک جنگ استعماری امپریالیسم انگلستان در عدن و در سراسر شبه جزیره عربستان، تحریکات واشنگتن علیه کمپوز انقلابی، کودتاها و ارتجاعی در برزیل، یونان و کشورهای دیگر که با شرکت آشکار یا پنهان سازمان جاسوسی امریکا انجام گرفت و غیره.

نمودار عمده تشدید فعالیت تجاوزکارانه امپریالیسم در قاره اروپا عبارتست از تشدید ملیت‌پرستانه و روحیه تلافی جوشی در آلمان غربی. قرائن موجود از بند و بست میان بین‌واشنگتن در مسئله تجهیز ارتش آلمان غربی بصلاح هسته ای خبر میدهد و ضمناً این بند و بست حتی در خفا ایبرخی از هم پیمانان آنان در ناتو انجام میگردد. دولت ارهارد گامهای خطرناکی برمیدارد که آلمان غربی را به پشتیبانی از امریکا در چنگ کثیف ویتنام نیز وارد کند.

تشدید گرایش بسوی اقدام بچجا و زور ضد انقلاب با تلاشهای جدید در زمینه گسترش جنگ سرد انجام میگردد. فعالیت ارتجاع جهانی در جهت منسحب ساختن نیروهای ضد امپریالیستی دامنه وسیع بخود گرفته است. برای این منظور کلیه مسائل از خرابکاری ایدئولوژیک گرفته تا شیوه های اعمال فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی و غیره بکار میرود. برای ایجاد اقتسراق در جنبشهای آزاد ییخشمی و جنبشهای دموکراتیک و پرورش جواش ارتجاعی ناسیونالیسم جهت جلوگیری از تحکیم جبهه جهانی ضد امپریالیستی بخصوص از انشی کمونیسم زیاد استفاده میشود.

علاوه بر این در شرایط رشد نیروهای هواداران آزادی ملی و اجتماعی و دموکراسی و سوسیالیسم امپریالیستهای با تلاشهای جدیدی برای برطرف ساختن تضاد های درونی ذاتی خود بعمل میآورند تا از این راه بتوانند بالاتفاق علیه نیروهای انقلابی و ترقیخواه مبارزه کنند و بالاتفاق آنها را شکست دهند. طبیعی است که در شرایط کنونی نیز آنها بهیچوجه نمیتوانند بطور کامل باین مقصود نائل آیند. مثلاً فرانسه در چنگ کثیف ویتنام از امریکا پشتیبانی نمیکند. در یکسلسله از موارد فرانسه انگلستان و کشورهای دیگر اروپای غربی در قبال مشی تلافیجوهانه بین و غیره روش احتیاط آمیز دارند. مع الوصف سازمانهای سیاسی و نظامی و اقتصادی عده امپریالیسم نظیر ناتو، سیتو، سنتو و بازار مشترک و غیره که در سالهای پس از چنگ ایجاد شده و مفهوم معینی جنبه بین المللی دارند در پیشبرد مشی تجاوزکارانه جدید امپریالیسم جهانی نقش بزرگ بازی میکنند.

تشدید فعالیت تجاوزکارانه امریکا برای جنبشهای آزاد ییخشمی و کشورهای جهان سوم و جنبشهای انقلابی و دموکراتیک کشورهای سرمایه داری و نیز برای ساختن مسالمت آمیز در کشورهای سوسیالیستی - ایجاد خطر میکنند. توسعه بیشتر دامنه جنگ در ویتنام (اسکالاسیون) که احتمال بروز حریق جهانی هسته ای را افزون میسازد برای تماچیل و تمام جامعه بشری خطرات بی حد و حصر بوجود میآورد.

برای رفع این خطر بزرگ برای حفظ صلح و ایجاد شرایط مساعد جهت توسعه جنبشهای انقلابی

ود مکرراتیک و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در درجه اول باید تجاوز امریکارا در روستن نام متوقف ساخت
برای حصول این مقصود باید فعالیت نیروهای عمد^۱ انقلابی و ترقیخواه عصر ما را تقویت کرد و در درجه
اول همبستگی انترناسیونالیستی را در صفوف جنبش جهانی کمونیستی تحکیم بخشید *



بنیاد مشترک فعالیت تمام احزاب کمونیست و کارگری در شرایط کنونی مبنی صهی جنبش جهانی
کمونیستی است که با مساعی مشترک تمام احزاب برادر در جلسا^۲ هشماره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مسکو
تنظیم شد و ماهیت انترناسیونالیسم برای پیروزی نیروهای انقلابی دوران کنونی در آنها خاطر نشان
گردیده است * ولی در صفوف جنبش جهانی کمونیستی اختلاف نظرهای عمیقی وجود دارد که مانع تحکیم
وحدت جنبش است * از اینجا وظیفه بسیار مهمی ناشی میشود و آن اینکه باید کوشید تا غیرم این
اختلاف نظرها طرف و وساطت برای تأمین همبستگی انترناسیونالیستی و تقویت مبارزه متحد تمام احزاب
برادر و جنبشهای انقلابی علیه امپریالیسم و خصوصاً برای قطع تجاوز امریکابه روستن نام پیدا کرد *

به همین جهت ما برآنیم که نظریاتی حاکم از اینک گویا انترناسیونالیسم پرولتری فقط در صورتی
باید اعمال گردد که اختلاف نظرهای موجود در جنبش جهانی کمونیستی تمام و کمال برطرف گردد و گویا
حتماً باید اول اختلافات مسلکی را برطرف ساخت و فقط پس از آن از تمام واحدهای جنبش انقلابی جهانی
انجام وظیفه انترناسیونالیستی انانرا طلب کرد - نظریاتی است خطا و بسیار زیان بخش *

بجاست بخاطر ابریم که دعوت به همبستگی بین المللی پرولتاریا از صانی از طرف مارکس وانگلس
انجام گرفت که وحدت ایدئولوژیک میان طبقه کارگرهنوز وجود نیامده بود * پیروان تعالیم مارکس در
انترناسیونال اول بطوریکه میدانیم بهیچوجه اکثریت نداشتند * شعار " پرولترهای تمام کشورها
متحد شوید " در آن شرایط - هم دعوت به وحدت عمل بود و هم دعوت به نزدیکی ایدئولوژیک و
سازمانی تمام واحدهای ملی طبقه کارگر * این دعوت بهیچوجه همبستگی در مبارزه را بتأمین وحدت
مسلکی کامل واحدهای مختلف جنبش انقلابی وابسته نمیکرد *

انترناسیونالیسم نیز مثل هر پدیده دیگری در جهان - جامد و متحجر نیست * اشکال و اسالیب
همکاری بین المللی و پشتیبانی متقابل احزاب کمونیست و جنبشهای انقلابی و نیروهای ترقیخواه از
یکدیگر در جریان تکامل جنبش انقلابی جهانی پیوسته تکامل می پذیرد و محتوی انترناسیونالیسم
پیوسته غنی تر میگردد *

مارکسیست ها هیچگاه در جهت محدود ساختن انترناسیونالیسم پرولتری گام برنداشته و
هیچگاه آنرا برای ایجاد افتراق در صفوف واحدهای مختلف جنبش انقلابی و تحمیل ایدئولوژیک بکار
نبرده اند * بلکه برعکس این اکثریت لیدرهای انترناسیونال دوم بودند که پس از خیانت به مارکسیسم
در دوران نخستین جنگ جهانی منافع پیروزی امپریالیستی " خودی " را مافوق همه چیز قرار دادند
و مدعی شدند که همبستگی بین المللی پرولترها پذیرفته نیست زیرا با داعی انان مثلا کارگران روسی
و کارگران آلمانی حالا دیگر دشمن یکدیگرند * از آنجاکه این لیدرهای انترناسیونال دوم بمواضع
شورونیسیم در غلطیدند مبارزه علیه شورونیسیم و علیه جنگ امپریالیستی در آن زمان به محمود ارمسد
انترناسیونالیسم اصیل بدل شد *

پس از پیروزی انقلاب اکتبر مبارزه انقلابی پرولتاریا و تمام زحمتکشان کشورهای سرمایه داری
 دامن وسیع بخود گرفت . در عین حال جنبش آزاد ییخشملی در کشورهای مستعمره و وابسته
 که با شلیک توپهای زرمناو " آرورا " از خواب برخاسته بودند روز بروز گسترش بیشتری پیداکرد .
 دامنه وحدت عمل و همکاری میان تمام واحدهای انقلابی جنبش کارگری و جنبش آزاد ییخشملی وسعت
 یافت و تحکیم پذیرفت . لنین با توجه باین امر فرمولی جدید شعار طبقاتی انترناسیونالیسم
 پرولتاری یعنی شعار " پرولتراهای تمام کشورها عمل مستکثر متحد شوید " را تایید کرد . البته
 صحبت بر سر آن نبود که وحدت آید نولوزیک این جنبشهای مختلف انقلابی شرط مقدماتی حتمی باشد
 یکی از شاخص ترین خصایص انترناسیونالیسم پرولتاری کمنیستهای تمام کشورهای در آن دوران مبارزه
 برای دفاع از اتحاد شوروی نخستین دولتستارگری و دهقانی جهان در قبال عملیات تجاوزکارانه
 و تبلیغات افترا مزارتجاع جهانی بود .
 در اوضاع و احوال تاریخی جدید پس از جنگ دوم جهانی محتوی و شکل پروژانترناسیونالیسم
 باز هم غنی تر شد .

یکی از وظائف اساسی انترناسیونالیستی احزاب کمنیست کشورهای سوسیالیستی و مجامعه
 جنبش جهانی کمنیستی در شرایط کنونی تامین وحدت و یوستگی صفوف ارد و گاه سوسیالیستی تکیه
 گاه همه تمام نیروهای مبارز راه صلح ، دیموکراسی ، آزادی ملی و سوسیالیسم است . عناصر واقعا
 ترقیخواه جنبش آزاد ییخشملی نیز در این امر ذینفع اند زیرا جامعه کشورهای سوسیالیستی در
 مبارزه علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم بهترین متحد آنانند .
 در شرایط کنونی که امپریالیستهای سعی دارند جنبش آزاد ییخشم جهانی را متفرق سازند
 برای اینکار بخصوص مبارزه علیه اتحاد شوروی را شدت میدهند و سلاح زهر الودائی کمنیسم را در
 مقیاس وسیع بکار میزنند . باینجهت دفاع از اتحاد شوروی که امروز نیز پیشروترین و نیرومندترین
 واحد نیروهای ترقیخواه است در عین دفاع از تمام سیستم جهانی سوسیالیسم و از یکایک کشورهای
 سوسیالیستی در قبال حملات دشمنان وظیفه بسیار مهمی در زمینه انترناسیونالیسم پرولتاریست .
 برقراری همکاری و تحکیم وحدت عمل میان سه جریان اصلی انقلابی عصر حاضر یعنی سیستم
 جهانی سوسیالیسم ، جنبش آزاد ییخشملی ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین و جنبش کارگری
 و دیموکراتیک کشورهای سرمایه داری نیز یکی از مهمترین هدفهای انترناسیونالیسم را در زمان
 تشکیل میدهد .

حل مسائل عده دوران کنونی یعنی قطع تجاوز امپریالیسم امریکا ، تامین صلح و فراهم
 ساختن شرایط مساعد تر برای تکامل انی جامعه بشری بطوریکه در با لاختار نشان گردد بد رجبه
 تحقق این وحدت عمل بستگی خواهد داشت .
 تنوع فراوان شرایط سیاسی واجتماعی در کشورهای مختلف تنوع وسائل و اشکال تجلی همبستگی
 بین المللی تمام نیروهای ضد امپریالیستی و صلح دوست و مبارزه مشترک آنان را برای پشتیبانی از مردم
 و مقام و قطع تجاوز امریکا ایجاب میکند .

مردم و مقام از اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی کمکهای دائم التزاید دریافت
 میدارند . معارف اجتماعی کشورهای سوسیالیستی در جلسات و تظاهرات و در مطبوعات و غیره داغ
 ننگ بر ناصیه تجاوزان امریکا میزنند و برابر آمادگی میکنند که تمام کمکهای لازم را مهذول دارند

تایید ارتداد لانه خلق قهرمان ویتنام به پرورزی بیانجامد . یکسلسله از کشورهای و محافل اجتماعی کشورهای " جهان سوم " از مرد ویتنام پشتیبانی میکنند . نخستین کنفرانس همبستگی ملل آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین در هاوانا همبستگی عمیق توده های بزرگ این کشورها را با مردم ویتنام ابراز داشت و قطع قهری تجاوز امریکارا جدا خواستار شد .

اهمیت بین المللی کنفرانس نمایندگان سه قاره در هاوانا از حد ود پشتیبانی ملل این کشور ها از بیکار مردم ویتنام فراتر میرود . تشکیل کنفرانس هاوانا با شرکت نمایندگان کشورهای بزرگ مردم ۸۲ کشور آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین و این واقعیت که در این کنفرانس با اتفاق تصمیم سه تاسیس سازمان همبستگی ملل سه قاره و تشکیل دبیرخانه اجرائی آن گرفته شد موفقیت بزرگی است در امر تحکیم وحدت جنبش آزاد یبخش ملی . کنفرانس هاوانا در عین حال گامی است در راه اتحاد صفوف تهاجمیروهای ضد امپریالیستی و متحد آنستکه در کنفرانس نمایندگان کشورهای سوسیالیستی اروپا و سازمانهای دموکراتیک بین المللی نیز بعنوان ناظر حضور داشتند و همبستگی خود را با فعالیت آن ابراز کردند .

زحمتکشان و تهاجمیروهای دموکراتیک و صلح دوست کشورهای سرمایه داری یاد رک مسئولیت خاصی که بعهده دارند مراتب همبستگی انترناسیونالیستی عمیق خود را با خلق ویتنام ابراز میدارند و بارزه در راه قطع جنگ در ویتنام و قطع سایر تجاوزات امپریالیستی را شدت میدهند . در ایتالیا ، فرانسه ، ژاپن و تقریبا در کلیه کشورهای سرمایه داری بهیض از همه یابندگان احزاب کمونیست جلسات و میتینگ ها و دموستراسیونها و انواع تظاهرات دیگر برای اعتراض به تجاوز امریکا ، به ویتنام برپا میگردد . برای مردم ویتنام اعانه جمع آوری میشود . روز بروز عده بیشتری از دانشندان و نویسندگان و هنرمندان باینبارزه می پیوندند . فشار توده های مردم بر دولت ها بمنظور وادار ساختن آنها به دور شدن از سیاست پشتیبانی از تجاوز امریکا شدت میگیرد . کمونیست ها بخاطر این وظائف در تحکیم وحدت تهاجمیروهای چپ و دموکراتیک مجاهدت میورزند .

آنچه در اینصحنه اهمیت خاص دارد اینستکه در خود امریکا نیز نیروهای ترقیخواه بتدریج به بارزه علیه شلی خطرناک تجاوز کارانه امریکا جلب میشوند . زمامداران و دانشگدن با تمام قوا میکوشند در داخل امریکا از ایجاد جنبش متشکل وسیع علیه شلی تجاوز کارانه سیاست خارجی مخصوص علیه تجاوز امریکا به ویتنام جلوگیری کنند برای این منظور بهراقدامی دست میزنند : جمهوری دموکراتیک ویتنام و " کمونیسم جهانی " را سالوسانه متهم میکنند که گویا آنها تجاوزکارند ، جانسون بدروغ از تمایل موهوم خود به شستن پشت میز مذاکرات صلح در چیزند و در تکمیل همه اینها تاضیقات علیه حزب کمونیست امریکا و سایر مبارزان راه صلح را شدت میدهند . ولی بطیرغم این اقدامات هم اکنون در امریکا جنبش توده ای اعتراض علیه جنگ کثیف گسترش میپذیرد و این جنبش اشکال متنوعی بخود میگیرد : تظاهرات صلح جلوی کاخ سفید ، مارش صلح در سراسر کشور ، اعلامیه اعتراض آمیز دانشمندان فرهنگیان مشهور و تظاهرات دانشجویان در دانشگاهها و غیره .

نیروهای انقلابی و ترقیخواه سراسر جهان با بارزه علیه تاضیقات و ترور علیه متحدین حقوق و آزادی های توده مردم در هر نقطه جهان - مراتب همبستگی عمیق بین المللی خود را ابراز میدارند . نمودار این امر جنبش وسیع اعتراض علیه تهاجمیروهای ارتجاع نظیر کشتار دهها هزار کمونیست و دموکرات در اندونزی ، تعقیب نیروهای دموکراتیک در عراق ، منع فعالیت حزب کمونیست در سودان ، محاکمه

جایزانه در اسپانیا و آمریکا ، سیاست ترور ارتجاع در یکسلسله از کشورهای امریکای لاتین و کشورهای دیگر است .

نتیجه ایکه از تمام سیر تکامل عینی بدست میآید چنین است : هر اندازه که نیروهای ترقیخواه جهان و در درجه اول کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و کشورهای در حال رشد و سایر کشورهای صلحد و ست با ابرام بیشتر و محو تشکلت در راه قطع تجاوز امریکا به میثاق و جلوگیری از کلیه اقدامات دیگر ارتجاع جهانی مبارزه کنند و نیروها و کشورهای صلحد و ست کمکهای مادی و مخصوص کمکهای نظامی بیشتر و موثر تری بخلق قهرمان و میثاق که دستخوش تجاوز قرار گرفته است مهذول دارند جنگ زود تر پایان خواهد یافت و شرایط لازم برای حل مسالمت آمیز مسئله و میثاق بر وفق موافقتنامه های ژنو زود تر فراهم شود و خطر عاجل جنگ جهانی جدید بر طرف خواهد گشت و شرایط مساعد تری برای رشد تمام جنبشهای انقلابی و ترقیخواه فراهم خواهد آمد .



میان وظایف ملی احزاب مارکسیست و فراهین انترناسیونالیستی آنان وحدت ناگسستنکی وجود دارد . اگر حزب در مبارزه برای انجام وظایف ملی خود در پیشاپیش طبقه کارگر و تمام مردم نباشد فریضه انترناسیونالیستی خود را نیز نخواهد توانست بطور کامل انجام دهد و نخواهد توانست از جنبشهای انقلابی کشورهای دیگر پشتیبانی اثر بخش نماید . عکس این مطلب نیز صادق است یعنی اگر حزب از انجام وظایف انترناسیونالیستی خود تن بزند و شوونیسم یا گرایشهای ناسیونالیستی نشان دهد در آخرین تحلیل ناگزیر بنافقه بنیادی طبقه کارگر و تمام مردم کشور خویش زیان میرساند .

ساختمان جامعه نوین تنها وظیفه ملی احزاب کمونیست در راس حکومت نیست بلکه وظیفه مهم انترناسیونالیستی آنان نیز هست . همانطور که در اعلامیه سال ۱۹۶۰ گفته شده است جریا تکامل اجتماعی موجد این پیشبینی چنین است که کشورهای سوسیالیسم در آنها پیروز شد است با پیشرفتهای اقتصادی خویش است که تاثیر اساسی خود را بر تکامل انقلاب جهانی اعمال مینمایند . در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شده است که حزب ساختمان کمونیسم را در اتحاد شوروی وظیفه عظیم انترناسیونالیستی مردم شوروی میداند ، وظیفه ای که با مناسف تمام جامعه بشری مطابقت دارد . سایر احزاب کمونیست و کارگری جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز اهمیت بین المللی ساختمان سوسیالیسم را در کشورهای خود برنقطه ارزیابی میکنند .

احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی وظایف عهد خود را در زمینه سیاست داخلی در این میدانند که بر پایه مالکیت اجتماعی بروسا تک تولید و مبادله موجبات رشد هر چه سریعتر و موفقیت آمیز تر صنایع و کشاورزی ، علم و تکنیک را فراهم سازند ، دموکراسی سوسیالیستی را تکمیل نمایند و سطح زندگی و فرهنگ تمام مردم را بالا ببرند و قدرت دفاعی کشور را تحکیم بخشند . در زمینه سیاست خارجی وظایف عهد آنان اینست که همکاری نزدیک با کشورهای سوسیالیستی دیگر را بر اساس برابری کامل توسعه دهند ، به جنبشهای آزاد بخش ملی و اجتماعی کمک کنند ، علیه هرگونه

مظاهر تجاوز امپریالیستی مبارزه نمایند ، از امر صلح دفاع کنند و مناسبات مبتنی بر اصول همزیستی
 مسالمت آمیز با کشورهای سرمایه داری برقرار سازند . انجام موفقیت آمیز وظایف اساسی در زمینه
 سیاست داخلی و خارجی بحزب کمونیست هر یک از کشورهای سوسیالیستی امکان میدهد نقش
 پشاهنگ ملت خود را ایفا کند و در عین حال فریضه انترناسیونالیستی خویش را نیز انجام دهد .
 وحدت ناگسستی میان هدفهای ملی و وظایف انترناسیونالیستی خصیصه احزاب کمونیست
 کشورهای سرمایه داری و کشورهای آزاد شده و کشورهای کهنوز از قید این پیمان شکن وابستگی به
 امپریالیسم آزاد نشده اند نیز هست . بطور کلی هر حزب مارکسیستی اعم از آنکه در اس حکومت
 باشد یا نباشد یک از هدفهای عمده خود را در این میدانده اند که در سیاست خود مبارزه در راه تحقق
 وظایف ملی را استادانه با انجام وظایف انترناسیونالیستی در آمیزد . در عین حال برابری کامل
 تمام احزاب کمونیست شرط اساسی انترناسیونالیسم پروولتریست .
 کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری در عرصه بین المللی از شعار دوستی ملی
 کصبرترین مظهر انترناسیونالیسم است طرفداری میکنند . در این زمینه بذکر یک مثال اکتفا میکنیم
 اختلاف میان هند وستان و پاکستان بر سر کشمیر که سال گذشته به تصادم جنگی آشکار میان آنها
 انجامید یکی از زمینهای ساعت شماری است که امپریالیستهای برای این خلقهای آزاد شده از قید
 تسلط امپریالیستی بمراث گذاشته اند . بر چکسانی روشن نیست که و خامت مناسبات میان هند و
 ستان و پاکستان و طریق اولی جنگ میان آنها در درجه اول بطل این کشورها و سپس ایضا به تمام
 نیروهای صلح دوست زبان میرساند و چنین جنگی فقط بسمود متجاوزان و جنگ افروزان تمام میشود .
 ملاقات هیئت های نمایندگی پاکستان و هند وستان که به پایمردی دولت اتحاد شوروی در
 زائمه اسما در تاؤ کند صورت گرفت و نتیجه این ملاقات یعنی اعلامیه تاؤ کند که منافی برای بهبود
 مناسبات میان این دو کشور قرار گرفت حائز اهمیت سیاسی فراوان است . برای نخستین بار در تاریخ
 جهانی دولت بزرگ غیر سوسیالیستی از میانگیری یک دولت سوسیالیستی استفاد کردند و در
 پرتوان توانستند در امر حل و فصل مسائلی مورد اختلافی که از دوران تسلط استعمار میراث رسیده
 بود بمتناهی مثبت برسند . در نتیجه این امر بر ائتلاف بین المللی اتحاد شوروی و سیاست خارجی
 صلح و ستانه سوسیالیستی آن در زمینه دفاع از صلح و دوستی ملل - افزوده شد .



واقعیات گواه بر آنستکه امپریالیسم امریکا و متحدین آن در اقدام بماجراجویی غلیظتنام و
 تعرضی نیروهای انقلابی در مناطق دیگر جهان حسابهای خود را تا حد و زیادی بر پایه قرار
 داده اند که اختلافات موجود در جنبش جهانی کمونیستی مانع ابراز وسیع همبستگی بین المللی نیرو
 های ضد امپریالیستی و ویژه مانع وحدت عمل کشورهای سوسیالیستی خواهد شد .
 این امر کمونیستهارا بیش از پیش موظف میدارد که تمام انرژی خود را بکار برند تا طبرغم
 اختلافات موجود مبارزه مشترک نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیستی تقویت گردد و وظیفه علیات
 تجاوزکارانه امپریالیستها مقابله جمعی صورت گیرد . چنین مبارزه متحد و متفق علیه دشمن مشترک
 بنه خود برقع اختلافات کمک خواهد کرد .

هرآنچه که مصلحت حکیم و جدت عمل کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی
 و تمانیروهای انقلابی و صلحدوست است و هرآنچه که بهارزه مشترک علیه امپریالیسم و ارتجاع زیان
 میرساند باید به عقب رانده شود . ابراز جد اعلاى همیستگى انترناسیونالیستی برای قطع
 عملیات تجاوزکارانه امپریالیستهای امریکا و تامین کامیابی مبارزه در راه صلح و ترقی در این ایسام
 ضرورت مبرم دارد .

کنفرانس سه قاره

فورتوننی - دلگادو - سالی

دو نخستین هفته های سال جاری بار دیگر ائظارجهانیان به هاوانای خوشان و مهمان نواز دوخته شد. امروز ۳ تا ۱۵ ژانویه نخستین کنفرانس همستگی ملل آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در آنجا برگزار گردید و ملاقات بسیار مهمی میان نمایندگان نیروهای مختلف انقلابی سه قاره انجام گرفت.

در کار کنفرانس پیش از ۵۰۰ نماینده از ۸۲ کشور شرکت کردند. علاوه بر آن بیش از ۱۰۰ ناظر هم از کشورهای سوسیالیستی و سازمانهای دموکراتیک بین المللی و سازمانهای مختلف کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در کنفرانس حضور داشتند و دهها نفر هم بطور انفرادی بعنوان مهمان کنفرانس دعوت شده بودند. جمع عده نمایندگان و مهمانان از ۸۰۰ نفر بیشتر بود. حتی ذکر نام تمام هیئت های نمایندگی و عناوین قطعنامه ها، موصوفه کنفرانس چند صفحه را پر میکند و متن کامل این قطعنامه ها کتاب قطوری میشود. باینجهت ما میکوشیم بشرح کوتاهی درباره کار کنفرانس اکتفا ورزیم و تنها به برخی مسائل که موضوع تحلیل بعدی خواهد بود اشاره خواهیم کرد.

بسیاری از شرکت کنندگان کنفرانس خاطر نشان ساختند که تشکیلات خوب در موفقیت کار مجمع بزرگی که بعدت پیشرونی اوضاع و احوال سیاسی و کثرت تعداد نمایندگان ممکن بود به آزاد جام در هم ورهم بدل گردد (که پیشگویان حرفه ای امریکاییسم امریکا و ارتجاع جهانی نیز همین حساب را میکردند) نهایت اهمیت را داشت. سطح عالی تشکیلات کنفرانس بار دیگر نشان داد که انقلابیون کواچه تجربه تشکیلاتی بزرگی اندوخته اند. هم سطح عالی تشکیلات کنفرانس و هم موفقیتکار آن در عین حال گواهی است بر دوراندیشی رهبران کوی سوسیالیستی و نزاکتی که در تمام طول کنفرانس هاوانا مخصوص در لحظات حساس آن از خود نشان دادند.

روشن است که انتخاب کواچه برای برگزاری کنفرانس نیز انتخاب بسیار نیکوی بود بخصوص با توجه باینکه مردم کواچه در آستان کنفرانس با شوق و ذوق انقلابی فراوان هفتمین سالروز پیروزی انقلاب خود را جشن میگرفتند و این امر به ایجاد محیط وحدت در کار کنفرانس کمک بسیار کرد. تقریباً در مورد تمام مسائل مطروحه نمایندگان کنفرانس (و هر حال اکثریت قریب بتمام آنان) با شور و هیجانی سخن گفتند.

فیدل کاسترو ضمن سخنرانی خود در میثنگ روز ۲ ژانویه ۱۹۶۶ گفت: " این کنفرانس میتواند بسیار ثمر بخش باشد. این کنفرانس اعم از اینکه هر نتیجه ای داشته باشد حاصلی خواهد داشت که بخودی خود بپهنای سودمند خواهد بود و آن تماس میان جمع بزرگی از مردان و زنان است که از مناطق مختلف جهان آمده اند، تماس میان رهبران انقلابی، رهبران جنبشهای انقلابی سراسر جهان است که بخودی خود ثمرات فراوان بیبار خواهد آورد و میانی همبستگی را تحکیم خواهد بخشید و دامنه کمک های مشترک یا دو جانبه را بسط خواهد داد و در آخرین تحلیل نتیجه بسیار مثبتی خواهد داشت " .

سپهر شمس دولت انقلابی کجا گفت : " این کنفرانس مخصوص هنگامی سودمند تر و ضرر بخش تر خواهد شد که مریک آزما بتواند خصائل ویژه خود را نمودار سازد تا بدین طریق به روش مصلحت‌های مستقل خود عمل کرده باشد ؛ زیرا این یگانه وسیله و یگانه راه صحیحی است که بکمک آن میتوان براه حسل واقعی رسید "

و اما این مصیبت‌های مستقل را چگونه میتوان در چارچوب اراده واحد با هم در آمیخت و صورت تصمیمات متفقاً تصویب شده در آورد ؟ کنفرانس توانست باین سؤال پاسخ بدهد و بدینسان اهمیت آن از حد و " برقراری تماس " که فیدل از آن سخن گفته بود بیسی فراتر رفت . بنظر ما نتیجه عمده کنفرانس تحکیم وحدت نیروهای انقلابی آسیا ، افریقا و امریکای لاتین بر پایه همبستگی فعالانه بود و این امر در آینده انگیزه ای خواهد بود برای مبارزه بیشتر و جامع‌تر علیه امپریالیسم (و در رده اول امپریالیسم امریکای شمالی) و استعمار کننده و نو . این وحدت بخصوص در بزرگ‌تر خود مقابله رفیقانه موضوعگیریهایی مستقل بدست آمد . در هاوانائیک " وحدت اصیل مهمتی بر تنوع " پابعرضه وجود نهاد که وحدت تمایل و عمل بود و این وحدت تطبیق برخی تلاشهایی که برای انکار چنین امکانی صورت میگرفت بدست آمد .

حوادث و پتانسیتهای ضرورت این وحدت را با شدت خاصی تاکید میکنند .

جنگ آزاد بیخشم ملی مردم و پتانسیتهای جنوی و قهرمانی حیرت بخش آنان در بیکار هلیه وحشی " گری‌های امپریالیسم امریکا و استواری و شجاعت جمهوری دموکراتیک و پتانسیتهای تجاوز مسلحانه ایالات متحد و امریکا در مرکز توجه کنفرانس بود . بحث و مذاکره پیرامون مسئله همبستگی یا پتانسیتهای متحدان وحدت کمک کرد . جنگ آزاد بیخشم مردم و پتانسیتهای مظهری از بیکار جهان علیه امپریالیسم امریکا و ضربه کوشش تصور ناپذیر ملل در مبارزه برای آزادی خویش است به متحد ساختن معیارها و مواضع مختلف کمک کرد . پشتیبانی کامل تمام شرکت کنندگان کنفرانس از مواضع جنبه آزادی ملی و پتانسیتهای جنوی و دولت جمهوری دموکراتیک و پتانسیتهای واقفانه ماهیت سالوسانه " تعرض صلح " دولت جانسون نشان داد که برای سازمان دادن اقدامات مشترک کلیه نیروهای واقعا انقلابی و کلیت نیروهای که علیه اعمال زور و تجاوز امپریالیسم امریکا مبارزه میکنند شرایط مشخص وجود دارد . محافل حاکمه امریکا با جنگ و وحشیانه ای که در پتانسیتهای بپاکرده اند بهترین آرماتهای تمام جامعه بشری را بمصاف طلبیده اند . مبارزه علیه این جنگ جهانی است که امروز انترناسیونالیسم پرولتری کشورهای سوسیالیستی و انترناسیونالیسم انقلابی ملل " جهان سوم " و مناطق طبقاتی جنبش جهانی کارگری و علاقمندی مشترک تمام ملل و از ان جمله مردم امریکا بحفظ صلح را به هم می پیوندند و جریان واحد نیرومندی را بوجود می آورند .

صحیح نخواهد بود اگر گفته شود که اختلاف نظرهای موجود در جنبش جهانی کمونیستی در جریان کنفرانس متعین نگردد . ولی در قطعنامه های کنفرانس بخصوص در قطعنامه مربوط به پتانسیتهای نکات و مسائل مشترکی وجود دارد که تکیه بر آنها برای تأمین وحدت عمل مجموعه جنبش ضد امپریالیسم امکان‌پذیری بوجود می آورد . روحیه کار مثبت در کنفرانس وحدتی قوی بود که تأثیر گرایشهای انشعاب‌گرانه را خنثی میکرد و اختلاف نظرهارا تحت الشعاع قرار میداد . مساعی هیئت نمایندگی کوبا در روش وحدت طلبانه هیئت نمایندگی شوروی و برخی از هیئتهای نمایندگی دیگر در این امر نقش قاطع داشت .

در همان حال که نبل بوحثت تلاش عمده اکثریت قریب بتمام نمایندگان هر سه قاره را تشکیک میدهد مسئله مبارزه مسلحانه ملل کشورهای که شرایط عینی چنین مبارزه ای در آنها برای آزادی از

قید امپریالیسم موجود است تکلیف کلام خاص نمایندگان کنفرانس بود . نطق افتتاحیه اوسوالد بود -
 تیکوس رئیس جمهوری کوبا پاکف زد نه‌های پرشور حضار مواجه شد . وی هنگام افتتاح کنفرانس گفت :
 " من فکر میکنم ترجیحان احساسات عمومی تعارض نمایندگان باشم اگر يك اصل را که برای تمام جنبشهای
 آزاد بیخشمه قاره اهمیت عام دارد در همین نخستین جلسه به‌پیان بکشم و اعلام کنم که : وقتی
 امپریالیسم و ارتجاع استفاده از اشکال ظنی مبارزه را غیرممکن میسازند ، حق و وظیفه ملل است که اعمال
 قهر مسلحانه امپریالیسم را با اعمال قهر انقلابی مسلحانه پاسخ گویند " رفیق دور تیکوس در عین
 حال خاطر نشان ساخت که " البته چگونگی طرق مبارزه و میل به پیروزی وابسته به اوضاع و احوالی است
 که در هر کشور و همچنین در عرض کنونی بین المللی وجود دارد " .

در قطعنامه عمومی سیاسی مصوب کنفرانس گفته میشود : " تجربه تاریخی گواه است که وقتی
 امپریالیستها متحد میشوند میکوشند پیشوه های تضحیقی جلوی تحولاتی را که ملل استعمار شوند و طلب
 میکنند بگیرند این ملل باید از تمام اشکال موثر مبارزه مبارزه مسلحانه یکی از مهمترین آنها برای نیل
 به پیروزی نهائی است استفاده کنند " . " وظیفه تاریخی واحد های پیشاهنگ نیروهای انقلابی
 ضد امپریالیستی اینست که هر جا ملل مبارزه برخاسته اند انقلاب را رهبری کنند نه فقط حیثیت و اعتبار
 این واحد های پیشاهنگ بلکه مفهوم موجودیت آنان نیز بر شهبان این مبارزه اشقی ناپذیر بیانیروهای که
 میخواهند جلوی پیشرفت جامعه بشری را بگیرند - سوار است " .

چگونگی تعریف همزیستی مسالمت آمیز که در قطعنامه مخصوص کنفرانس تصریح شده از این لحاظ
 اهمیت فراوان دارد . این تعریف عموماً کامل حکم است که در گذشته بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی
 اعلام شده و صحت آن در عمل به ثبوت رسیده و حاکی از آنست که همزیستی مسالمت آمیز بیستون اصل
 نهائی سیاست خارجی کشورهای صلح دوست هیچگونه تعارضی با هیچیک از اشکال مبارزه آزاد بیخشمه
 ملل سه قاره علیه استثمارگران داخلی و استثمارگران امپریالیستی ندارد . خود تمهید این قطعنامه
 که اکثریت قریب بنام آن " نمایندگان کنفرانس پیشیا آنست عموماً صحت این اندیشه است . در قطعنامه
 گفته میشود که همزیستی مسالمت آمیز را نمیتوان بر روابط میان طبقات استعمار شوند و استثمارگران درون
 يك کشور و نیز بر مرزها مبارزه ملل تحت ستم امپریالیسم علیه استثمارگران آنان بصط داد . سپس در قطعنامه
 گفته میشود : " باینجهت برخلاف تلاش امپریالیسم و همه ستانها از همزیستی مسالمت آمیز نمیتوان بعنوان
 مجوزی برای محدود ساختن حق ملل باینجهت اجتماعی استفاده کرد . همزیستی مسالمت آمیز
 احترام بی قید و شرط بحق ملل در تعیین سرنوشت خویش و به اصل حاکمیت کلیکشورهای خرد و بزرگ
 را مفروض میداند " . معنای این سخن محکوم ساختن تجاوز امپریالیسم و تثبیت استفاده از نیرو علیه
 ملل مستعبد و نیز محکوم ساختن مداخله از خارج در امور داخلی کشورها است . این قبیل اعمال ناقض
 اصل همزیستی مسالمت آمیز است . در پایان قطعنامه گفته میشود : " وقتی دول دو مکرانیک و مترقی
 به پشتیبانی کاملاً قاطع از ملل دستخوش تجاوز برمیگزینند این پشتیبانی آنها با اصول همزیستی مسالمت
 آمیز مطابقت دارد " .

نخستین کنفرانس همبستگی ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین که مهمی بود در راه هاهنگ ساختن
 مبارزه نیروهای انقلابی و شرقی ، مبارزه ای که هدف آن احراز استقلال ملل کامل برانداختن عقب ماندگی
 و فقر و جهل و حل مهمترین معضلات اجتماعی ملل این قارهها است .
 برای کشورها ای که هنوز از یوغ استعمار نو و امپریالیسم آزاد نشده اند کنفرانس تاریخی هاوانا

مرحله جدیدی بود و آنها هم نه فقط از این جهت که برای مبارزه آنان ضد جدیدی بدست آمد بلکه ایضا از این جهت که در کنفرانس یکسلسله مسائل جدید طرح شده که جنبش انقلابی جهانی باید با آنها پاسخ صحیح بدهد. در چارچوب این مقاله ما مجبوریم فقط بذكر مسائلی اکتفا ورزیم که بنظر ما اساسی هستند.

قبل از همه باید از منظر تشریح علی مساعی سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش آزاد پیخش ملی یاد کنیم. در این مورد سئوالی پیش میاید که چگونه باید در یک جنبش وسیع که در هر قاره و هر کشور دارای خصوصیات سازمانی واید و تلوژیک و تاکتیکی خویش است باید بر گرایشهای گریز از مرکز غلبه کرد. باید به ضروری وحدت و همبستگی و به ضروری هماهنگ ساختن مبارزه ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی گرایشهای گریز از مرکز را خنثی کرد. این حکم امرانه تاریخ در شرایط تجاوز "دنیای روزافزون امپریالیسم امریکاه که نه تنها دشمن مشترک بلکه دشمن عده تمام ملل است روز بروز مبرتر میگردد. یکی از اجزای خاص مسئله وسیع وحدت عبارتست از مسئله ریشه ها و طرق و دورنمای وحدت بیدار جهانیه ملل آسیا، افریقا از یکسو و امریکای لاتین از سوی دیگر. جهانی تشریح این مسئله در سندی تحت عنوان "مقدمات و هدفهای جنبش همبستگی ملل آسیا، افریقا و امریکای لاتین" که نمایندگان کنفرانس پیشنهاد کردند تشریح شده است. در سند گفته میشود که "دول استعمارگر که در نتیجه کشفیات عظیم جغرافیائی قرنهای ۱۵ و ۱۶ یعنی در نتیجه نخستین ماجراجویی جهانی رژیم سرمایه داری در حال شکفتگی و سپس پیدایش امپریالیسم بوجود آمدند و پیرزمانیست که به تعقیب سیاست تجاوز و استثمار و غارت سه قاره مشغولند. آنچه برای امریکای لاتین محصبت دارد عبارتست از تحویل پروسه استثمار استعماری و تبدیل آن به اشکال وابستگی نئوکولونیالیستی. ضمنا همین اشکال در قاره امریکای لاتین خیلی زودتر از آسیا و افریقا پدید آمد. در آسیا و افریقا این اشکال فقط در سال های بعد که بسیاری از کشورهای این قاره استقلال سیاسی بدست آوردند با وحدت در مقیاس وسیع اشاعه داده شد."

مسئله مهم دیگری که بر پایه نتایج کنفرانس ها و اناطرح شده مربوط به طرق و دورنمای تقویت وحدت میان احزاب مارکسیست - لنینیست و نیروهای انقلابی غیر کمونیستی است. بنظر ما این کنفرانس موجب تقویت مواضع تمام جنبشهای انقلابی شد و برای ایجاد تفاهم متقابل و اتحاد محکمی که شعرات آن معرور زمان بسیار خواهد آمد مقدمات کیفی جدید و مساعدتری فراهم آمده است. یکی از این مقدمات عبارتست از وسعت دامنه نظریات بهنگام برخورداریه پروسه انقلابی سه قاره. بیان دیگر عبارتست از درک این نکته که ملل در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع باید تمام اشکال مبارزه انقلابی را بکار ببرند.

برای بررسی مسائل دستور روز بسیار مفصل مجمع ملل سه قاره چند کمیسیون تشکیل شد: سیاسی، تشکیلاتی، اقتصادی، کمیسیون مسائل اجتماعی و فرهنگی. این کمیسیونها قطعنامه هائی تهیه کردند که قسمت اعظم آنها باتفاق آراء تصویب شد. کمیسیون سیاسی یک قطعنامه سیاسی عمومی ۱۷ اعلامیه و قطعنامه عمومی، ۱۶ قطعنامه محدود، ۱۸ قطعنامه درباره مسائل فوری، ۳ قطعنامه درباره مسائل مشترک مبارزه علیه استثمار که هنوز و ۲ قطعنامه درباره ویتنام تهیه کرد. کمیسیون تشکیلاتی گزارش هیئت رئیسه کنفرانس را تقدیم کرد. کمیسیون اقتصادی یک قطعنامه عمومی و کمیسیون مسائل اجتماعی و فرهنگی یک قطعنامه عمومی و ۸ قطعنامه دیگر تنظیم کرد. در جلسه عمومی نهائی

اعلامیه کل کنفرانس تصویب شد . تمام این اسناد مدت‌ها مورد بررسی و بحث انقلابیون خواهد بود .
کنفرانس " ضرورت تحکیم همکاری نزدیک با کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلاب و حترقی ملل اروپا و امریکای شمالی " را اعلام کرد . این اعلام و نیز واقعیت حضور هیئت‌های نمایندگی کشورهای سوسیالیستی اروپا و سازمان‌های دموکراتیک بین‌المللی در کنفرانس نشانه افزایش امکانات لازم برای تشریک مساعی تمام‌نیروهای ضد امپریالیستی جهان است . کنفرانس تلاش‌های راکه برای قرارداد چهارزصل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین در نقطه مقلیل دو جریبان مهم دیگر جنبش انقلابی جهانی یعنی سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری رشد یافته بعمل می‌آید رد کرد . خط لب استکه در قطعنامه کمیسیون اقتصادی از اصول " الفبای استثمارانسان از طریق رشد غیر سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم بر طبق شرایط مشخص هر کشور پشتیبانی میشود .

مهمترین نتیجه از نتایج مستقیم کنفرانس عبارتست از تشکیل سه ارگان (با تعیین محل کار در هاوانا) که ماموریت آن‌ها همگام ساختن اقدامات و فراه کردن موجبات اجرای قطعنامه ها و توضیحیه های کنفرانس . این ارگانها عبارتند از سازمان همبستگی ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین ، کمیته مامورکک به جنبشهای آزاد بیخشمک و مبارزه علیه استعمار نو و کمیته همبستگی ملل سه قاره با مردم ویتنام . علاوه بر آن روز ۱۶ ژانویه بلافاصله پس از پایان کنفرانس سازمان همبستگی امریکای لاتین که اهمیت و وظائف آن با وجود خصلت ویژه کمتر از اهمیت و وظائف ارگانهای دیگر نیست تشکیل شد .

در دبیرخانه سازمان همبستگی ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین که تا کنفرانس بعدی سه قاره (که در سال ۱۹۶۸ در قاهره تشکیل خواهد شد) انجام وظیفه خواهد کرد ، نمایندگان ۱۲ کشور (۴ کشور از هر قاره) و یک دبیرکل (نمایندگ کوبا) عضویت دارند . اعضا دبیرخانه از نمایندگان کشورهای زیر هستند : از افریقا جمهوری متحد عرب ، مستعمرات پرتغال ، کنگوی لئوپولد و گینه ، از امریکای لاتین جمهوری دومینیکن ، شیلی ، ونزوئلا و پورتوریکو ، از آسیا ویتنام جنوبی ، جمهوری تود ای دموکراتیک کره ، سوریه و پاکستان .

در کمیته مامورکک به جنبشهای آزاد بیخشمک نیز ۱۲ کشور عضویت دارند : از افریقا الحزبه ، غنا ، تانزانیا و کنگوی برازاویل ، از امریکای لاتین گویان انگلیس ، گواتمالا ، برزیل و کوبا ، از آسیا اتحاد شوروی ، جمهوری تود ای چین و ژاپن . ریاست کمیته همبستگی ملل سه قاره با مردم ویتنام بعهد رئیس‌جمهور آزادی ملی ونزوئلا است . این کمیته از ۲ نماینده خلق ویتنام (یک نماینده از ویتنام شمالی و یک نماینده از ویتنام جنوبی) ، نمایندگ جمهوری تود ای دموکراتیک کره ، کنگوی لئوپولد و کوبا مرکب است .

در مورد سازمان همبستگی امریکای لاتین تصمیم گرفته شد یک کمیته تشکیلاتی مرکب از نمایندگان برزیل ، کوبا ، کلمبیا ، گویان انگلیس ، گواتمالا ، مکزیک ، پرو ، آرژانتین و ونزوئلا تشکیل شود . وظیفه ایکه برای این کمیته مقرر شد تا در آن نخستین کنفرانس همبستگی ملل امریکای لاتین است که باید در سال ۱۹۶۷ دعوت شود .

خواخواهی بر شور از نمایندگان جنبشهای مسلحانه آزاد بیخشم آنگولا ، موزامبیک ، گویان پرتغال ، عدن ، کنگو ، ونزوئلا ، گواتمالا ، پرو ، کلمبیا و سایر کشورهای همبستگی معنوی با ملل زبهاوا ، افریقای جنوبی ، اعراب فلسطین و سیاهپوستان ایالات متحد امریکا ، اعراض شدید

بهمین نژادی نفرت انگیز و محکوم ساختن شیوه های ترویجی ارتجاع در بسیاری از کشورهای سه قاره ، آفشا ، خطر ناشی از تلافیجویی آلمان غربی ، اعلام همبستگی با کوبا ، تمهید شدید تجاوز مردم د وینیکین و بویژه پشتیبانی مجدانه از مردم ویتنام که دامنه آن در صراسر جهان بسط خواهد یافت — همه اینها اجزائی از جنبه واحد مبارزه علیه امپریالیسم مخصوص امپریالیسم د د م — امریکا است .

ما با خوشبینی بحق رجا واثق داریم که این مظاهر همبستگی بصورت کمکهای اثر بخش متمام ملل ستندیده ای که قهرمانانه در راه آزادی ملی و اجتماعی خویش بکار میکنند تحسم یابند . نخستین گامهای کمیته همبستگی ملل سه قاره با خلق ویتنام و دعوت پرشور به اقدامات مشخص علیه امپریالیسم امریکا در پاسنجه تجدید بیماریان خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام گواه این امر است .

فیدل کاسترو نخستوزیر کوبا در سخنرانی خود هنگام اختتام کنفرانس گفت تا مین کامیابی تردید ناپذیر کنفرانس آسان نبود و انجام این وظیفه کار پر زحمتی را در زمینه تعیین ملاک ها و قرارهای قابل قبول صوم ایجاب میکرد . رهبر انقلاب کوبا گفت : " ما بر آنیم که روابطی که میان تمام جنبشهای مبارز ضد امپریالیسم برقرار شد و نیز ارگانها و هیکه در جریان کنفرانس تشکیل گردیده پیشک نقش مهمی در امر پشتیبانی مبارزات انقلابی و توسعه دامنه این مبارزات و تقویت همبستگی میان شرکتکنندگان این مبارزات خواهد داشت " . ما بحصول این مقصود اطمینان داریم . ما به آینده تابناک آسیای نوین ، آفریقای نوین و امریکای لاتین نوین و آن جهان نوین که در بخش بزرگی از کره زمین تحقق یافته است ایمان راسخ داریم .

هستیگی پیکار جویانه نیروهای ضد امپریالیستی با خلق ویتنام

۱. سوار

تمام جهان جریان پیکار عادلانه مردم ویتنام را علیه تجاوز امپریالیستی آمریکا بدقت تعقیب میکنند. * میهن پرستان ویتنام جنوی نیروی ضربات خود را بر اشرافالکران آمریکائی و دست افزار های سایگونی آنان پیوسته شده متحد هندی * ارتش مردم ویتنام شمالی حملات بصب افکنهای آمریکائی را بشدت دفع میکنند و خسارات سنگین بآنها وارد میسازند *

ویتنام به مظهر شجاعت و نسیهات، دلاوری و قهرمانی در پیکار بخاطر آزادی و استقلال بدل شده است. * نام این کشور همانند آوای پرطنین ناقوس جامعه بشری را بدفاع از یک خلق قهرمان و جانیاز که آماج تهاجم وحشیان مدعی تعدن قرار گرفته است فرامیخواند *

بیارزه مجدانه علیه تجاوز امپریالیستهای آمریکا در ویتنام تمام نیروهای دمکراتیک و صلحدوست جهان معاصر را بیش از پیش بریزر بوجه خود میکشاند. * این بیارزه همانند تاثیر معین عمل در فصل و انفعالات شیمیائی نیروهاک ترقیخواه جهان کنونی را ظاهر میسازد و خط فاصل میان هواداران صلح و حق طلب در تعیین سرنوشت خویش از یک سو و طرفداران تجاوز و ارتجاع و اختناق مللی را که برای فعالیت تاریخی مستقل بیاخته اند از سوی دیگر روز بروز برجسته تر میکند *

جنبش هستیگی با خلق بیارزه ویتنام در کشورهای سرمایه داری دامنه بیسابقه ای بخود گرفته است. * از ماجراجوشی انحصارات آمریکائی در کره زمان زیادی نگذشته است ولی بخطر میسر شده یک دوران تاریخی ما را از انزمان جد میکند. * این مقایسه نشان میدهد که حس هستیگی اشرناسیونالیستی چگونه در میان زحمکشسان قوت میگیرد و برخلافات و توهماتی که امپریالیست بارواج میدهند غالب میآید. * طبقه کارگر و پشاهنگ آن احزاب کمونیست کارگری ابتکار و سازماندهی جنبشهای هستیگی با ویتنام را بیش از پیش معتمد خود میکنند *

در کشورهای که دولتهای آنها از تجاوز آمریکا پشتیبانی میکنند احزاب کمونیست مساعی توده ها را در جهت هدایت می نمایند که محافل حاکمه کشورهایشان را به خود داری از پیروی از سیاست تجاوزکارانه امپریالیستهای آمریکا وادار سازد. * انتقاد اخیر توده های مردم بپراک تجدد نظر در مشی سیاست خارجی دولتهای آنان مدتها بود چنین شدتی بخود نگرفته بود. * این تجدد نظر بیشک در اذهان توده های که دستگاه تبلیغاتی بورژوازی یکسلسله از کشورهای دردوران کاهش نسبی تشنج مقامیات بین المللی میکوشد آنها را تحت تاثیر شدید خود قرار دهد نقطه عطف بوجود خواهد آورد *

توده زحمکشسان در مبارزات سیاسی خود بیش از پیش از ولتتهای خود طلب میکنند هرگونه پشتیبانی از جنگ تجاوزکارانه آمریکا را در ویتنام قطع نمایند. * هرگونه تلاشی را که آمریکا برای اعمال فشار بر کشورهای آنها بعمل آورد پس چون چرا رد کنند. * تجاوزنیه ویتنام را آشکارا محکوم سازند *

باجرای سیاست خارجی مستقل دموکراتیک پیروزند. همه ابتکار استواری بسود صلح کمک مجدانه می‌دول دارند. مثلاً در انگلستان ده‌ها هزار کارگر مراکز صنعتی مختلف امضای خود را پای قطعنامه‌های اعتراض سیاست ولسون، که پشتیبانی خود را از منشی تجاوزکارانه امریکا اعلام کرده بود، گذاشتند. روزنامه متنفذ دلی می‌رود ضمن ارزیابی روحیات محافل اجتماعی انگلستان بنامسبت سفر ولسون به امریکا نوشت: "باید این مطلب را بگوش پرزیدنت جانسون رساند که گرچه دولت انگلیس بطور رسمی از سیاست امریکا پشتیبانی میکند ولی واقفیت اینست که اگر تمام انگلیسی‌ها را که حاضرند در این اقدام موثر و منفرد تا پایان از امریکا پیروی کنند جمع کنیم حتی يك اطاق بمبار کوچک را هم پر نخواهند کرد." يك سوم نمایندگان لیبرالست انگلستان که تکیه گاه کابینه ولسون در پارلمان کشور هستند بنامسبت تجدید بمباران خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام از طرف امریکا مراتب اعتراض خود را ابراز داشتند.

در گزارش لوئیجی لونگو دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا یکنگره یازدهم آن حزب گفته میشود که "هر تلاشی برای کشاندن پای ایتالیا بصرا جوشی های امریکا حد شمارزه مردم را بد نبال خواهد داشت." کمونیستهای ایتالیا وزحمتکشانی که با آنان همراهند کوشش برای دوساختن بید رنگ ایتالیا را از سیاست تجاوزکارانه امریکا وظیفه خود می‌شمارند.

کارگران استرالیایی اکنون بیش از پیش از دولت استرالیای طلب میکنند که سران استرالیایی را کمرای شرکت در جنگ کثیف بعوتنام اعزام شده اند بمیهن بازگرداند. در فرانسه بد عوت حزب کمونیست جنبش مطالبه برقراری روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیک ویتنام و شناسایی جنبه آزادی ملی ویتنام جنومی وسعت می یابد. شورای ملی جنبش هواداران صلح فرانسه کار جمع آوری امضا پای پیام به پرزیدنت جانسون را که متضمن خواست قطع تجاوزنه جمهوری دموکراتیک ویتنام و آغاز مذاکره با جنبه آزادی ملی است ادامه میدهد.

جنبش همبستگی زحمتکشان ژاپن با مردم ویتنام لبه نیز بارزه را علیه قرارداد های ژاپن و کسره جنومی که ژاپن را بشرکت در اجرای نقشه های تجاوز کارانه امپریالیسم امریکا در خاور در جلب میکند و نیز علیه تشکیل بلوک تجاوزکارانه جدید کشورهای آسیای جنوب شرقی (موسوم به نیتو) که علاوه بر ژاپن و کره جنومی می‌خواهند تایوان و ویتنام جنومی و فیلیپین را هم وارد آن کنند - متوجه ساخته است.

مردم ژاپن همچنین طلب میکنند که جزیره اوکیناوا یعنی پایگاه بمب افکن های که اهالی ویتنام را مورد بمبارانهای وحشیانه قرار میدهند از قید اشغال نیروهای امریکایی آزاد شود. کلیه پایگاههای نظامی متعدد دیگر امریکا در خاک ژاپن منحل گردد و استفاده از اینها در ژاپن برای توقف زیر دریاییهای اتمی و نیز کشتی های ناوگان هفتم امریکا مخصوص شرکت در جنگ ویتنام ممنوع اعلام شود.

امپریالیستهای امریکا با وضوحی بیش از پیش دارند باین نکته پی میرند که فشارتوده ها بر دولت‌های پوزرواتی کشورهای دیگر ممکنست کار و راهب افراد آنها در عرصه بین المللی منجر سازد. در گزارش گروه سناتورهای امریکایی به پرزیدنت جانسون در باره موضع ویتنام جنومی به پتاکون صریحا اخطار شده است که جز کره جنومی بمیچینگونه کمک جدی هیچ کشور دیگری امید وار نباشد. خصیصه مبارزه جنبش روز افزون همبستگی کارگران کشورهای سرمایه داری با مردم ویتنام

در مرحله کنونی اینستکه جنبش مزبور جنبه فعالیت تبلیغاتی ندارد بلکه در مبارزه روزمره طبقه کارگر رسوخ میکند. هیچ کنفرانس یا کنگره ملی اتحادیه ها، هیچ پانوم یا کنگره احزاب کمونیست و کارگری هیچ ملاقات بین المللی کمونیست ها یا نمایندگان اتحادیه ها را نمیتوان نام برد که بدون بحث درباره مستظمویتنام و تفحص اشکال و شیوه های جدید توسعه و تقویت بیش از پیش همبستگی کارگری یا ویتنام مبارز برگزار شود. مثلا در ملاقاتهای بین المللی کمونیست ها نظیر چهارمین جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری مکزیک، کشورهای امریکای لاتین و پاناما، کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست اروپای غربی در بروکسل، جلس ملاقات بین المللی در پراگ که بمناسبت سی امین سال تشکیل کنگره هفتم کمیترن تشکیل شد بیه امر شکل تود مها برای مبارزه علیه عملیات تجاوزکارانه امپریالیسم امریکای جنوب شرقی و امریکای لاتین و مناطق دیگر جهان توجه فراوان معطوف گردید. ۲۷ هیئت نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری و ۱ هیئت نمایندگی از جنبش های آزاد بیخشم و سایر جنبش های شرقی که در کنگره یازدهم حزب کمونیست ایتالیا حضور داشتند اعلام کردند که " ما باتمام نیروی خود میکوشیم در مبارزه پرافتخار و شجاعانه مردم ویتنام یانان کک کنیم. ما بفرجام مبارزه ایکه برادران ویتنامی ما بدان مشغولند و هراندازه که کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بانها بیشتر کمک میکنند این مبارزه را با اثر بخشی بیشتری انجام میدهند؛ اطمینان داریم و باتمام قوا میکوشیم تامل را برای مبارزه علیه متجاوزان امریکائی که جهان را در معرض خطر جنگ عمومی قرار داده اند بپا داریم."

مسائل مبارزه علیه تجاوز امپریالیستهای امریکای رهنزی بین المللی آنان در مرکز بحث نخستین کنفرانس همبستگی ملل آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که در ژانویه سال جاری در هسوانتا برگزار شد قرار داشت. اعلامیه عمومی مصوبه کنفرانس گواه بارز است بر همبستگی پر شور محافل اجتماعی سه قاره با مبارزه مردم ویتنام.

در اعلامیه خاطر نشان میشود که کنفرانس، جنگ تجاوزکارانه امپریالیستهای امریکائی را در ویتنام جنوبی و بباران خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام را با خشم تقبیح میکند و بر ناصیه تمسکاران جنگی داغ تنگ میزند. کنفرانس لفاظی های کاذبانه دولت چائسون را درباره صلح افشامیکند و از پیشنهاد های دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام و نیز جنبه آزادی ملی ویتنام جنوبی درباره حل و فصل مسئله ویتنامی چون و چرا پشتیبانی میکند.

کنفرانس در قطعنامه مخصوصی که راجع به ویتنام صادر کرده است پشتیبانی مجدانه از خلق ویتنام را خواستار میشود. برای انجام اقدامات مشخص کمیته ای بشرکت نمایندگان سه قاره برای پشتیبانی از مردم ویتنام تشکیل شده است. کمیته در اعلامیه خود دعوت کرده است که جنبش همبستگی از طریق انجام اقداماتی نظیر امتناع از بارگیری و حمل و نقل کالاها و سلاحها و مهمات جنگی برای نیروهای امریکا و نیز از طریق واگذاری اسلحه و پول و دارو به ویتنام مبارز آماده کردن و اطمینان که در صورت لزوم همراه با مردم ویتنام اسلحه بدست علیه متجاوزین مبارزه خواهند کرد. پیش از پیش وسعت یابد. جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری علیه جنگ کثیف در ویتنام با جنبش دموکراتیک عمومی و در درجه اول با جنبش هواداران صلح و جنبش دموکراتیک زنان و جوانان و دانشجوان توأم میشود. این جنبش علاوه بر کارگران و دهقانان روز بروز جمع بیشتری از قشر های دیگر محافل اجتماعی و افراد پیرو نظریات سیاسی گوناگون و معتقدات مذهبی مختلف و کلیه هواداران صلح و شرقی اجتماعی را

در بر میگردد =

نمودن او این امر جنبش بسیار وسیعی است که در سراسر جهان منظر جمع آوری اعانه برای مردم ویتنام برپا شده و یکی از جالبترین اشکال همبستگی بیکار جهانیه‌ها نیز وهای ضد امپریالیستی با ویتنام قهرمان است . زحماتشان اثرش تقریباً معادل نیم میلیون شیلینگ در اروپا و لازم پزشکی به چشمه آزادی ویتنام جنوبی اهدا کردند . محافل اجتماعی جمهوری فدرال آلمان دهها هزار مارک برای صندوق کمک به ویتنام جمع آوری کردند . جنبش جمع آوری اعانه در نروژ مردم پشتیبانی باالاتفاق تمام احزاب سیاسی - از کمونیست ها تا محافظه کاران - قرار گرفت . هم اکنون بیش از ۲ تن دارو به بهای ۴۴۶ هزار کرون بمقصد ویتنام ارسال گردیده است . هیئت نمایندگی هواداران صلح ایتالیای که به هائوی رفته بود لوازم یک بیمارستان صحرایی را به ارزش ۱۰۰ میلیون لیره محافل اجتماعی کشور جمع آوری کرده بودند . تقدیم کردند . جمع آوری اعانه برای صندوق کمک به ویتنام بمقیاس وسیعی از طرف محافل اجتماعی انگلستان ، فرانسه ، دانمارک ، سوئد ، فنلاند ، کانادا ، ژاپن و استرالیا انجام میگردد .

جنبش ضد تجاوز در خود امریکا هم توسعه می یابد . گواه آن عبارتست از مارش ۵۰ هزار نفری بمسوی واشنگتن که با شعار صلح در ویتنام انجام گرفت و کنفرانس نمایندگان قریب ۱۴۰ سازمان اجتماعی کشور که بر نامه ای برای اقدامات بیشتر جهت مبارزه در راه صلح در ویتنام تنظیم کرد و نیز تشکیل چنین هلی بزرگ با انتقاد از سیاست کاخ سفید در دانشگاه ها و مدارس کشور و نامه سرگشاده ۱۵۰۰ معلم امریکایی به جانسون که در آن قطع خونریزی در ویتنام و اقدام بهضد اکراد مستقیم با چشمه آزادی ملی ویتنام جنبشی طلب شده و سرانجام نامه ۷۶ تن از نمایندگان حزب دموکرات در کنگره امریکا به رئیس جمهوری امریکا که در آن جلوگیری از توسعه جنگ در ویتنام خواستار گردیده است .

نظریات محافل اجتماعی متحد و دی حتی در جزایر پورتو ریکو نیز منعکس میشود . مثلاً والتر لپیند فیسر روزنامه لیبریک هراند تریبون در مقاله خود که در شماره ۲۶ ژانویه ۱۹۶۶ انتشار یافته است بدولت پیشنهاد میکند از تلاش برای سرانجام برای کشف و حوضت کمک دست بردارد . لیبرمن معتقد است که " فرمول " اساسی سیاست خارجی باید عبارت باشد از " اصلاح اشیاء و قطع جنگ که باپرداخت هیچ بهای معقول نمیتواند به پیروزی برسد و پایان دادن به خصمات و تلفات ما قبی از اینکه بشکست کامل ما بیانجامد و گوشه اندای خرد داشتن " .

با آنکه در امریکا دهها سازمان مختلف الصلح - هواداران صلح ، زنان ، جوانان ، کواکرها و غیره - با اطمینان برای قطع جنگ کثیف امپریالیستیها مبارز میکنند اقدامات آنها هنوز هماهنگ نشده است . کارگران امریکایی عضو اتحادیهها هنوز سخن موثر خود را نگفته اند . تنها برخی از رهبران عده ای از سندیکاهای کشور بمسود قطع تجاوز اظهار نظر کرده اند . اکنون پیش از پیش روشن میشود که مبارزه در راه صلح در ویتنام در صورتی میتواند در امریکا به نیروی واقعا موثر بدل گردد که جنبش سیاهپوستان امریکا و جنبش تامین حقوق مدنی بطور فعال به جنبش روزافزون علیه سیاست تجاوزکارانه محافل حاکمه پیوستند .

" تعرض صلح " اخیر واشنگتن را نیز که هدف تبلیغاتی داشت باید نتیجه اثبات مبارزه روزافزونی دانست که در امریکا و سراسر جهان علیه تجاوز امریکا انجام میگردد . " ابتکار صلح امیز " کذایی دولت امریکا یک بازی دیپلماتیک بود که هدف انتقال محافل اجتماعی جهان و تدارک توسعه بعدی تجاوز مردم ویتنام را تعقیب میکرد . خصلت واقعی " پیشنهاد های صلح " راهفری معاون

معاون رئیس جمهوری امریکا تشریح کرد . هفتی در مصاحبه با خبرنگاران گفت که واشنگتن " جز واگذاری ویتنام جنوبی هیچی همچیز دیگری در سبد صلح گذاشته است " . مطبوعات بیرونی هم بر نیز از همان آغاز با صراحت کافی میگویند که هدف " تعرض صلح " اینست که مسئولیت جنگ ویتنام از دوش دولت امریکا برداشته شود و زمینه برای توسعه بعدی آن هموار گردد . مثلاً روزنامه فرانسیسی لوموند نوشت که " تعرض صلح " امریکائیان است برای آنکه " در صورت ادامه توسعه جنگ بحافل اجتماعی امریکا وجهان ثابت شود که برای پایان دادن به جنگ تمام اقداماتی که امکان داشته بکار برده شده است " .

پیام دولت امریکا بشرای امنیت برای " بررسی اوضاع ویتنام " نیز که در سالوسی سابقه - نداشت چیزی جز تلاش برای برده پوشی نقشه های پنتاگون برای توسعه جنگ نبود . این مافوق در اعلامیه وزارت امر خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام و ضمن اظهارات نمایندگان اتحاد شوروی و کشورهای دیگر در شورای امنیت کاملاً فاش گردید .

در مبارزه علیه تجاوز امریکا تاریخ نقش مهمی را بکشورهای سوسیالیستی محول کرده است . کشورهای سوسیالیستی اولاً نیروهای عده امریالیسم را مقید بخود نگاه میدارند . ثانیاً علاوه بر پشتیبانی اقتصادی ، سیاسی و معنوی از ویتنام مدرن ترین سلاحها را نیز که بکلیت آن ضریات شدید بر تجاوزین امریکائی وارد میگردد در اختیار آن میگذارند .

در اعلامیه دسامبر ۱۹۶۵ شورای عالی اتحاد شوروی گفته میشود : " اتحاد شوروی به پیروی از وظیفه انترناسیونالیستی خود ب مردم ویتنام در مبارزه آنان علیه تجاوز امریالیسم امریکائیکهای مجده کرده و میکند و در آینده نیز این پشتیبانی و کمک خود را ادامه خواهد داد " .

اتحاد شوروی در طول سال ۱۹۶۵ بخواهد دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام یکسلسله موافقتنامه با آن کشور منعقد ساخته که در تحکیم قدرت دفاعی کشور نقش مهم دارند . در زائویه امسال هنگام مسافرت هیئت نمایندگی اتحاد شوروی به هانوی موافقتنامه جدیدی بامضارسید که در آن انجام کمکهای بیشتر ب جمهوری دموکراتیک ویتنام پیشبینی شده است .

کارگران شوروی که بوظیفه انترناسیونالیستی خود وفادارند تمام سفارشهای جمهوری دموکراتیک ویتنام را قبل از موعد انجام میدهند . در کشور میلوونها روپل جمع آوری شده که با آن در اولوای مخصوص بیمارستان و احتیاجات دیگر تهیه و ویتنام ارسال گردید .

فائوان در جنگ نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام ضمن ارزیابی کمکهای اتحاد شوروی در تلگراف مورخ ۱۰ فوریه سال جاری خود بدولت شوروی خاطر نشان ساخت که : " امضای موافقتنامه میان دو کشور کمک گرانبهائی است که اتحاد شوروی ب تحکیم قدرت دفاعی و اقتصادی کشور ما برای طرد کامل تجاوزان امریکائی مهذول میدارد . این امر به تقویت توسعه دوستی بیکاز جهانیه . سلسله کشورهای ما بخاطر بهسرفت امر مشترک انقلابی ما کمک مینماید " . فائوان در جنگ از طرف تمام مردم ویتنام مراتب " سپاسگزاری صاد قانه خود را ب بنام هیئت پشتیبانی و کمکهای که حزب کمونیست اتحاد شوروی و مردم شوروی بر پایه اصول انترناسیونالیسم پرولتری بمبارزه لانه و بیروزنده آنه مردم ویتنام علیه امریالیستهای امریکائی در راه نجاستیمن نموده اند " ابراز داشت .

ملد و دول کلیت کشورهای دیگر سوسیالیستی نیز از مبارزه علیه ویتنام پشتیبانی قاطع بعمل میآورند . این کشورها ب جمهوری دموکراتیک ویتنام موافقتنامه های بازرگانی و اقتصادی جدیدی امضا

کرده اند . مثلا بموجب این موافقتنامه ها بلغارستان و مجارستان اعتبار بدون بهره برای کمک به تحکیم و رشد اقتصاد جمهوری دموکراتیک ویتنام با آن کشور واگذار میکنند . جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری توده ای دموکراتیک کره کمکهای اقتصادی بلاعوض مینمایند . رومانی موافقت پرداخت اقساط وامهای قبلی را تمدید کرده است . چکوسلواکی ، لهستان و جمهوری توده ای مغولستان کمکهای اقتصادی قابل ملاحظه ای نموده اند . از برلین و صوفیه ، بوداپست و پراگ ، هاوانا و وینشو بخارست و اولان باتور شیشمهای خون ، دارو ، لوازم پزشکی و اشیاء دیگری که از محل اعانه جمع - آوری شده توسط محافل اجتماعی تهیه شده بمقصد ویتنام ارسال میگردد . مردم چین از ویتنام مبارز پشتیبانی بزرگ مینمایند .

اکنون روز بروز بیشتر روشن میشود که موضوگیری هر یک از واحدهای طبقه کارگر جهان و تمام جنبشهای دموکراتیک در مسطه بذل کمکهای واقعی و موثر بفرود ویتنام مهمترین معیارشاداری بامر پیشرفت و صلح و دموکراسی است . در اعلامیه اول فوریه سال جاری دولت شوروی بدروستی گفته میشود که : " مبارزه مردم ویتنام در راه آزادی ملی خویش امر حیاتی تمام جامعه ترقیخواه بشری است بدینمناسبت تشریک مساعی تمام کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای شرق و ضد امپریالیستی جهان برای کمک به ویتنام مبارز اهمیت عظیم کسب میکند " . دانشمندان تشریک مساعی توسعه می پذیرد و کمک آن باید سد خلل ناپذیری در راه امپریالیستهای امریکا کسب خواهند . جهان را پراه مرکز سوق دهند - بوجود آورد .

برنامه پنجساله اتحاد شوروی و مسائل پیشرفت علمی و فنی

گک . آنیسيف

در طرح رهشود های کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی برای برنامه پنجساله رشد اقتصاد کشور در سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۰ حد اکثر استفاده از امکانات و نتایج پیشرفت علمی و فنی در مرکز وظایف اقتصادی قرار داده میشود . این وظیفه از نیازمندیهای عینی رشد نیروهای مولده و مناسبات تولیدی جامعه شوروی ناشی میشود و نتایج رشد اقتصاد شوروی در سالهای گذشته بستگی عینی دارد .

هر اندازه که اقتصاد کشورهای سوسیالیستی عمیقتر و قطعی تر بر مسیر انقلاب علمی و فنی قرار داده شود ، خصلت ترقیخواهانه مناسبات اجتماعی سوسیالیسم یا شدت بیشتری در پروسه تاریخ جهانی نمودار میگردد . تعداد جمعیت و منابع بالقوه کار این یا آن کشور سوسیالیستی هر قدر هم زیاد باشد امکان ارتقاء مداوم و سریع سطح زندگی مجموع توده زحمتکش کشور در آخرین تحلیل از وسعت دامنه و سرعت استفاده از دستاوردهای علوم و فنون منشا میگیرد و همیشه همیزان این وسعت و این سرعت بستگی دارد .

کلاسیک های مارکسیسم هیچگاه رشد تکنیک را جزا از مناسبات اجتماعی در نظر نمیگرفتند زیرا پیشرفت علمی و فنی تمام جوانب تولید اجتماعی یعنی بنیاد مادی و فنی ، رابطه تولید و توزیع سازمان و اسلوههای اداره امور اقتصاد و غیره را منقلب میسازد . جامعه سوسیالیستی بدون تحکیم بنیاد علمی و فنی خود نمیتواند وظایف اساسی خود را در زمینه تحولات اجتماعی و اقتصادی بنحوی بگیر انجام دهد .

اسلوههای جدید اداره امور اقتصاد سوسیالیستی در اتحاد شوروی از بسیاری جهات از همان ضرورت تامین حد اعلاي سرعت رشد نیروهای مولده در شرایط انقلاب علمی و فنی ناشی میگردد . معمول کردن اصل اداره امور هر رشته صنعت از طریق وزارتخانه مربوطه شرایط بهتر را برای رهبری انقلاب علمی و فنی و تامین وحدت سیاست فنی فراهم میسازد .

در مرحله کنونی ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی اهمیت سیاست فنی دولتی واحد برای توسعه بنیاد مادی و فنی جامعه به شدت افزایش مییابد . هدف استفاده از مزایای این سیاست در این مرحله عبارتست از اولاً تعیین آنچه نمان سمتهائی برای تکامل علم و تکنیک که از نظر فنی شرقی و از نظر اقتصادی بجد اعلاي اثر بخش باشد ، ثانیاً تامین تناسب و جامعیت در توسعه بنیاد مادی و فنی هر رشته بطور جداگانه و تمام اقتصاد کشور من حیث المجموع ، ثالثاً تامین حد اعلاي شرایط مساعد

برای متد اول ساختن آخرین دستاوردهای علمی و فنی و سرانجام هماهنگ ساختن سیاست فنی داخل کشور با میرعمومی تکامل فنی کشورهای سیستم جهانی سوسیالیستی *

در طرح رهنمودهای کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره برنامه پنجساله سمت های مشخص پیشرفت علمی و فنی تعیین شده است . وظیفه ای که از این لحاظ در درجه اول قرار داد میشود عبارتست از تسریع پیشرفت علمی و فنی برپایه توسعه دانش در پژوهشهای علمی و استفاده سریع از نتایج آنها در تولید و متد اول ساختن اختراعات . در برنامه پنجساله توسعه پژوهش در زمینه ریاضیات نظری و عملی بنحویکه استفاده وسیع از اسلوههای ریاضی را در رشته های مختلف علم و تکنیک تأمین کند پیشبینی شده است . مثل گذشته به امر پژوهش در زمینه فیزیک هسته ای و فیزیک جامدات و حل مسائل کنترل نیروی هسته ای مواد و مصالح نوین توجه فراوان خواهد شد . از پژوهشهای کیهانی بیش از پیش برای تکمیل مخابرات رادپوشی و هدایت رادپوشی و تلویزیون و مقاصد علمی دیگر استفاده خواهد شد . پیشرفت علمی و فنی در شیمی در جهت ایجاد پروسه های شیمیایی جدید برصرفه تهیه مواد و مصالح موثر تر تسریع خواهد کرد . پژوهش پروسه های کب در طبیعت جاندار صورت میگیرد برمد ارج جدید عالیتری ارتقا داده خواهد شد تا نژادهای جدیدی از دام های پرستاره و انواع جدیدی از نباتات بر محصول ایجاد گردد . در زمینه علوم اقتصادی توجه اساسی به تکمیل تئوری رهبری اقتصادی طبق برنامه برپایه بررسی عمیق و استفاده از قوانین اقتصادی سوسیالیسم و تعیین طرق و ضوابطی افزایش اثر بخشی تولید اجتماعی و استفاده از انگیزه های اقتصادی برای توسعه تولید معطوف خواهد شد .

فنی برنامه پنجساله جدید برپایه رشد سریع نیروهای مولد کشور قرار دارد . این برنامه رشد سریعتر رشته های را پیشبینی میکند که عامل تعیین کننده پیشرفت فنی مجموعه اقتصادی هستند . رشد صنایع برق و ماشین سازی و شیمی و فلز سازی در قیاس با مجموع تولید صنعتی آهننگ سریعتری خواهد داشت . در داخل برخی از رشته های صنایع تحجیرات مهمی در جهت پیشرفت صورت خواهد گرفت و مهم آن انواع تولید که از نظر اقتصادی بحد اعلا برصرفه هستند و نیازمند پهای جامعه را با مصارف کفتری بر آورده میسازند بالا خواهد رفت . در عین حال در نظر است محصولاتی تولید شود که از نظر فنی مدرن و از نظر جنس مرغوب باشند . مقر است که یازده کار ماشین ها و آلات و ادوات افزایش یابد و مصارف آنها کاهش پذیرد ، اطمینان و دوام آنها بیشتر شود ، قدرت موتور ها بالا رود و وزن ماشین ها در قبال واحدهای قدرت سبکتر شود . با ایجاد و اشاعه پروسه های تکنولوژیک بمسار اثر بخش یعنی پروسه های فیزیکی - شیمیایی و الکترو فیزیکی و الکترونی و غیره توجه فراوان شده است .

بمنظور بالابردن اثر بخشی سرمایه گذار به اصلاح دانش شده که قدرت علمی و فنی و منابع مادی و پولی و کار در درجه اول برای نو سازی فنی موسسات دائر مورد استفاده قرار گیرد . اتخاذ چنین سمنسی در سیاست فنی از تحلیل مشخص ترکیب سمنسی دستگاه صنعتی کشور و نیز از ضرورت جلوگیری از چراگندگی غیر موجه سرمایه گذار به اهرام واحد های متعدد ساختمان جدید ناشی میشود . یکی از مهم ترین وظایف در این زمینه عبارتست از افزایش منظم تولید محصولات موسسات دائر از طریق رفع گیرهای کار و تسریع پروسه های تولیدی و تکمیل تکنولوژی و افزایش ضریب تعد اد نسبت کار در موسسات و ازین بردن و تقیه در کار ماشین ها .

هدف سیاست واحد دولتی در زمینه پیشرفت علمی و فنی در تحلیل آخر عبارتست از نبل به نتایج اقتصادی معین . در این مورد باید بخصوص اهمیت اصولی رژیم صرفه جویی در برنامه پنجساله جدید خاطر نشان شود . پیشرفت علمی و فنی در برنامه پنجساله جدید در جهت استفاده معقول از منابع میر

میکنند. در این پنجسال از جمله باید مصرف نمایی فلزات سیاه در ماشین سازی و فلزکاری ۲۰ تا ۲۵٪ تنزل کند و غیره.

در همین حال باید خاطر نشان کرد که سیاست فنی کشور سوسیالیستی با صرفه جویی هاشمی در وسائل تولید که موجب خرابی شرایط کار شود مخالف است. طی سالهای برنامه پنجساله وسائل مدرن تکنیک مصونیت کار بمقیاس وسیعتری در موسسات معمول خواهد شد و شرایط بهد آشتی بهتری فراهم خواهد گشت و تولید ماشین ها و دستگاههای مخصوص این کار افزایش خواهد یافت.



کشورهای سوسیالیستی برای تصریح پیشرفت علمی و فنی از عوامل سازمانی، فنی و اجتماعی اقتصادی جدیدی برخوردارند که سرمایه داری بان دسترسند. وجود مناسبات تولیدی سوسیالیستی امکان میدهد که از مزایای برنامه ریزی دولتی در زمینه تکامل علوم و فنون بحد کمال استفاده شود و امکانات آینده برای تامین همجانبه بودن این تکامل، از پژوهشهای علمی گرفته تا تعمیر و دستاوردهای علمی و فنی در صنایع بطور کاملتر پیشینی گردد.

برنامه های دولتی در سیستم برنامه ریزی اقتصادی سوسیالیستی باید نه فقط تناسب لازم را در محصول اجتماعی کل تامین کند بلکه باید بترکیب بنیاد مادی و فنی تولید من حیث المجموع نیز جنبه معقول بدهد و آنرا بر پایه برنامه منظم استوار سازد. تضعیف سیاست فنی واحد در دوران برنامه هفتساله موجب تشدید یکسلسله ناهماهنگی و در درجه اول ناهما هنگی در حلقه قاطع بنیاد مادی و فنی یعنی در ترکیب مجموع ماشین های کشور گردد. در نتیجه جامع نبودن توسعه بنیاد فنی تولید خسارتهای معین به اقتصاد ملی وارد آید که از کاهش میزان اثر بخشی استفاده از بنیادها (فوند های) اساسی و ذخیره کردن پیش از آن از ماشین آلات نصیب نشده و محدود کردن دامنه تجدید ماشین آلات ناشی میشود. جلوگیری از برخورد ذهنی بمسئله برنامه ریزی تقویت مبانی علمی و فنی و اقتصادی برنامه ها و توجه کامل و همه جانبه به توقعات عمیق ناشی از تکامل علوم و فنون در پیرویه برنامه ریزی تولید را ایجاب میکند.

حریان استفاده از نثرات انقلاب علمی و فنی معاصر یک دوران طولانی را در بر میگیرد و آنرا نمیتوان فقط در چارچوب دوران اجرای یک برنامه محدود ساخت. باینجهت علاوه بر سیستم برنامه ریزی جاری برای تکامل علم و تکنیک پیشبینی سیر پیشرفت علمی و فنی برای دوران طولانی به افزار ضروری برنامه ریزی اقتصادی دراز مدت تبدیل میشود. این پیشبینی ها باید نیازمندیهای سالهای آتی جامعاً سوسیالیستی را منعکس سازند و نقش شاخص های لازم را برای تعیین سمت برنامه های رهنمودی اقتصاد در دوره های کوتاهتر داشته باشند.

برای تعیین سمت صحیح رشد نیروهای مولده کشور باید سمت تکامل فنی عنصر اساسی نیروهای مولده یعنی مجموعه ماشین ها برای یک دوران طولانی بر پایه علمی استوار شود و پیشبینی های علمی و فنی لازم برای ترکیب آن انجام گیرد. با این عمل میتوان تمام سیستم برنامه ریزی پیشرفت علمی و فنی را بهبود بخشید و صحت انتخاب ترکیب موزون و متناسب ماشین های هر رشته از صنایع را برای تامین حد اعلا کارآیی مجموعه اقتصاد ملی به ثبوت رسانید.

پیشینی های علمی و فنی برای دوران طولانی شرایط مساعدی برای اتخاذ سیاست اثر بخش در زمینه سرمایه گذاریها و تجدید توزیع درآمد ملی و منابع مادی و مالی میان رشته های مختلف صنعت فراهم میسازد . پیشینی های طولانی پیشرفت علمی و فنی ضمن آشکار ساختن گرایشهای قانونمندانه و پایداری در زمینه توسعه بنیاد مادی و فنی تولید امکان توجه بموقعیتهای عوامل تسهیل کننده و کاهش دهند ه مصارف تجدید سازمان تولید را در برنامه های پنجساله و برنامههای جاری در مواردیکه پیشکشیدن رشتههای مترقی جدید ضروری میشود فراهم میسازد .

مهمترین اصل برنامه رهبری امور پژوهشی و تجربی و آزمایشی و صنعتی در زمینه تکنیک مدرن باید عبارت باشد از تحلیل جامع اقتصادی امکانات تولیدی بالقوه اقتصادی و تعیین عرصه های برای سرمایه گذاری در رشته علوم و فنون که برای جامعه حد اکثر اثربخشی را داشته باشد . این تحلیل باید قبل از تعیین جهات اساسی توسعه امور علمی و فنی انجام گیرد و باید مبنای تنظیم سیستم وظایف فنی هماهنگ در برنامه دولتی باشد .

در شرایط کنونی ضرورت برقراری پیوند همه جانبه میان شاخص های برنامه ای پیشرفت فنی از یک سو و سایر بخشهای برنامه اقتصادی از سوی دیگر مسلم شده است . بهمین جهت پلن سوم سپتامبر (۱۹۶۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کمیته دولتی امور علمی و فنی هیئت وزیران اتحاد شوروی را مامور کرده است باتفاق فرهنگستان علوم اتحاد شوروی و شرکت وزارتخانهها و ادارات شوروی و هیئت های وزیران جمهوریهای شوروی پیشنهاد های درباره جهات اساسی تکامل علم و تکنیک و استفاده از دستاوردهای علمی و فنی دارای اهمیت خاص اقتصادی تهیه کنند و این پیشنهاد ها را بموقع یعنی قبل از تنظیم برنامههای اقتصادی بهمیشت وزیران اتحاد شوروی تسلیم دارند .

فقط از طریق هماهنگ ساختن پیگیری دقیق برنامه های رشد تکنیک با سایر بخشهای برنامه اقتصادی (یعنی با بخشهای مربوط به سرمایه گذاریها و تامین نیازمندیهای مادی و مالی پیشرفت تکنیک مدرن و استفاده از منابع کار) میتوان تضمین های استواری برای انجام این برنامه بوجود آورد .



مهمترین اهرم رهبری طبق برنامه در زمینه پیشرفت علمی و فنی عبارتست از تشدید نقش فعال اصل یازگانه (یعنی اصل مسئولیت مستقیم در خرج و دخل ، مترجم) مؤسسات و علاقمندیهای مادی کارکنان بصنایع تولید . سیستم جدید برنامه رهبری و رهبری امور تولیدات صنعتی ، سیستمی که بر اساس تصمیمات پلنوم سپتامبر (۱۹۶۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کشور مامور شده است ، برای ابتکار امکانات وسیع فراهم میسازد .

در شرایط جدید نقش سود و مبادرت سریع پیشرفت علمی و فنی فوق العاده افزایش می پذیرد و روابط مبتنی بر اصل یازگانه میان مؤسسات تهیه کننده و مصرف کنندگان تکنیک مدرن تحکیم می یابد و شرایط لازم برای استفاده بهتر از وجوه مؤسسات و آزمایشگاهها (فوندها) و تجهیزات تمرکز یافته برای پیشرفت تکنیک نهی بوجود میاید و سرانجام اختیار انبوه مؤسسات وسیعتر میشود و مسئولیت مادی انسان در قبالت انجام بموقع و اثربخش وظایف علمی و فنی بالا میرود .

دامنه عظیم کارهای مربوط به تجدید تجهیزات فنی کلیه رشته‌های تولید در برنامه پنجساله جدید بسط مجدده دامنه ابتکار موسسات را در زمینه پیشرفتهای فنی جدید و استفاده از آن ضروری میسازد. وحدت سیاست فنی دولتی بهیچوجه نقش فعال موسسات و گروههای متحد موسسات تولیدی تابع اصل بازرگانی را در امر تنظیم برنامه های رشد تکنیک مدرن و اشاعه این تکنیک نفی نمیکند. سیاست فنی واحد متکی بر دستاوردهای علم - تجربه فنی پیشرو موسسات جداگانه را بحکم طبیعت آن نمیتوان در نقطه مقابل تجربه محلی موسسات قرارداد. نقش مترقی سیاست فنی واحد در آنستکه موازینی را که برای مجموعه جامعه حد اعلائی اثر بخشی اقتصادی را دارد بر میگزیند همان خصلت دولتی اجباری میدهد.

مرکزیت در رهبری سیاست فنی چنانچه بدروستی اعمال گردد بهیچوجه بسط فرمندی اداری ساده تنزل نمیکند. مرکزیت در قیاس با تجربه محلی هر موسسه جداگانه مزیت مسلط دارد، زیرا بر تجربه جمعی بسیاری از موسسات و متخصصین علمی و دستاوردهای علمی رشته معین استوار است. عدم توجه باین خصوصیت اساسی سیاست فنی واحد به قدر وضاحت علم لطمه میزند. مرکزیت موسسالیستی در رهبری سیاست فنی پیوستگی متقابل با علم دارد. مرکز ساختن وظایف اداری بر بنیاد تطک همگانی وسائل تولید راه دست یابی علم را بعرصه تولید کوتاه میکند و زمینه را برای اشاعه وسیع دستاوردهای علمی فراهم میسازد. جامعه از طریق سیستم وظایف مقرر برنامه های دولتی در زمینه انجام پژوهشهای علمی و آموزشهای و طراحی و صنعتی میتواند طی مدت نسبتاً کوتاه حق تقدم را برای رشد رشتههای پیشرو تولید تامین کند.

در سیستم جدید برنامه ریزی و تسریع تولید پیش بینی شده است که سیاست فنی واحد با علاقمندی اقتصادی موسسات به پیشرفت علوم و فنون توأم گردد. اکنون که اختیارات موسسات در استفاده از سهم بزرگی از سرمایه گذاری هایی که از محل صندوق مخصوص رشد تولید تامین میگردد وسیع شده است مسئولیت آنها در قبال جامعه در مورد رهبری پیشرفت فنی خیلی زیاد تر میشود. نه فقط در مواردی که موسسه سفارشهای مستقیم دارای اهمیت عمومی اجتماعی را بصورت برنامه های دولتی پیشرفت و اشاعه تکنیک نوین دریافت میدارد بلکه در مواردی هم که اساساً به تنظیم برنامه های اقدامات سازمانی فنی خود میپردازد، اجرای آنها باید جوابگوی منافع مجموعه جامعه باشد. شرکت موسسه در تنظیم برنامه پیشرفت و تکنیک یکی از اجزای مشکله مجموعه سیستم برنامه ریزی موسسالیستی است. موسسات تولیدی دولتی هنگامی هم که برای پیشرفت کار خود ابتکار اقتصادی نشان میدهند متعلق به عموم خلق هستند زیرا در تمام فعالیت آنها همیشه منافع عموم خلق تفوق دارد. برای انجام وظایف مقرر در برنامه پنجساله باید از امکانات موجود در زمینه انگیزه های مادی و از امکانات پیشرفت فنی که در طرح رهنمود های کنگره بیست و سوم حزب و در تصمیمات پلنوم مستأجر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیش بینی شده است بحد کمال استفاده کرد. بر پایه پیشرفت سریع فنی میتوان سهم جواز تولید اشهارا در مجموع دستمزد به میزان زیادی افزایش داد و بدین طریق منافع فرد را با منافع مجموع کارکنان موسسه و مجموع جامعه بحد کمالتری در آمیخت. هر اند از مجموعه يك کلکتیو فرد فرد کارکنان آن سهم بیشتری در برابر بردن اثر بخشی تولید اد اکتند میزان افزایش دستمزد از این منبع بیشتر خواهد شد.

همانطور که در طرح رهنمود های کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی پیش بینی

شده است هنگام تکمیل اشکال و سیستم های پرداخت دستمزدها باید به تقویت نقش تسریع کنندگان آنها در افزایش بازده کار و تسریع پیشرفت فنی و بهبود کیفیت محصولات توجه خاص داشت .
وقتی از عوامل تسریع کنندگان پیشرفت فنی سخن میگوئیم باید دو شکل اساسی علاقمندی مادی را از یکدیگر تمیز دهیم :

اولا علاقمندی مادی عمومی اعضا جامعه را بهمتایج اقتصادی پیشرفت فنی . تسریع پیشرفت فنی بوظیفه همصورت مبدل میگردد زیرا وسائل اساسی تولید به تمام جامعه تعلق دارد و انتیجیة نتایج اقتصادی حاصله از کارکردن افزارهای جدید کار بفتح تمام جامعه مورد استفاده قرار میگیرد .
ثانیا علاقمندی مادی کارکنان بلاواسطه را بایجاد و اشاعه تکنیک نوین .
در سالهای اخیر در اتحاد شوروی سلسله اقداماتی در زمینه ایجاد انگیزهای مادی تکمیلی برای کارکنان بلاواسطه و اشاعه تکنیک مدرن انجام گرفته است . این اقدامات عملا تمام مراحل پیشرفت علمی و فنی را (ولهدرجات مختلف) در بر میگیرند : تفحصات علمی ، طرح ریزی ، اسیر تجربی ، آزمایش ، تولید صنعتی ، تعمیم تکنیک مدرن در تولید . در هر یک از این مراحل گروه معینی از افراد شرکت دارند که علاقمندی مادی آنها انگیزه ای است برای بالابردن سطح عمومی اثر بخشی تکنیک مدرن .

اگر نتایج اقتصادی پیشرفت فنی بطور عمده از طریق اشکالی از ارتقا سطح زندگی نظیر بهبود شرایط مسکن و فرهنگ و معیشت و تقلیل قیمتها و توسعه عرصه خدمات رایگان و غیره تأید تمام زحماتشان میگردد در عوض انگیزه های تکمیلی کارکنان رشته تکنیک مدرن علاوه بر اینها با سیستمهای مختلف پرداخت دستمزدها و جایزه و حق التالیف و حق الاختراع و غیره نیز ارتباط دارد .
حال این سؤال پیش میآید که آیا تشویق تکمیلی شرکت کنندگان مستقیم در ایجاد و اشاعه تکنیک نوین با طبیعت اقتصادی مالکیت عمومی خلق و اصل توزیع بر حسب کار تضاد ندارد ؟
زیرا میزان پاداش کارکنان مستقیم نه فقط بکمیت و کیفیت کار آنان بلکه به اثر بخشی اقتصادی تکنیک مدرن اختراعی آنها نیز ارتباط داده میشود .

در اینجا هیچگونه تضادی نمیتواند باشد زیرا پاداش تکمیلی کارکنان رشته تکنیک مدرن بفتح تمام جامعه است . از همین راه است که میتوان آهنگ پیشرفت فنی را تسریع کرد . بهترین کاردها را بکارهایی جلب کرد که باید تکنیک مدرن در آن تعمیم یابد و سرانجام منابع لازم برای ترفیع سطح زندگی تمام زحماتشان را از محل پیشرفت فنی توسعه داد . قائل شدن امتیاز برای تشویق کارکنان بلاواسطه رشته تکنیک مدرن نه فقط با علاقمندی عمومی زحماتشان به نتایج اقتصادی پیشرفت فنی تضاد پیدا میکند بلکه برعکس با آن جمع میشود .



آهنگ سرعت پیشرفت علمی و فنی در درجه اول بوضع بنیادها (فوند ها) تولیدی پیشرفت تکنیک مدرن و وزن مخصوص آنها در ترکیب بنیادهای اساسی اقتصادی بستگی مستقیم دارد .
معرف بنیادهای تولیدی پیشرفت تکنیک قبل از هر چیز قدرت های موسسات تجربی و آزمایشی و پایگاه ها و مراکز پژوهشی هستند . بنیادهای اساسی موسسات صنعتی را نیز که مستقیما برای علمی ساختن

تولید صنعتی محصولات جدید مورد استفاده قرار میگیرند میتوان جزو بنیاد های تولیدی قلمداد کرد .
 هراندازه که علم بیشتر به نیروی مولده مستقیم جامعه بدن میگردد بنیاد مادی وقتی آن نیز بیش از
 پیش خصلت بنیادها (فوند ها) ی تولیدی را کسب میکند .

بدون تغییر روابط موجود میان تولید تجری و تولید صنعتی نمیتوان بازده کار دانشمندان
 و مهندسان را بطور اساسی بالا برد . باینجهت در برنامه پنجساله جدید برای آهنگ سرعت افزایش
 تولید تجری و آزمایشی تقدم سرعت در نظر گرفته شده است . برای افزایش هرچه بیشتر اثربخشی
 پژوهشهای علمی و تسریع اشاعه نتایج آنها در عرصه تولید ، همانطور که در طرح رهنمود های کنگره
 بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شده است ، باید نیروهای علمی و منابع مادی را
 برای حل آن مسائل اساسی علم و تکنیک که حد اعلائی کارائی اقتصادی را تامین میکنند متمرکز ساخت
 و پایگاه تجری و تولیدی سازمانهای پژوهش علمی و طرحریزی و موسسات را تحکیم بخشید و آنها را به
 لوازم مدرن علمی و آزمایشگاهی مجهز نمود .

برای ایجاد تکنیک مدرن مصالح و مواد متنوعی لازم است که بسیاری از آنها هنوز کمیاب است .
 از نقطه نظر منافع مجموعه جامعه باید برای بهترین کارهای مربوط به پیشرفت تکنیک مدرن مصالح
 و ماشین های مورد نیاز را بموقع و بطور جامع تامین کرد . ولی در حال حاضر مصالح و ماشینهای بنیاد
 های اختصاصی فقط برای اقداماتی تخصیص داد میشود که طبق برنامه کل دولتی انجام میگیرند .
 و اما این برنامه حسب القاعده پیش از ۲۰ - ۳۰ % مجموعه اقدامات مربوط به تکنیک مدرن را دربر
 نمیگیرد و اینجهت موسسات مجبورند برای اقدامات مربوط به تکامل علم و تکنیک از منابع داخلی
 استفاده کنند و این امر غالباً بکار اجرای برنامه اساسی تولید زبان میرزند .

در برنامه پنجساله جدید مقرر شده است که تمام سیستم تامین مادی اقدامات برنامه ای مربوط
 به پیشرفت علمی وقتی هم در مقیاس سرمایه کشور و هم در مقیاس داخل کارخانه بطور اساسی بهبود یابد .
 ضمن اختصاص بخش مهمی از وسایط مادی و مالی برای تسریع پیشرفت فنی طبیعا باید در خود
 برنامه تکنیک مدرن اقداماتی را پیشبینی کرد که حد اکثر اثربخشی استفاده از کلیه منابع را تامین کند .
 بدین منظور از جمله پیشبینی شده است که در مسالهای اجرای برنامه پنجساله تخصص کار آزمودگی کارگران
 و مهندسانی که انجام وظائف مربوط به پیشرفت علمی و فنی را به عهده دارند د اثما تکمیل شود .

تجربه نشان میدهد که فقدان صلاحیت مهندسی و فقدان اطلاعات علمی لازم را بخودی خود نمیتوان
 با ایجاد هیچگونه انگیزه های اقتصادی و مادی و اخلاقی برای کارکنان مربوطه جبران کرد . باینجهت
 برنامه پنجساله جدید برای تجدید تخصص کارکنان و وسیع کارکنان صنایع ورشته های دیگر بمنظور بالا بردن
 هرچه بیشتر صلاحیت مهندسی در زمینه تکامل علم و تکنیک اهمیت فراوان قائل شده است . در برابری
 آموزشگاههای عالی که متخصصین جوان بیرون میدهند نیز در برابری سیستم آموزشگاههای حرفه
 و هنرستانهای که قادرند کارگری تربیت میکنند و غیره توقعات تازه و عالمتری مطرح شده است .

سیستم اقتصادی مبتنی بر برنامه در کشورهای سوسیالیستی برخلاف کشورهای سرمایه داری
 تسریع پیشرفت فنی را با اشتغال کامل تمام افراد قادر بیکار نخواهیکند . در سوسیالیسم یکمک سازمان
 تولید مبتنی بر برنامه برای نخستین بار امکان برانداختن کامل بیکاری و حل مسئله اشتغال پدید تمام
 جامعه تامین میشود .

و لکن آیا این بیان معنائست که در اقتصاد سوسیالیستی پیشرفت فنی هیچگونه تضادی در زمینه

شد نیروهای مولده پدید نیآورد ؟ دادن پاسخ منفی باین سؤال صحیح نیست . در اقتصاد مادمشك تضاد های معینی پدید میآید ولی این تضاد ها جنبه آنتاگونیستی ندارند و مك اسلوهایی برنامه ای اداره امور اقتصاد بر طرف میشوند .

مثلا با لافتن سطح اتوماسیون و توسعه دامنه پیشرفت فنی در اقتصاد ملی این مسئله را مطرح میکند که از نیروی کاریکه در اثر تغییرات بنیادی فنی در تولید آزاد میشود بفتح جامعه استفاده معقول عمل آید . از این نیروی کار در سمت دوگان نمیتوان استفاده کرد . از کسب و جامعه میتواند طول زمان ابر را برای تمام اعضای جامعه نگاهداری و از سوی دیگر میتواند از این نیروی کار آزاد شده برای توسعه تولید و افزایش تولید کالاهای مصرفی استفاده کند . جامعه سوسیالیستی از هر دو طرف بهره استفاد میکند . در مرحله کنونی تکامل طبقه عمده استفاده از نیروی کار آزاد شده جلب آن بخرمه نایی از تولید اجتماعی است که در آنها هنوز کمبود نیروی کار احساس میشود . بدینسان نیروی کاریکه در اثر پیشرفت فنی آزاد میشود شکل بیکاری بخود نمیگیرد بلکه صناعی برای توسعه تولید و ترفیع پیش از پیش سطح زندگی زحمتکشان میشود .

بدیهی است که این پیرویه بخودی خود و بطور مکانیک صورت نمیگیرد . تعویض تکنیک کهنه اتکنیک نو بدین معنی است که کارکنان دارای تخصص فنی کهنه شده موقتا از تولید خارج میشوند ولی ولت در برتر شد صحتی بر برنامه از پیش میتواند مسئله تحدید تخصص این کارکنان را پیشبینی کند و گذارد بمناقص مادی آنان لطمه بخورد .

بدین طریق پیشرفت فنی در شرایط سوسیالیسم نیز وظایف اجتماعی بفرنجی را در برابر جامعه مطرح میکند که از تغییرات و تطورات بنیادی در نیروی کار اجتماعی ناشی میگردد . ضمنا باید نت که تفاوت سوسیالیسم با سرمایه داری در این نیست که پیشرفت فنی هیچگونه تضادی در زمینه رشد بروهای مولده پدید نیآورد بلکه در اینست که مالکیت همگانی مردم موجبات لازم را فراهم میسازد رای آنکه این تضادها بدون وارد آمدن خسارات اقتصادی زیاد به تولید بر طرف شود و اجرای برنامه معینی برای تجدید تخصص کارکنانی که باید از کار آزاد شوند و تقسیم آنها میان رشته های دیگر تولید در داخل این رشتهها بمناقص مادی آنان لطمه وارد نشود .



پیشرفت اقتصاد کشور های سوسیالیستی مجزا از یکدیگر انجام نمیگیرد بلکه در شرایطی انجام گیرد که تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی بسرعت همسطح میآید و عقب بیشتری پیدا میکند و پیرویه بین المللی شدن مجموعه حیات اقتصادی در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیسم بشدت انجام پذیرد . کاملاً مبرهن است که پیشرفت علمی و فنی نیز نمیتواند در " چارچوب ملی " محدود و پیمانده را استفاده کامل از آخرین دستاوردهای علمی و فنی در صورتی میسر میگردد که سیاست فنی هر کشور سوسیالیستی باتوجه به توسعه جهانی همکاری بین المللی در زمینه علمی و فنی تنظیم شود . میزان تعمیق همکاری علمی و فنی تاثیر آن در شاخص های اقتصادی هر کشور سوسیالیستی و مجموعه سیستم جهانی سوسیالیستی محسوس تر میگردد . در طرح رهنمود های کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره برنامه پنجساله

توسعه بیشتر از پیش همکاری علمی و فنی اتحاد شوروی با کشورهای سوسیالیستی و تکمیل اسلوه‌های این همکاری و توسعه مبادله اطلاعات فنی و دستاوردهای علمی و فنی و تصادد حق الاختراع - میان این کشورها پیش‌بینی شده است . توسعه بعدی همکاری علمی و فنی قبل از هر چیز بر تحلیل هم‌مجانیه دستاوردهای علمی و فنی کشورهای سوسیالیستی متکی خواهد شد .

حد اکثر استفاده از آخرین دستاوردهای انقلاب فنی عصر حاضر بسود مجموعه ارد و گاه سوسیالیستی حلقه مهمی از زنجیر مصابقه میان سرمایه داری و سوسیالیسم است . به همین جهت پیشرفت علمی و فنی وظیفه انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی و شرط لازم پیروزی سیاسی و اقتصادی سوسیالیسم در مقیاس جهانی است .

باید تمام اشکال مبارزه را با هم درآمیخت

آلوارو واسکس

کمونیزم های کلمبیاد همین‌کنگره خود را برگز آر کردند • خود واقعیت برگز آری این کنگره نشانه پیروزی بزرگست که آنها بدست آورده اند • کنگره در شرایط فعالیت مخفی و در اوضاع واحوال سیاسی پرتشنج برگزار شد • در کار آن بیش از ۱۷۰ نفر شرکت کردند که خیلی بیشتر از تعداد نمایندگان دیکنگره منی سابق بود •

قبل از تشکیل کنگره کار شدیدی انجام گرفت • بیست و پنج کنفرانس ایالتی و ولایتی و شیز پانوم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیزم تشکیل شد • در کار کنفرانس ها بیش از ۱۵۰۰ نماینده از سازمانهای اولیه حزبی شرکت کردند و این امر تصور لازم را درباره وسعت دامنه مباحثاتی که قبل از کنگره درباره دم و کراسی درونی حزب انجام گرفت بدست میدهد •

بیش از ۶۰٪ نمایندگان از کارگران و دهقانان بودند که برخی از آنها اخبارنامه های واحد های پارتیزانی را در دست داشتند • پیش از نیمی از نمایندگان کنگره کار حزبی و شرکت کنندگان فعال جنبش انقلابی کلمبیا بودند • تقریباً تمام احزاب کمونیزم و کارگری و از جمله حزب کمونیزم اتحاد شوروی بکنگره پیامهایی متضمن درود های برادرانه فرستاده بودند • نمایندگان عده ای از احزاب کمونیزم امریکای لاتین در کنگره حضور داشتند • سخنرانیهای آنان باشوق و ذوق فراوان شرکت کنندگان کنگره رورومیدند •

جای عده را در فعالیت کنگره بحث و مذاکره درباره گزارش سیاسی کمیته مرکزی گرفت • این گزارش را رفیق هیلبرتووی پرا دبیرکل حزب داد • چهل و پنج نماینده که در بحث شرکت کردند نظر خود را درباره بهترین مسائل مبارزه انقلابی در کلمبیایمان داشتند •

کنگره ضمن بحث درباره مسئله موجود اختلاف نظر در جنبش جهانی کمونیزمی بار دیگر با وضوح تمام موضعگیری حزب راکه قبلاً نیز اعلام شده بود بیان داشت • این موضعگیری بر پشتیبانی قاطع از نتیجه گیریهای جلسه مشاوه احزاب کمونیزم و کارگری در سال ۱۹۶۰ و جلسه مشاوه کمونیزم های امریکای لاتین در اواخر سال ۱۹۶۴ مبتنی است • کنگره پس از محکوم کردن تبلیغات انشعابگراانه و ضد شوروی که اکنون توسط عده صغینی انجام میگردد خواستار " وحدت عمل کلیه احزاب مارکسیست - لنینیست علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم امریکا و هم پیمانان آن " گردید •

در جریان تدارک کنگره و هنگام کار آن درباره تاکتیک نومی که امپریالیستهای امریکا در کلمبیا بکار میرند و نیز درباره تغییراتی که در دستگاه دولتی و سیاست طبقات تحاکمه در نتیجه تغییر این تاکتیک رویداده مباحثه صورت گرفت •

کنگره به نقشی که یکی از گروه بندیهای بسیار متنوع کاملاً مشکل بهره‌روازی بزرگ در این زمینه بازی میکنند توجه کرد و گفت این گروه بندی از زمانی که خود را بانقشه های امریکا درباره " اتحاد بخاطر ترقی " مربوط کرده پیش از پیش متمایز شده است • نفوذ آن در اتخاذ تصمیمات مهم دولتی بیش از پیش افزایش مییابد و جای نفوذ گروه بندی سنتی ملاکان بزرگ کشور را میگیرد •

در تظاهراتی که قبل از کنگره منتشر شد و در گزارش رفیق وی پرا و در قطعنامه سیاسی کنگره با نهایت وضوح گفته می شود که تلاش های سرمایه داران کلمبیا برای موجه جلوه دادن تسلط امپریالیستی و استثمار شدید زحمتکشان که با مارک جدید "اصلاحات" در رشته کشاورزی و سیاست مالیاتی و اداری و اصطلاح "برنامه ریزی اقتصادی" استوار می شود بار دیگر نشان می دهد که امپریالیسم و نه بهر زوای بزرگ دیگر نمیتواند کشور را بسوی پیشرفت و ترقی سوق دهند و طریق اولی نمیتوانند معضلات حیاتی بودهای مردم را بطریق حقیقی و واقعی حل کنند .

تجربه مردم و نیز ارقام رسمی (که بکلی ناقص و دستکاری شده است) نشان می دهد که کشور پس از پنج سال اجرای برنامه "اتحاد بخاطر ترقی" و اقدامات ناشی از آن در زمینه اقتصاد و امور مالی و سیاست عمومی بیش از پیش وابسته شده و سطح زندگی مردم خیلی پایین آمده است . کنگره به روشنی خاطر نشان کرد که "یگانه راه واقعی خروج از بحران بنیادی برانداختن کلیه موانع موجود در راه انجام تحولات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است که کشور ید آن نیاز دارد ."

بر سر مسئله مقیاس و امکانات رشد سرمایه داری در کلمبیا بحث جالبی در گرفت . رفیق وی پرا ضمن نتیجه گیری از مباحثات قبل از کنگره در گزارش خود گفت "آهنک رشد سرمایه داری کلمبیا و به بهره رفته جنبه محدود و ناپایدار دارد ." مثلاً سال ۱۹۶۵ اقتصاد کشور مجدداً دچار رکود شد و شاخص های اساسی اقتصادی تنزل کرد . رشد اقتصادی در شرایطی انجام می گیرد که کشور تحت فشار سیاسی و اقتصادی امپریالیسم است و نتیجه پیش از پیش بر مشکلات توده های مردم می افزاید . در این اواخر برای سومین بار ارزش پول کلمبیا (پسو) پایین آورده شد که عقب نشینی تازه ای در قبیل صندوق بین المللی پول بود و فقر مردم بخصوص قشرهای کم درآمد و قشرهایی را که از خود سازمان ندارند و نمیتوانند در برابر مقدمات کار فرمایان مقاومت کنند - تشدید کرد . گرانی هزینه زندگی فشار شدیدی بدوش مردم وارد می سازد . از آغاز سال ۱۹۶۳ شاخص هزینه زندگی بطور متوسط دائماً در هر ماه ۲٪ بالا رفته است . سیاست مالیاتی "نوپن" نیز کتختنها یک هدف دارد و آن افزایش شدید مالیاتها (بخصوص مالیاتهای غیر مستقیم) برای جبران هزینه های کم شدن دستگاه جبر و فشار و نیز هزینه های نظامی است - مزید بر علت است .

کنگره مسئله رشد جنبش وسیع توده های مردم را طی سالهای اخیر بررسی کرد . در این جنبش علاوه بر کارگران که همیشه روح پیکار خود داشته اند ، قشرهای جدیدی از زحمتکشان نیز شرکت کردند . از آنجمله اند : معلمینی که در تظاهرات بزرگ سال ۱۹۶۵ شرکت کرده اند - و نیز کارمندان وزارت خانه ها و حتی کارمندان وزارت دادگستری که در سال گذشته برای نخستین بار اعلام اعتصاب کردند . ولد وجود انشعاب در جنبش کارگری بزرگترین مانعی بود که می گذاشت این روح پیکار جو جنبش تشکلی عالیتری بدهد و نقش طبقه کارگر را در حیات کشور بالا ببرد . کمونیست ها بفعالیتهای خود در جنبش کارگری با روح انتقاد از خود برخورد میکنند . کنگره میگوید خاطر نشان ساخت که کمونیست ها باید به عامل قاطب مبارزه در راه وحدت عمل زحمتکشان بدل گردند . در هر زمان که این مبارزه بطور باید و شاید انجام گرفته جنبش پروتاریا بکامیابیهای قابل ملاحظه نائل آمده است . یکی از مسائلی که مورد بحث وسیع قرار گرفت طبعاً مسئله مبارزه مسلحانه و ارتباط آن با اشکال دیگر مبارزه مردم بود . کنگره سخنرانی همسای برخی از رهبران مبارزه مسلحانه را استماع کرد . این رهبران نظریات خود را با روح حزبیت تشریح کردند مسئله مبارزه مسلحانه که بارها در حزب ما بررسی شده ، در کنگره از مواضع اصولی و بدون راء دادن به

دگماتیسیم مورد بررسی عمیق قرار گرفت. کمونیستهای کلمبیا صرفنظر از اینکه این یا آن جریان جنبش توده ای این مسئله را چگونه تفسیر میکند وجه اهمیتی برای آن قائل است تا کید میکنند که برخی از اشکال مبارزه مسلحانه با وضع کنونی کشور ما تطبیق میکند. دگماتیسیم بطوروت دوگانه ای بر روی کند. برخی میکوشند مبارزه مسلحانه را یکنی نفی کنند و آنرا بعنوان یک پدیده ای غریبه و غیر عادی که گویا با واقعیت موجود در کلمبیا مطابقت ندارد جلوه دهند. عده ای دیگر برعکس مدعی اند که گویا این مبارزه یگانه شکل مبارزه خاص انقلابیون است و گویا دروا آن هیچ شکل دیگری از مبارزه وجود ندارد که برای جنبش ضد امپریالیستی سودمند باشد.

کمونیستهای در مبارزه علیه هر دو نقطه نظر یکسلسله احکام تتبع کرده اند که نمایندگان همه مبارزه پارتیزانی در کنگره آنرا پذیرفته و اندیشه های خود آنرا تکمیل کردند. این احکام بقرار زیر است:

اولا - مبارزه پارتیزانی در یکسلسله از مناطق کشور پاسخگوی نیازمند بهای توده ها است و اما پلات اصل و حیاتی جنبش مردم مطابقت دارد و ضمنا توسعه دامنه این مبارزه در ایام اخیر ناشی از همین واقعیت است. مبارزه پارتیزانی بعنوان پروسه ای که بانوده های پیوند محکم دارد و به خواستهای آنها جواب میدهد و به آورد مبارزه خود آنهاست، پدید میگردد. بطور کلی مبارزه مسلحانه پاسخ بهتهاج مسلحانه ارتجاع است و هراندازه که فرماندهی نیروهای مسلح و دولت بر توضیقات خود که نقشه آن در پتانگون تهیه و تشخیص آن تنظیم میگردد دامنه وسیعتر بخود بگیرد این مبارزه نیز وسیعتر میشود.

ثانیا - مبارزه پارتیزانی (که قبل از آن تقریبا همیشه اشکال مختلفی از مبارزات توده ها پدید میگردد مثلا شکل دفاع از خود که توده ها را سایا یکمک واحد های منظم انجام میدهند) اگر چه شکل ساده عملیات انقلابی نیست، مع الوصف روز بروز اهمیت بیشتری کسب میکند. علاوه بر آن مبارزه پارتیزانی بحامل تسریع کنند مبارزات توده ها تبدیل میگردد و ولی در مناطقی که در معرض تهاجم نیروهای مسلح دولتی قرار میگیرند مبارزه پارتیزانی واقعا محور تمام مبارزه و شکلی از مبارزه است که تمام اشکال دیگر را تحت الشماخ خود قرار میدهد.

ثالثا - مبارزه پارتیزانی در شرایطی که در کلمبیا هنوز وضع انقلابی وجود ندارد جنبش قیام نمیتواند جنبه عمومی بخود بگیرد پدید آمده است. پیدایش این وضع نتیجه سیاست "آتش و شمشیر" است که در ارتجاع علیه گروههای معینی از روستائیان بکار میرود. با وجود این تجربه نشان میدهد که مبارزه پارتیزانی میتواند در صورتی که منعکس کننده اراد مردم باشد ادامه یابد و وسعت پیدا کند و علاوه بر آن ایمن مبارزه پیدایش عوامل ذهنی سازمانی را تصریح میکند و به رشد پروسه انقلاب کمک مینماید.

رابعا - باتوجه به تجربه گذشته و حال میتوان گفت که در کشور ما "راه انقلابی ویژه ای مبتنی بر استفاده و در آمیختن کلیه اسلوبها و اشکال مبارزه توده ها بر حسب شرایط مشخص محلی و عمومی - باز میشود". این وضع باینچیک از احکام اصولی تعارضی ندارد، بلکه برعکس همانطور که کنگره خارج نشان ساخت "باتفسیر صحیح ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی و انطباق پیکران بر پروسه اجتماعی موجود در کشور ما" مطابقت دارد.

کنگره باین نتیجه رسید که کارهای حزب باید با علاقه خاص و نهایت جدیت و احساس مسئولیت یکسلسله از مسائلی را که مبارزه مسلحانه اکنون بحیان کشیده است بررسی کنند و مراحل آنرا بیابند.

ضرورت این امر قبل از هر چیز از آنجا ناشی میشود که فرماندهی نظامی کلمبیا که در نزد نظامیان امریکای تعلیم دیده است پس از تلاشهای زیاد توانسته است اصولها و تاکتیک عملیات نظامی علیه مردم را تکمیل کند . سخن بر سر ؟ تاکتیک ضد پارتیزانی ؟ است که مانورهای سیاسی و ؟ اقدامات نظامی و غیر نظامی ؟ بخش بسیار مهم این تاکتیک است . این تاکتیک که اکنون چند سال است بکمک امریکا پیکار میبرد عملا یک سیستم سیاسی ، اجتماعی و نظامی بگرنج است کسسه انقلابیون کلمبیا باید آنرا بدقت بررسی کنند

تضاد اساسی اقتصاد امریکا و استثمار زحمتگشان

ویکتور پرلو

درک سیاست نسوین دولت امریکاه که هدایش جلوگیری از بحرانهای اقتصادی پاکاستن از شدت آنها و نیز تشویق رشد اقتصادی کشور است بدون برررسی چگونگی تضاد هائی که رشد آنها این تلاشهای امپریالیسم امریکارا عقیم بگذارد میسر نخواهد بود. در این بررسی قبل از هر چیز باید رشد تضاد اساسی اقتصاد سرمایه داری یعنی تضاد میان امکانات وسیع افزایش تولید از یک سو و قدرت خرید محدود و توده ها را از سوی دیگر و نیز ریشه های این تضاد را که سرمایه دینامیک استثمار کار مزدوری قرار دارد، خاطر نشان ساخت. رشد تضاد های اجتماعی ناموزون انجام میگیرد و غالباً عواملی که در برابر آن واکنش نشان میدهند باعث کندی و یا توقف این رشد میشوند. اگر تاثیر اینگونه عوامل نبود، بنا بر سرمایه داری مدتها پیش در اثر انفجارهای اقتصادی فرورفته بود. ولی سرمایه داری وسائل پیشگیری و دفاع خاص خود را فراهم میسازد. برخی از این وسائل کم و بیش خود بخود پدید میآیند. برخی دیگر بوسیله گروههای انحصارات سرمایه داری یا لایر از همه بوسیله دولت که اقتزار جمعی نیرومندترین انحصارهاست، آگاهانه ایجاد میگردند.

الف - تضاد عمده

تولید و ظرفیت های تولیدی سریعتر از قدرت خرید اهالی افزایش مییابد. این گرایش، عمده ترین عاملی است که موجب رشد ادواری اقتصاد سرمایه داری میگردد. بدیهی است که هر کس پراهرگز نمیتوان از زمره هواداران نظریه مصرف ناقص بطریق اولی از هواداران عامی آن دانست. با وجود این مارکس در جلد سوم "کاپیتال" خاطر نشان میسازد که: "قلت و معنونود پت مصرف توده ها همیشه علت نهائی تمام بحرانهای واقعی بوده است و این امر در برابر تولید سرمایه داری که کوشش میکند نیروهای مولد را تا حدیکه قدرت مصرف مطلق جامعه ایجاب میکند، رشد دهد، واکنش نشان میدهد." سرمایه داران میخواهند برنامه مطلق تولیدی خود را موافق با گرایش افزایش درآمد ملی یعنی بر حسب "قدرت مصرف مطلق جامعه" و یا اگر سرکارشان یا کالاهای مصرفی است، بر حسب درآمد خصوصی خالص (درآمدیکه پس از پرداخت مالیاتهای مابقی میماند) یعنی مطابق با مصرف انفرادی بالقوه تمام طبقات اجتماعی پایه گذاری کنند. ولی بخش بزرگی از ارزش اضافی که در تصرف سرمایه داران است برای مصرف تخصیص داد نمیشود و هم نظر سرمایه گذاری های سود آور احتمالی پس انداز میشود. بنابراین محدودیت بازار بر حسب میزان و دینامیک درآمد خالص خصوصی بطور کلی تعیین نشده، بلکه بر حسب میزان درآمد خالص زحمتگشان و تغییرات حاصله در آن تعیین میشود. بازماندن درآمد خالص زحمتگشان از درآمد خالص خصوصی و ارزشمند درآمد ملی به تولید اضافی و بحرانها منجر میگردد.

گرچه استثمار کار مزدوری در آخرین تحلیل متشابه این تضاد است، ولی درجه (نرم) استثمار و پیمانیک آن عامل قاطع در رشد ادواری اقتصاد میباشد. اگر درجه استثمار شایسته باقی میماند و سرمایه داران از ارزش اضافی به نسبت های معین برای سرمایه گذاری و مصرف استفاده میکردند، بشحوبکه این نسبت ها بتوانند در تمام استر و کثیر اقتصادی صورته میان سرمایه گذاری و تولید کالاهای مصرفی و نیز میان ظرفیت های تولیدی و محصول تولید شده توازن ایجاد کنند، در این صورت رشد اقتصادی کم و بیش هموار و بدون بحران های شدید انجام میگرفت. ولی در عمل این شرایط هرگز بطور کامل و همزمان رعایت نمیشوند و فقط بطور محدود و در دوره های نسبتاً کوتاه بوجود میآیند.

۱- نرم ارزش اضافی و سهم کار در محصول تولید شده

دینامیک درجه استثمار یا دینامیک نرم ارزش اضافی مهمترین عامل بی ثباتی رشد اقتصاد سرمایه داریست. سرمایه داران پیوسته میکوشند با افزودن بشد کار و کار بردن وسائل دیگری که موجب بالا رفتن بازده کار میشود، با ممانعت از افزایش دستمزدها یا تقلیل آن، با افزودن به میزان کار هفتگی و بالا بردن هزینه زندگی درجه استثمار را افزایش دهند. طبقه کارگر در راه تقلیل نرم ارزش اضافی و یا لااقل در راه جلوگیری از افزایش معدی آن آگاهانه یا غیر آگاهانه کوشش بعمل میآورد.

حال به بینیم در دوران پهن از جنگ چه تغییراتی در درجه استثمار حاصل شده است. کوشش ما این نخواهد بود که درجه استثمار را بطور مستقیم اندازه بگیریم. ظنات این امر تا حدودی مربوط به اشکالات ناشی از بدست آوردن ارقام آماری است و تا اندازه ای نیز در این مسئله معیار نسبی تصویر بهتری از میزان بهره طبقه کارگر امریکا بدست میدهد. سهمی که از ارزش کل محصول تولید شده نصیب کار میگردد، چنین معیار است. تغییرات سهم کار با تغییرات نرم ارزش اضافی نسبت معکوس دارد.

فرض کنیم کارگر دستمزدی معادل با ارزش کار چهار ساعه خود دریافت میدارد و نتیجه چهار ساعت دیگر کار او نصیب کارفرما میشود. در چنین صورتی نرم ارزش اضافی برابر با صد درصد و سهم کارگر از ارزش محصول تولید شده ۵۰ درصد خواهد بود (چهار ساعت از کار هشت ساعه). حال فرض کنیم کار روزانه تا ده ساعت افزایش یافته و دستمزد واقعی روزانه بلا تغییر بماند. در این صورت نتیجه کار ۶ ساعه نصیب کارفرما شده و کارگر مانند سابق از نتیجه ۴ ساعت کار خود استفاده خواهد کرد. باین ترتیب نرم ارزش اضافی تا ۱۵۰ درصد (۴ : ۶ × ۱۰۰) افزایش مییابد و حال آنکه سهم کارگر تا ۴۰ درصد پائین میآید (۴ ساعت از ۱۰ ساعت کار). به همین ترتیب نیز کاهش نرم ارزش اضافی از ۱۰۰ درصد به ۶۷ درصد، مآلآ با افزایش سهم کارگر از ۵۰ درصد به ۶۰ درصد متناسب خواهد بود. بدینسان تغییرات نرم ارزش اضافی نه تنها نسبت معکوس با تغییرات سهم کار دارد، بلکه تغییرات آن سریعتر از تغییرات سهم کار انجام میگردد.

در اینجا برای احتساب میزان مطلق سهم کارگر در ارزش از تولید شده کوشش بعمل نخواهیم آورد، بلکه فقط شاخص تغییرات آنرا پیدا خواهیم کرد. برای اندازه گیری سهم کار، شاخص تغییرات دستمزد واقعی را نسبت بواحد محصول حساب خواهیم کرد. در این شیوه احتساب

حجم کالاهائی که کارگر قادر بخرید آنست با میزان خالص محصولی که تولید کرده است ، مقایسه میشود . این نحوه احتساب تقریباً ۴۰ سال پیش ، اول بار توسط عده ای از استادان امریکائی بکاررفته بود . از نظر آمارگیری گرچه این طریق نیز در نتیجه آنکه ارقام آماری بوسیله بهره‌روازی تحریف میشود ، خالی از نقص نیست ، ولی بهتر از سایر طرق موجود است . رویه مرقته وضع محتمل چنین است که در قیاس با ارقام آماری سهم کار با سرعت بیشتر کاهش یافته و نرم ارزش اضافی سریعتر افزایش مییابد . با وجود این ، آمار موجود بقدری گویاست که بانگاکا^۱ آن میتوان درباره رشد اقتصادی امریکا در سالهای پس از جنگ به استنتاجات قابل اهمیتی رسید .

۲ - تغییرات حاصله در صنایع استحصالی

صنایع استحصالی محر اقتصاد کشور است . هشتاد درصد دستمزد کارگران حقوق کارمندی که در رشته‌های تولید کالا بکار مشغولند و ۴۰ درصد مجموع دستمزد و حقوق انفرادی در صنایع استحصالی پرداخت میشود . تغییر سهم کار در ارزش محصولات صنایع استحصالی از نظر سیامی و اقتصادی در تغییر سهم کار سایر رشته‌های اقتصادی تاثیر عظیم باقی میگذارد . شاخص دستمزد واقعی نسبت بواحد محصول صنایع استحصالی در جدول زیر نشان داده شده است .

دستمزد واقعی کارگران و کارمندان نسبت بواحد محصول صنایع استحصالی

(۱۰۰ = ۱۹۵۹ - ۱۹۵۷)

سال	شاخص	سال	شاخص
۱۹۴۷	۹۹٫۵	۱۹۵۶	۱۰۱٫۳
۱۹۴۸	۹۸٫۸	۱۹۵۷	۱۰۱٫۰
۱۹۴۹	۱۰۰٫۰	۱۹۵۸	۱۰۱٫۴
۱۹۵۰	۹۵٫۹	۱۹۵۹	۹۷٫۲
۱۹۵۱	۹۶٫۸	۱۹۶۰	۹۶٫۲
۱۹۵۲	۹۸٫۵	۱۹۶۱	۹۵٫۱
۱۹۵۳	۹۹٫۸	۱۹۶۲	۹۳٫۴
۱۹۵۴	۱۰۱٫۲	۱۹۶۳	۹۱٫۴
۱۹۵۵	۹۸٫۴	۱۹۶۴	۹۰٫۲

صرف نظر از نوسانات سالیانه که بطور عده ناشی از رشد ادوار است و در نتیجه آن در سالهای رکود شاخص سه‌بکار افزایش یافته و در اولین سال رونق پائین آمده است ، در ظرف ۱۱ سال اول شاخص سه‌بکار تقریباً بلا تغییر مانده است . ولی در سالهای پس از ۱۹۵۸ شاخص دستمزد واقعی بطور مداوم و سریع پائین آمده است . در ظرف ۶ سال شاخص سه‌بکار از ۱۰۱٫۴ به ۹۰٫۲ یعنی پانزده درصد کاهش یافته . آمار تخمینی حاکیست که طی نیمه اول سال ۱۹۶۵ نیز این شاخص با زهم تقلید یافته ۸۹ رسیده است .

این امر بمعنای افزایش سریع درجه استثمار یا افزایش نرم ارزش اضافی است. اگر نرم ارزش اضافی را در سال ۱۹۵۸ صد درصد فرض کنیم، میزان آن در سال ۱۹۶۴ به ۱۲۵ درصد بالغ شده است. انحصارات در مقابل ۱۰۰ دلار ستمزد بجای ۱۰۰ دلار سود اعلام شده و یا پنهان خود اکنون ۱۲۵ دلار سود بدست میآورند. چنین افزایش شدید درجه استثمار عدم تناسب قابل ملاحظه ای را در اقتصاد کشور باعث میشود.

با در نظر گرفتن اهمیت گرایش موجود در تغییر سهامکار در واحد محصول صنایع استحصالی، صحت آنرا در مقایسه با ارقام آمار صنعتی مورد بررسی قرار دادیم. نسبت ستمزد کارگران و کارمندان به ارزش افزوده شده، با نسبت ستمزد واقعی به واحد محصول تقریباً مطابقت داشت. نسبت ستمزد به ارزش افزوده شده در موسسات مشغول بکار طی سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۸ به میزان کمی یعنی از ۸/۵۳ درصد به ۲/۵۲ درصد کاهش یافت، سپس تا سال ۱۹۶۳ بشدت پائین آمده به ۹/۴۸٪ رسید. این کاهش هم از لحاظ زمان و هم از لحاظ میزان با شاخصهای مندرج در جدول فوق تطابق نزدیکی دارد.

در شمارهای ارقام مربوط به کارگران و کارمندان جداگانه ذکر میشود. سهم ستمزد کارگران در ارزش افزوده شده طی تمام دوران پس از جنگ بطور مداوم با سرعت کاهش یافته و از ۷/۴۰ درصد در سال ۱۹۴۷ به ۶/۳۲ درصد در سال ۱۹۶۳ رسید. تا سال ۱۹۵۸ کاهش سهم ستمزد کارگران تا درجه زیادی با افزایش سهم حقوق کارمندان جبران میشد. ولی از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۳ سهم حقوق کارمندان نیز تا اندازه ای تقلیل یافت.

افزایش سهم حقوق کارمندان نسبت به سهم ستمزد کارگران تا اندازه ای متعکس کننده انقلاب علمی و فنی است. در نتیجه این انقلاب نقش نصیبی "بقه سفیدها" در مقایسه با نقش کارگران افزایش یافته است. افزایش سهم حقوق کارمندان نسبتاً حدودی نیز متعکس کننده افزایش زیاد تولید اسلحه و از یاد تعدد ادکارمندان دفتری کمیانهاست. افزایش تولید اسلحه و از یاد کارمندان دفتسی - هر دو موجب تورم دستگاه اداری شده و تا درجه زیادی جنبه طفیلی گزانه دارد. افزایش سهم کارمندان همچنین تا اندازه ای ناشی از افزایش سود انحصارات میباشد که تحت عنوان حقوق مدبران رهبران موسسات پرده پوشی میشود. با وجود آنکه اکثر این قبیل درآمدها زائیده وظائف طفیلی گرانصیاست، معیناً قسمت عمده آن به مجموع قدرت خرید توده ها افزوده میشود و لذا عامل مهمی است که هنگام تحلیل بررسی اقتصادی باید آنرا بحساب آورد.

اگر رقم ۹/۴۸ درصد مذکور را با ارقام مربوط به سالهای پیش از جنگ مقایسه کنیم، اهمیت این رقم روشن تر میشود. در سده کنونی نسبت ستمزد کارگران و حقوق کارمندان به ارزش افزوده شده در حدود ۵۳ - ۵۰ درصد بوده است. این نسبت فقط یکبار و آنهم در سال ۱۹۲۹ از رقم ۹/۴۸٪ پائین تر رفته هر رقم ۷/۴۱ درصد رسید و حال آنکه این نسبت در سال ۱۹۲۳ برابر ۲/۵۲ درصد بود. بطوریکه تجربه نشان داد، تضاد میان رشد نیروهای مولده و قدرت خرید محدود اهالی در سال ۱۹۲۹ به نهایت درجه رسیده بود و این امر بشدیدترین بحران اضافه تولید در تاریخ سرمایه داری منتهی شد. اکنون این نسبت دباره بهمان سرعت سالهای بیستم برقی که در سال ۱۹۲۹ مشاهده شد، نزدیک میشود. بعلاوه باتوجه باینکه درجه استثمار از سال ۱۹۶۳ بیحد نیز افزایش یافته است، میتوان احتمال داد که این نسبت حالا دیگر تا سطح سال ۱۹۲۹ تنزل کرده است. این وضع نشان میدهد که عامل

جدی و خطرناکی برای بی ثباتی اقتصاد کشور وجود دارد. علامت دیگری نیز دید آمد که سال ۱۹۲۹ را بخاطر میآورند. وطن تجزیه و تحلیل آنها از چارچوب اینمقال خارج است. البته وضع کاملاً همانند وضع سال ۱۹۲۹ نیست. انحصارات از طریق دولت وسائل نیرومند جدیدی برای برطرف ساختن بعضی عواقب ناشی از تضادها و لذایذ برای پیشگیری بها بتأخیر انداختن بحرانهای عمیق بدست آورده اند. معصذ انباید نسبت بوجود خصوصیات همانند با خصوصیات سال ۱۹۲۹ بی اعتنا بود. وجود این خصوصیات دلیل بر آنست که باید از خطرانی که اقتصاد کشور را تهدید میکند بیمناک بود و نسبت به متدن بودن خوشبینی بیجدی که در سال ۱۹۶۵ گاه صیگاه واشنگتن ووال استریت را در بر میگرفت، تردید داشت.

۳- بخش خصوصی اقتصاد در مجموع خود

پس از سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۵۷ میزان دستمزد واقعی نسبت بواحد محصول در صنایع استخراجی و استخراجی، در رشته خدمات شهری و در کشاورزی بشدت کاهش یافت. کاهش میزان دستمزد واقعی در گذشته نیز در تمام رشته ها (با استثنای صنایع استخراجی) مشاهده میشد. در حمل و نقل نیز در سالهای اخیر چنین کاهش وجود داشته است. آمار مربوط به رشته های ساختمان یمازرگانی (خرده فروشی) کثر موشق بوده و حاکی از تغییرات جزئی در این زمینه میباشد. در مورد امور مالی، بخش خدمات، بازرگانی، عوارضات ارقام آماری در دست نیست. با وجود این، استنتاج غیر قابل انکار ما درباره تقلیل جدی سهم کار و افزایش درجه استثمار یا نرم ارزش اضافی من حیث المجموع در مورد تمام رشتههای تولید کالا و در مورد قسمت بزرگی از بخش خصوصی صادقی است.

شیرای خیرگان اقتصادی ریاست جمهوری امریکا آماری تخمینی از یمازد مکارود دستمزد در بخش خصوصی بر حسب نفر ساعت تهیه میکند. ترکیب ارقام این آمار با شاخص قیمت های مواد مصرفی شاخص تغییرات دستمزد واقعی را نسبت بواحد محصول در بخش خصوصی بدست میدهد. این ارقام رسمی بنحوی تنظیم میشوند تا بتوان تغییرات سهم کارگران را پیش از آنچه که در واقع هست، مساعد بحال کارگران نشان داد. معصذا این ارقام گرایشی را که از سال ۱۹۵۶ در جهت کاهش سهم کار بوجود آمد، است، بوضوح تمام نمایان مینماید.

دستمزد واقعی نسبت بواحد محصول در بخش خصوصی

طی سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۴۷
(۱۰۰ = ۱۹۵۹ - ۱۹۵۷)

سال	شاخص	سال	شاخص
۱۹۴۷	۱۰۱٫۲	۱۹۵۱	۹۵٫۷
۱۹۴۸	۹۸٫۴	۱۹۵۲	۹۷٫۱
۱۹۴۹	۹۹٫۱	۱۹۵۳	۹۸٫۰
۱۹۵۰	۹۶٫۸	۱۹۵۴	۹۹٫۰

سال	شاخص	سال	شاخص
۱۹۵۵	۹۷٫۸	۱۹۶۰	۹۹٫۶
۱۹۵۶	۱۰۲٫۰	۱۹۶۱	۹۸٫۷
۱۹۵۷	۱۰۰٫۹	۱۹۶۲	۹۷٫۰
۱۹۵۸	۹۹٫۳	۱۹۶۳	۹۶٫۱
۱۹۵۹	۹۹٫۵	۱۹۶۴	۹۵٫۵

بنابراین شاخص مذکور از سال ۱۹۵۶ تا سال ۱۹۶۴ باندازه ۶٫۴ درصد یعنی تقریباً دو برابر کمتر از شاخص مربوط به صنایع امتهصالی کاهش یافته است. از اینجا میتوان نتیجه گرفت که درجه استثمار در بخش خصوصی من حیث المجموع در حد و یک هشتم و در تمام صنایع امتهصالی باندازه یک چهارم افزایش پیدا کرده است. ولی اگر جنبه مضرانه آمارهای مربوط به بخش خصوصی را در نظر بگیریم، خواهیم دید که ارتقا م مربوط به صنایع امتهصالی احتمالاً منظره واقعی را دقیقتر منعکس میسازد. بهر حال حتی آمار رسمی شورای خبرگان اقتصادی نیز موهب گرایش آشکار در کاهش سرمایه و افزایش نرم ارزش اضافی از سال ۱۹۵۶ پیغمد میسازد.

ب - واکنش عوامل مخالف

بطوریکه دیدیم از زماند زمین جنگ جهانی و خصوصاً از اواخر سالهای ۵۰ تا ۶۰ میلادی استثماریت خرید نسبی توده های زحمتکش لطمه وارد ساخته است. عامل دیگری نیز وجود دارد که در همین جهت تاثیر میزند: زحمتکشان در سالهای اول پس از جنگ صاحب دهها میلیارد دلار پس انداز اجباری بودند که در زمان جنگ ایجاد شده بود. پس از پایان جنگ آنان امکان بدست آوردن همراه با درآمد های جاری خود این پولها را صرف خرید کالاهائی نمایند که بتدریج در بازار عرضه میشد. بدینسان رشد تولید در این دوره در شرایطی انجام میگرفت که تقاضای فوق العاده زیاد و موقتی برای کالاها م مسرفی وجود داشت. پایه های مصرف رسیدن این اندوخته خاص زحمتکشان، قدرت خرید عمومی نسبت به تولید جاری کاهش یافت و سهم زحمتکشان در مصرف محصولات تولید شده بلز هم پایین تر آمد.

تجربم این گرایش موجد بحران، طی مدت زیادی از دوره مود بررسی توازن درونی در اقتصاد کشور حفظ گردید. بحرانهای پیش آمده هم از لحاظ حق و هم از لحاظ دوام خود کاملاً نا چیز بودند. در این امر عوامل محدود کننده ای مؤثر بوده اند. این عوامل را بدو نوع اساسی میتوان تقسیم کرد:

۱ - تغییرات حاصله در توزیع محصول ملی و یا این آمدن نقش نسبی مصرف خصوصی و استثمار با آن کاهش سهم نسبی درآمد های ناشی از کار. این درآمدها برای حفظ توازن در تولید کالاها م مصرف عمومی ضروری هستند.

۲ - ایجاد منابع اضافی درآمد علاوه بر دستمزد برای کارگران بخشهای خصوصی تولید و توزیع.

در هر یک از عوامل مذکور علاوه تغییراتی حاصل شده است. در عین حال تغییراتی که بابتکار

دولت بوجود آمده است در قیاس با تغییرات حاصله در بخش خصوصی، جنبه وسیعتری داشته است.

۱ - تغییرات حاصله در توزیع محصول ملی

پس از سال ۱۹۵۰ سهم مصرف خصوصی در مجموع محصول اجتماعی بشدت کاهش یافته و متناسب با آن بمسهم مصرف عمومی (دولتی) افزوده شده است.
 طی چهار سال یعنی از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۵۰ هزینه‌های مصرفی بطور متوسط کمی بیش از ۱۸ درصد مجموع محصول اجتماعی بود. در سالهای بعد این هزینه‌ها تقریباً ۶۴ درصد محصول اجتماعی را تشکیل میداد تغییرات سالانه آن جزئی بود. هزینه‌های دولتی برای خرید کالا و خدمات طی چهار سال مذکور بطور متوسط ۱۳ درصد مجموع محصول اجتماعی بود و هم‌اکنون از ۲۰٪ آن تجاوز نمود. در میزان سرمایه‌گذاریهای خصوصی در داخل کشور تغییرات کمی حاصل شده است. سرمایه‌گذاری خصوصی قریب ۱۵ درصد محصول اجتماعی بوده است (صرفنظر از چند سالی که در آن شرایط فوق العاده بوجود آمده بود) میزان خالص صادرات کالا و خدمات (رقمی که صحت آن قابل تردید است) در اولین سالهای پس از جنگ چند درصد محصول اجتماعی را تشکیل میداد و در سالهای بعد تقریباً بیک درصد رسید.

در سالهای جنگ کره در نحوه مصرف مجموع محصول اجتماعی تغییرات بزرگی حاصل شد. این تغییر در جهت کاهش مصرف خصوصی و افزایش مصرف دولتی برای مقاصد نظامی بود. این وضع از نظر اقتصادی تحلیل رفتن پس‌اندازهای غیرعادی عمومی را که در زمان دومین جنگ جهانی انباشته شده بود، جبران میکرد. ولی پس از پایان جنگ کره در وضع توزیع محصول اجتماعی تغییرات قابل ملاحظه‌ای انجام گرفت. به‌النتیجه، عامل نظامی به‌نایب عاملی که تاثیر کاهش سریع سهم کارآورد محصول تولید شده خنثی میکرد و این کاهش از سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۵۷ آغاز شده بود، تاثیر خود را از دست داد.

بنابراین، عاملی از نوع دیگر یعنی تامین درآمدهای اضافی (علاوه بر دستمزد) در بخش خصوصی بایستی برای جبران عواقب ناشی از تشدید استثمار، عناصر عمده حفظ توازن را بوجود آورد. تامین درآمدهای اضافی از چند طریق انجام گرفت:

۲ - افزایش فعالیت‌های مالی و توسعه بخش خدمات

فعالیت‌های مالی بخش خدمات عرضه‌های سنتی رشد سریع هستند و توسعه آنها با افزایش سود و ثروت طبقات استثمارگر همراه است. در استان سال ۱۹۶۳، زمانیکه دستمزد کارگران کارمندان صنایع استحصالی به ۲۳۱ درصد سطح سال ۱۹۴۷ رسید، میزان آن در رشته فعالیت‌های مالی به ۳۳۲ درصد و در بخش خدمات به ۲۹۹ درصد بالغ شد. اقتصاد بدون سرمایه داری خود ستایانه می‌گویند که رشد بخش خدمات در ایالات متحد و منشأ ثبات اقتصادی و نشانه افزایش رفاه عمومی است. اگرچه در این قبیل ادعاها بخش خصوصی از حقیقت وجود دارد، ولی ماهیت واقعیت را تحریف میکند. توسعه بخش خدمات از لحاظ محتوی اساسی خود بار فزاینده‌ها وجه اشتراک کمی دارد. توسعه بخش خدمات عاملی است که به ثبات اقتصادی کمک میکند ولی معلوم نیست که تاثیر محدود آن

چسبندگی می‌تواند ادامه یابد . این عامل در شرایط مصیبتی می‌تواند نتیجه عکس بار آورد . لزوم حسابداری و ضرورت انجام معاملاتی که در نتیجه آن ببالغ هنگفت روزافزون از زیر دست ثروتمندان و کمپانیهای آنان میگردد ، باید دست ثروتمندان و کمپانیهای آنها را محدود کند . معاملات که بوسیله موسسات انحصاری انجام میگردد ، روز بروز به بفرنجی این معاملات افزوده میشود . بطور عمده موجب ازدیاد اشتغال و افزایش میزان دستمزد در رشته مالی میگردد . بهر روای امریالیسمی برای انجام معاملات بازرگانی خارجی خود که اهمیت نسبی و مطلق هر چه بیشتری کسب میکند ، بتعداد کثیری کارمند احتیاج دارد .

کارگران و اقعیبش از بیهوشی استفاده از خدمات بانکیها متوسل میشوند . ولی این عمل بطور عمده برای استرداد اقساط قرضه یا وامهای رهنی و نیز برای دریافت وجوه از طریق چک انجام میگردد زیرا کارفرمایان اکنون ترجیح میدهند دستمزد را بوسیله چک پرداخت نمایند ، با وجود این بخش اعظم فعالیت مالی مانند سابق بشفق طبقه سرمایه داران صورت میگردد .

در بخش خدمات آن رشته هایی بسرعت توسعه می‌یابند که حواشی اقتصادی و نیازمندیهای خصوصی قشرهای مرفه را مرتفع میسازند و نه آن رشته هایی که برای ارضای نیازمندیهای توده ها لازم هستند . چنانکه مجموع دستمزد کارگران و کارمندان موسساتی که برای سرگرمی و استراحت عمومی ایجاد شده ، کندتر از دستمزد در صنایع استحصالی افزایش یافته است (توضیح این امر تا حدودی در اینست که تلویزیون جای سرگرمیهای سنتی را میگیرد) . تایج تجزیه و تحلیل خدماتی که دارای رشد سریعتر هستند ، شایان توجه است . در انواع خدمات مذکور در ذیل جمع دستمزد های پرداخت شده بکارگران و کارمندان از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۳ بیش از چهار برابر شده است .

نوع خدمات	میزان دستمزد در سال ۱۹۶۳ نسبت بد دستمزد در سال ۱۹۴۷ (به درصد)
خدمات مربوط به معاملات و کلام	۵۵۸
خدمات پزشکی و سایر خدمات بهداشتی	۴۸۲
آموزش (بجز آموزش همزیسته دولت)	۴۷۵
خدمات قضائی	۴۲۸

تصادفی نیست که کلام و انواع خدمات مربوط با آن یعنی آن شکلی از طفیلی گری که در اقتصاد امریکا رشد سریع دارد ، جای اول را میگیرد . خدمات قضائی نیز تقریباً يك فعالیت طفیلی گرانه ایست که پاسخگوی مشاقت بورژوازی است .

خدمات پزشکی و آموزشی چنین منظره مشخصی را بوجود نمیآوردند . اگرچه ثروتمندان برای خدمات پزشکی مجالس بیشتری بمصرف میسازند ، ولی افزایش شدید هزینههای پزشکی شامل زحماتشان نیز شده است و بخش متشکل کارگران در قیاس با گذشته از خدمات پزشکی بیشتری استفاده میکنند . با رقسومی از هزینه های روزافزون خصوصی برای آموزش و از آن جمله هزینه های مدارس مذهبی برد و شر زحماتشان قرار دارد . ولی استفاده هر چه بیشتر محافظ ثروتمندان از بیمارستانها و نیز کالج ها و دانشگاههای خصوصی مهمترین عامل توسعه خدمات آموزشی است . هزینه این مدارس

یکمک وسایل خصوصی تامین میشود و هدف آنها آماد کردن نسل جدید برای مشاغل مالی و تأمین مقادیر آنها در محافل بالائی اجتماع است . این موسسات آموزشی راه را باین محافل هموار میسازند . جدول زیر افزایش نسبی دستمزد و حقوق را نسبت به هزینههای مصرفی در بخش مالی و خدمات نشان میدهد .

پیداخت دستمزد و حقوق در رشته های مالی و خدمات در قیاس برها
هزینه های عمومی برای مصرف

سال	دستمزد و حقوق به میلیارد دلار	نسبت دستمزد و حقوق به هزینه های مصرفی (به درصد)
۱۹۴۷	۱۲٫۰	۹٫۷
۱۹۴۸	۱۷٫۳	۹٫۷
۱۹۴۹	۱۷٫۹	۹٫۹
۱۹۵۰	۱۹٫۲	۹٫۹
۱۹۵۱	۲۱٫۱	۱۰٫۱
۱۹۵۲	۲۲٫۶	۱۰٫۳
۱۹۵۳	۲۴٫۳	۱۰٫۴
۱۹۵۴	۲۵٫۵	۱۰٫۷
۱۹۵۵	۲۷٫۸	۱۰٫۸
۱۹۵۶	۳۰٫۵	۱۱٫۳
۱۹۵۷	۳۲٫۸	۱۱٫۵
۱۹۵۸	۳۴٫۸	۱۱٫۹
۱۹۵۹	۳۷٫۷	۱۲٫۰
۱۹۶۰	۴۰٫۷	۱۲٫۴
۱۹۶۱	۴۳٫۴	۱۲٫۹
۱۹۶۲	۴۶٫۴	۱۳٫۰
۱۹۶۳	۴۹٫۲	۱۳٫۱
۱۹۶۴	۵۲٫۶	۱۳٫۲

بنابراین طی سالهای مذکور در جدول مجموع پیداختها بابت دستمزد کارگران و کارمندان در رشته های مالی و خدمات باندازه $\frac{۳}{۴}$ برابر افزایش یافته است و حال آنکه تمام پیداختها بابت دستمزد انفرادی فقط $\frac{۱}{۲}$ برابر شده است . مقایسه مجموع دستمزد کارگران و کارمندان رشته های مالی و خدمات با هزینه های مصرفی نشان میدهد که چگونه توسعه این رشته فعالیت موجب حفظ وضع بازار شده است . دستمزد در رشته های مالی و خدمات از ۹٫۷ درصد هزینه های مصرفی در سال ۱۹۴۷ تا ۱۳٫۲ درصد در سال ۱۹۶۴ افزایش یافته است . اگر تمام افزایش نسبی صرف هزینه های

مصرفی میشد، در این صورت این مبلغ به ۱۴ میلیارد دلار بالغ میشد که مبلغ کمی نیست. ولی عملاً تمام این افزایش صرف هزینه های مصرفی نشده است. قسمتی از آن صرف پرداخت مالیاتها گردیده، قسمت دیگر پس انداز شده و مصارفی نیز فقط زائیده تجدید توزیع قسمتی از درآمد سایر زحمتکشان بوده است که بابت خدمات پرداخت شده است.

با وجود این، چند میلیارد دلار از این مبلغ عبارت از بخش ازارش اضافی است که سرمایه داران بابت خدمات پرداخته اند و این مبلغ قسمتی از قدرت خرید زحمتکشان را تشکیل داده است. میزان مستمر کارگران و کارمندان بخشهای مالی و خدمات هر ساله بطور مطلق و جز در دو سال در بقیه سالها بطور نسبی افزایش یافته است. بدین ترتیب افزایش میزان دستمزدها در این بخشها عامل افزایش مداوم (گرچه معتدل) قدرت خرید بوده ها بوده است. بزرگترین افزایش نسبی در سالهای رکود انجام گرفته و از این لحاظ تاثیر محدود کننده در پیشرفت بحران داشته است. علاوه بر این پرداختها طی شش سال ۱۹۶۱ - ۱۹۵۵ یعنی طی دوران شدیدترین رکود اقتصادی با سرعت بیشتری افزایش یافته است. تردید نیست که توسعه بخشهای مالی و خدمات در این دوران تا درجه معین از بروز بحرانهای واقعا عمیق جلوگیری نموده است. ولی باید در نظر گرفتن اینکه تغییرات نسبی سالانه در این بخشها ناچیز بوده است، باید جنبه اهدایی تاثیر این رشته ها را در تشویق اقتصاد و ثبات آن، خاطر نشان ساخت.

آن دسته از اقتصاددانان بهره‌روازی که این عامل را بمثابة ضامن معتبری برای جلوگیری از بحران تلقی میکنند، دچار اشتباه هستند. جنبه مثبت توسعه این بخشها خود امری است نسبی، زیرا خود این توسعه بر پایه ثبات تمام اقتصاد کشور شالوده ریزی شده است. این عامل بهنگام اختلالات شدید در اقتصاد میتواند نتیجه عکس بیاورد و رشته های مالی و خدمات میتوانند عامل جدیدی برای تضعیف اقتصاد باشند. توسعه شدید رشته های مالی و خدمات در سالهای بیستم نیز مشاهده گردید. در سال ۱۹۲۹ سهم دستمزدها در این رشته ها اندکی بیش از سال ۱۹۲۴ بود. ولی هنگامیکه بحران سالهای سی ام در گرفت، فعالیت در رشته های مالی و خدمات بجای آنکه از کاهش میزان پول جلوگیری کند، بشدت آن افزود. زیرا میزان پرداختها بابت دستمزدها کارگران و کارمندان در این رشته ها در ظرف چهار سال باندازه ۳۸ درصد کاهش یافت.

۴ - وام مصرفی و وام رفاهی

وامی که با قسطا مسترد میشود بوسیله مهمی در زندگی امریکاییان شده است که در سرتیتر صرف و مجموع اقتصاد کشور تاثیر عمیق باقی میگذارد. امروزه غالب کالاهای مصرفی قابل وام با قسطا خریدار میشود. چنانکه ۷۰ درصد تمام اتومبیل های تصحاص و امهائی که با قسطا مسترد میگردد در خریداری میشود. میزان متوسط این وامها بیش از ۲۸۰۰ دلار است (تقریباً برابر با ارزش یک اتومبیل متوسط) سهولت خرید با قسطا موجب شده است که تقاضای کالاهای قابل وام نسبت سایر کالاهای افزایش یابد.

اقتصاددانان بهره‌روازی وام مصرفی را وسیله مهمی برای تشویق تقاضای کالاهای مصرفی و تشویق فعالیت عمومی اقتصاد کشور میدانند. برای مقابله با نوسانات بحرانی میتوان در شرایط واگذاری ایمن وامها تجدید نظر کرد. شرایط سخت تر واگذاری وام، چنانکه در زمان جنگ کره مشاهده شد، از

شدت تورم می‌کاهد و شرایط سهلتر بهایان دادن رکود کک میکند .

در سالهای پس از جنگ میزان کل وامهای مصرفی مستهلک نشده بطور سرسام آوری افزایش یافته و از ۴٫۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۴۶ به ۷٫۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۴ بالغ گردید . قسمت عمده این مبلغ را وامهای قسطی تشکیل میدهد . گردش مجموع وام مصرفی یعنی جریان استرداد اقساط وام و واگذاری وام جدید در ظرف مدتی کمتر از یکسال انجام میگردد . میزان تغییر خالص در وام مستهلک نشده ، یک رقم قابل اهمیت و حساسی است . طی اکثر سالهای پس از جنگ وام مستهلک نشده تا چند میلیارد دلار افزایش یافت . در سال ۱۹۶۵ میزان افزایش آن شاید از ۸ میلیارد دلار تجاوز کند .

البته وام مصرفی وسیله بی درد و سود آریست برای برطرف ساختن تضاد های سرمایه داری . مادامکه دستمزد زحمتکشین برای خرید کالا های مصرفی تکافو نمیکند ، باید مابه التفاوت را بحدویکه بتواند بشکل بهره و یا اشکال دیگر سود اضافی تصویب سرمایه داران بشماید ، یا آنها وام داد . چنین است عقیده بانکداران و اقتصاد دانان هواداران آنها که به پنداره های خود در این مورد دلخوش کرده اند . وام مصرفی واقعاً نیز در سالهای پس از جنگ رشد اقتصادی مخصوص بر شد رفته های تولید کننده کالا های قابل دوام کمک کرد . ولی بعقیده ما دیگر از تمام امکانات این عامل استفاده شده است . در عین حال وام مصرفی روز افزون یکی از مهمترین عوامل عدم ثبات اقتصادیست که بوسیله سرمایه داری آمریکا بوجود آمده و مانند قتیله ای بیخون باروت بخران مالی نظیم وصل شده است .

بزرگترین ضعف ایند لایبزرروازی در اینست که فشار بهره را در نظر نمیگیرد . علیرغم تمساک هیاهوی ظاهر پسند در مورد " نرخ نازل بهره " تحلیلی که اخیراً توسط بیروی طی پژوهشهای اقتصادی انجام گرفت ، نشان داد که نرخ واقعی بهره در سال ۱۹۵۹ بطور متوسط برابر ۳٫۳ درصد در سال بوده است (بجز هزینه های اضافی دیگر) .

در اولین سالهای پس از جنگ ، هنگامیکه میزان وام تصفیه نشده نسبتاً کم بود رقم آن با سرعت افزایش مییافت ، میزان وامهای جدید بیشتر از مجموع بهره وامهای کهنه بود و این امر موجب بالا رفتن قدرت خرید بود و ها میشد . ولی اکنون که از وام مصرفی بهره زیاد گرفته میشود ، مجموع این بهره های بیشتر از افزایش خالص وام تصفیه نشده صیافند . چنانکه در سال ۱۹۶۴ وام مصرفی تصفیه نشده میزان بیسابقه ای یعنی باندازه ۶٫۸ میلیارد دلار افزایش یافت و حال آنکه میزان بهره وام رقم ۶٫۸ میلیارد دلار را تشکیل میدهد . باندازه ۱٫۸ میلیارد دلار بیش از وام تصفیه نشده بود . بانک داران بکلی قسمتی از ارزش اضافی بلا مصرف خود قدرت خرید فعال تود مهارا افزایش میدهند . ولی آنان این کار را بمنظور اخذ نتیجه معکوس یعنی برای افزودن مبالغ بیشتری به اندوخته ارزش اضافی خود انجام میدهند . بنابراین در نتیجه معاملاتی که در زمینه وام مصرفی اتفاق میگردد قدرت خرید موثر بوده ها کاهش یافته و تضاد درونی میان ظرفیت های تولیدی و قدرت خرید شدت پیدا میکند .

در سالهای رکود ، زمانی که میزان وام تصفیه نشده اصلاً افزایش نمی یابد و یا افزایش آن بکندی اتفاق میگردد ، توازن میان بهره پرداخت شده و افزایش وام تصفیه نشده وضع بخصوص نامساعد تری دارد . در سال ۱۹۵۸ وام مصرفی فقط باندازه ۳۰۰ میلیون دلار افزایش یافت و حال آنکه میزان پرداخت بابت بهره وام برابر ۵۱۰۰ میلیون دلار یعنی ۴۸۰۰ میلیون دلار بیش از افزایش وام مصرفی بود . در سال ۱۹۶۱ این موازنه منفی به ۴۹۰۰ میلیون دلار بالغ شد . بدین ترتیب فشار وامهای مصرفی کهنه موجباً

عیتتر شدن رکود را فراهم بیاورد. هر طرف ساختن این رکود را دشوار میسازد.
 اکنون وضع بانکداری امریکائی در مورد وام مصرفی همانند وضع کسی است که دم شیر را در دست دارد.
 هرگونه تلاش جدی در راه اصلاح وضع موجود بگاهش شدید تر قدرت خرید موثر بوده همانجبر میگردد زیرا هر ماهه باید ۶ میلیارد دلار بابت استهلاک وامهای قسطی عودت داده شود. این امر در صورت فقدان وامهای جدید منجر به بحران بزرگ در رشته های تولید کالاها، مصرفی خواهد شد. حتی ثابت ماندن میزان وامهای تصفیه نشده، بمعنای آنست که تمام ده میلیارد دلار بده در سال ۱۹۶۶ میزان بهره را تشکیل خواهد داد. مستقیماً از قدرت خرید توده ها خواهد کاست.

اگر هم با افزایش درآمد وامهای مصرفی نه فقط بطور مطلق، بلکه نسبت به درآمد مصرف کنندگان نیز امکان داده شود، این امر بازار سود جویی را گسترش داده و میتواند به شکستگی منجر شود. در واقع نیز چنین وضعی در حال تکوین است. در سال ۱۹۴۷ مصرف کنندگان مجبور بودند برای تأدیه اقساط وام ۶ درصد درآمد خود را (پس از پرداخت مالیات) به مصرف برسانند و در سال ۱۹۵۰ - ۹ درصد و در استان سال ۱۹۶۵ بیش از ۱۴ درصد. از آنجا که هر نوعی در مجموع خود وامهای نسبتاً بزرگی از نوع وام مورد بررسی مانند دارد، نسبت بهره ای که زحمتکشان میباید از ارقام مذکور نیز بیشتر است. این امر باید ما را باندیشه وادارد. هم اکنون افلاک دلار از هشت دلار عاید استکارگران صرف پیدا دیون آنها میشود و این رقم دائماً با افزایش است.

ولی بانکداری در نتیجه یا نبودن بهره وامهای مصرفی چنان درآمد کلاسی بدست میآورند که احتیاط معمول خود را کنار گذاشته و فکر میکنند چنین وضعی همیشه ادامه خواهد داشت. قدرال زور پرف بیک آف فیلد لفا " در شماره ژوئیه سال ۱۹۶۵ نشریه خود بنام "بیزنس ریویو" اعلام داشت: "بطور مستدل میتوان گفت که افزایش درآمد ها در آینده میتواند با افزایش متناسب درآمد مصرفی توأم باشد. در پنج سال آینده نیز مانند پنج سال گذشته، مجموع وامهای مستهلاک نشده کاملاً میتواند باندازه ۵۰ درصد افزایش یابد. برای افزایش قابل ملاحظه وام مصرفی زمینه لازم وجود دارد. افزایش وام مصرفی میتواند این اندیشه را بیشتر در هم ریزد که گویا برای افزایش میزان وامهای مصرفی حدی طبیعی بشکل متناسب معین میان وام مصرفی و درآمد خالص وجود دارد."
 در نتیجه بعضی تحولات جدی دیر یا زود از فشار وام مصرفی احتمالاً کاسته خواهد شد. هر یک از عواملی است که میتواند وامهای موجود را بمقدار زیادی بی ارزش سازد. اقتصاد نظامی عامل دیگری است که در نتیجه آن تقاضا در رشته های دیگر افزایش مییافت و لذا قطع وامهای مصرفی جدید بدون ایجاد عواقب وخیم برای اقتصاد کشور امکان پذیر میشود. راه خروج دیگری نیز وجود دارد و آن عبارت است از بحران سنتی اضافه تولید و متناسب با آن عدم اجرای تعهدات پولی در مقیاس وسیع.

البته دولت میتواند کار را بنحوی ترتیب دهد که با ایجاد منابع دیگری در رشته های غیر نظامی قدرت خرید توده ها بیافزاید و از این راه بتدریج بگاهش نسبی فشار وام مصرفی موفق گردد. ولی فعلاً شواهدی در دست نیست که گروههای عده سرمایه داران امریکائی در فکر چنین راه معقولی برای کاستن از مخامت اوضاع باشند و یا دست کم بوخامت وضع و لزوم تخفیف آن معتقد گردند.

وام بوثیقه خانگی کمونی نیز مانند وام اقساطی بشدت افزایش یافته است. در سال ۱۹۶۵ میزان وامهای رهنی مسترد نشده از ۲۰۰ میلیارد دلار تجاوز کرد، یعنی طی ۸ سال اخیر دوبرابر شد و در ظرف بیست سال به ۱۰ برابر رسید. با وجود این تاثیر اقتصادی این نوع وامها کمتر از وامهای اقساطی است.

زیراهلست استهلاك اينوا مهابيشتتر بود و درنتيجه ميزان پرداخت ماليانه آن كمراسست و نرخ بهره آن نيز نصف بهره وامهای مصرفی است .

علا میزان اصل و فرع وامهای رهنی کم و بیش با میزان اجاره بها مطابقت دارد . زحمتکش که خانه را در اختیار دارد ظاهراً مالك خانه میگردد ولی در واقع مستاجر بانک وام دهنده بدل میشود . عده زیادی از زحمتکشان مقروض چنانکه باید باین امر پی برده اند . هنگامیکه زحمتکشان کار خود را از دست میدهند و در جستجوی کار جدید محل سکونت خود را عوض میکنند ، از آنجا که میزان پرداخت نقدی بابت وام زیاد نیست ، بدون تزلزل از انجام تعهد استخود در قبال بانک سر باز زده و به بانک اجازه میدهند که خانه آنها را تصاحب کند . مادامکه قیمت اموال غیر منقول در حال افزایش است و یا لااقل کاهش نمی یابد ، این اقدام زحمتکشان در مجموع اقتصاد کشور تاثیر کمی باقی میگذارد . بانک ها پس از تصاحب خانه ط ، بدون زیان و دشواری خاصی این خانه ها را دوباره بفروشی میرسانند . ولی اگر ارزش اموال غیر منقول کاهش مییافت ، وضع دیگری پیش میآید .

تقریباً تمام داراییهای صندوقهای پس انداز عمومی و شرکتیهای استقراضی و پس انداز در امور رهنی بکار انداخته شده است . بحران صیقل مالی ، علت بروز آن هر چه باشد ، میتواندست تمام سیستم بانک های رهنی را در برگیرد . در صورت بروز چنین بحرانی تمام شبکه صندوقهای پس انداز و شرکت های استقراضی و پس انداز محتاج وجه نقد میشوند و آنها ازید هکاران خود طلب میگردند . چون دولت امریکا سپرد های این موسسات را تضمین کرده است ، برای انجام این تعهد خود نمیتوانست و جوه لازم را تامین نماید . لذا تمام سیستم مالی کشور در چار چنان بحرانی میشود که از لحاظ شدت میتواند آنها را با بحران سال ۱۹۳۳ مقایسه نمود .

۴ - تاثیر دولت در قدرت خرید برای کالاهای مصرف عمومی

سیاست مالی دولت بهترین ابزار جلوگیری از بحران است ، زیرا سیاست مالی دولت میتواند در قدرت خرید توده ها تغییرات اساسی ایجاد نماید . قدرت خرید توده ها را میتوان از طریق افزایش حقوق کارندان و دستمزدها کارگران دولتی که بانجام سفارشهای دولتی اشتغال دارند ، از طریق افزایش حقوق بازنشستگی و امتیازات در زمینه تعاون اجتماعی و مساعده مالی و نیز از طریق تقلیل مالیات ها و عیقه از کارگران اخذ میشود ، با لایبرد . در عین حال بکنک اقدامات مخالف میتواند نتیجه مخالف رسید .

در پژوهشهای رسمی و پژوهشهای آکادمیک پژوهشهای مکانیسم این پروسه بصورت بسیار ساده شده ای منعکس میشود و ماهیت طبقاتی نقش تنظیم کننده دولت در سرمایه ایهام میباشد . اقتصاد دانان پژوهشهای نقش مشوق بودجه دولتی را بر حسب میزان کسری بودجه تعیین میکنند . آنها مدعیند که اگر میزان کسری بودجه زیاد باشد دولت بیشتر از آنچه که خود دریافت میکند به " جامعه " سپرد از و این عمل قدرت خرید را بالا میرود و رشد اقتصادی را تشویق میکند . اگر بودجه دارای درآمد اضافی باشد نتیجه معکوس گرفته میشود و دولت مانع رشد اقتصاد کشور میگردد .

ولی همواره " جامعه " همگون وجود ندارد . آنچه که وجود دارد طبقات و قشرهای متفاوت اجتماعی هستند . تاثیر واقعی تدابیر مالی باین امر بستگی ندارد که بودجه دارای کسری یا اضافی باشد . تاثیر واقعی تدابیر مالی وابسته باینست که مالیه دولت تا چه درجه ای ارزش اضافی سرمایه

گذاری نشده را برای تکمیل و افزایش قدرت خرید توده ها بکار می بندد و با اینکه آنرا به ارزش اضافی بلااستفاده موجود میافزاید (این امر تاثیر جدی در اقتصاد باقی میگذارد) • چنانکه پرداخت بهای ملی بکارگران سالخورده و بابت حقوق بازنشستگی از محل وامها و بانکی عامل مشوقی است که تاثیر آن برای رشد اقتصادی بیش از آن نیست که اگر این پرداختها بکلی منقطع شود • در همین میگردند در حالیکه طریق اول موجب کسر بودجه میگردد و طریق دوم چنین اثری ندارد • در همین حال پرداخت سالیانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار بهر بهر صاحبان اوراق بهادار وطنی که چه بکلی از قبیل مالیاتهای دریافتی از زمینکشان پرداخت میشود اگر چه موجب کسریها اضافه در ترانزاکشن بودجه نمیشود ، قدرت خرید توده ها را پائین میآورد و باعث تقلیل میزان پول در گردش میگردد •

حیلههایی که برای مهارت بکار میرود در مورد واحد ودی در میزان هزینه های دولتی و در مالیات بندی تاثیر میکند ، ولی نه محتوی برنامه های مختلف دولتی و مقیاس آنها را تعیین میکنند • مثلا میزان بودجه نظامی در دوره اول بر حسب برنامه ای که توسط محافل حاکمه امریالیستی برای توسعه طلبی تنظیم میشود و نیز متناسب با امکانات پتانگون تولید کنندگان اسلحه برای افزایش قدرت و وسعت خود از طریق تشدید سابقه تسلیحاتی ، تعیین میگردد • ولی تفریراتی که سالیانه در چارچوب هر یک از برنامه های نظامی در هزینه ها انجام میگیرد ، تحت تاثیر کامل ملاحظات ناشی از بازار غلبه بحران قرار دارد •

بهین سان نیز میزان کلی برنامه های دولتی در رشته های آموزشی و سایر امور اجتماعی بر حسب نیروی سیاسی طبقه کارگر و سایر نیروهای اجتماعی طرفدار این برنامه ها تعیین میشود • ولی در این مورد نیز میزان هزینه ها تحت تاثیر شدید ملاحظات ناشی از بازار به بحران تغییر میکند • هزینه های نظامی دولت به مراتب بیش از هزینه های اجتماعی است که صرف میآیند بهای اجتماعی میگردد ، زیرا نیروهای کاملاً مقتدرتری در افزایش هزینه های نظامی دینفع هستند • ولی افزایش هر دو این هزینه ها تا درجه معین معلول اراده محافل عده سرمایه مالی است ، که میخواهند برای تشویق رشد اقتصادی برای حفاظت اقتصاد از بحرانها از هزینه های دولتی به مثابه اهرمی استفاده کنند •

اکنون سعی میکنیم میزان تاثیر دولت را در تشویق اقتصاد کشور تعیین کنیم • برای اینکار بهای ملی را که صورت در افزایش قدرت خرید اهالی است با هم جمع کرده و مالیاتهای راکه از زمینکشان اخذ میشود از آن کسر میکنیم • تفاوت این دو مبلغ را مانند یکی از گروههای اولیه اقتصاد دانان پیر کینز پرداخت خالص دولت می نامیم • پرداخت خالص دولت یگانه شکل تشویق رشد اقتصادی از طرف دولت نیست • ولی آن شکل عده ایست که مستقیماً در برابر تضاد اساسی یعنی تضاد میان امکانات روز افزون تولید و رکود نسبی قدرت خرید توده ها در بخش خصوصی اقتصاد را کنتر نشان میدهد •

قسمتی از پرداختهای دولتی که از سمت کارگران و حقوق کارمندان تشکیل مییابد ، تحت عنوان " هزینه های دولت برای خرید کالا و خدمات " به مجموع محصول اجتماعی اضافه میگردد • ولی حقوق بازنشستگی و سایر امتیازات و مساعدت ها که پرداخت آن دراز است انجام خدمت انجام نمیگیرد ، وارد محصول اجتماعی نشده و " پرداختهای انتقالی " نامیده میشوند • از آغاز سالهای ۵۰ ، علیرغم آنکه سهم دولت در مجموع محصول اجتماعی تقریباً بلا تغییر مانده بود ، به علت افزایش سریع پرداخت های دولتی تاثیر دولت در اقتصاد کشور افزایش یافته است •

برای تعیین برد اخت خالص دولت ، میزان مالیاتها از جمع کل برد اخشا کسر میگردد . این مالیاتها عبارتند از مالیات برد آمد و مالیاتها یکه بمنظور تعاون اجتماعی از دستمزد کارگران کسر میشود . ما در اینجا مالیات های غیر مستقیم و عوارضی را که به قیمت کالاها افزوده میشوند و قدرت خرید کارگران را مستقیماً پائین نمیآوردند ، از جمع برد اخشا کسر نمیکنیم .
برداشت خالص دولت در سال ۱۹۶۴ بطریق زیر حساب میشود

دستمزد کارگران و کارمندان که بوسیله دولت برد اخت شده است	۳ ۶۴ ر ۳
حد العمل برد اختی بمقاطع کاران دولتی	۰ ۳۶ و ۰
برداشت های انتقالی دولت :	۶ ۳۶ ر ۶
برداشت های انتقالی خصوصی	۰ ۸ ر ۵

جمع	۴ ۱۴۵ ر ۴
مبای مالیاتی که بابت مالیاتها از دستمزد کارگران کسر شده است	۷ ۵۷ ر ۷
برداشت خالص دولت	۷ ۸۷ ر ۷

اصطلاح " برد اخت " فقط برای نشان دادن وظیفه اقتصادی خاصی که انجام آن موجب افزایش قدرت خرید توده ها میشود ، بکار میرود . وگرنه قبول ادعای هواداران پیروزوازی مبنی بر اینکه " برد اخت " گویا هدیه است از طرف دولت بزحمتکشان و وسیله ایست برای از میان بردن بیعدالتی اجتماعی ، خطای فاحشی است .

هنگام ارزیابی برد اخت خالص دولت تسلیح ۷۱ میلیارد دلار یکه بصورت مالیات از کارفرمایان اخذ میشود و نیز مالیاتی که کارفرمایان بصدوق بیمه اجتماعی میپردازند ، باید بحساب آید . زیرا قسمت اعظم این هزینه ها از طریق افزایش قیمت های کارگران تحمیل میشود . بنابراین نتیجه نهائی افزایش واقعی قدرت خرید توده ها ، برخلاف افزایش مقدار لاریکه وارد بازار میشود ، نسبتاً زیاد نیست . ولسی انحصارگران درازا این تجدید توزیع ناچیز با استفاده از خدمات دولت و سفارش املاحه ، حاصل کار بیش از ۱۱ میلیون کارکنان دولتی و ۷ میلیون نفر مشغول در شرکت های خصوصی را که بطور مستقیم یا غیر مستقیم برای انجام سفارش های دولتی استخدام میشوند ، بدست میآورند . برای پیروزوازی کار این ۱۸ میلیون نفر در قیاس با ارزش نیروی کار در بازار خصوصی بسیار ارزان تمام میشوند (اگر تمام جوانب مالی را در نظر بگیریم) .

در جدول زیر افزایش برد اخت خالص دولت بمنحبه که سابقاً تعیین کردیم ، در سالهای پس از جنگ نشان داده میشود .

پرداخت خالص دولت برای افزایش قدرت خرید کالاهای مصرفی عمومی طی سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۴۷ (شامل پرداختهای کار - فرمایان نیز میباشد) .

سال	پرداخت خالص دولت به میلیارد دلار	پرداخت خالص دولت نسبت به هزینه های مصرفی (به درصد)
۱۹۴۷	۲۲٫۴	۱۳٫۵
۱۹۴۸	۲۶٫۰	۱۴٫۶
۱۹۴۹	۳۲٫۱	۱۷٫۷
۱۹۵۰	۳۳٫۴	۱۷٫۱
۱۹۵۱	۴۰٫۱	۱۹٫۱
۱۹۵۲	۴۷٫۳	۲۱٫۵
۱۹۵۳	۵۰٫۷	۲۱٫۸
۱۹۵۴	۴۹٫۳	۲۰٫۷
۱۹۵۵	۴۹٫۲	۱۹٫۲
۱۹۵۶	۴۹٫۷	۱۸٫۴
۱۹۵۷	۵۴٫۹	۱۹٫۲
۱۹۵۸	۶۴٫۱	۲۱٫۹
۱۹۵۹	۶۳٫۸	۲۰٫۴
۱۹۶۰	۶۴٫۴	۱۹٫۶
۱۹۶۱	۷۲٫۹	۲۱٫۶
۱۹۶۲	۷۵٫۷	۲۱٫۲
۱۹۶۳	۷۸٫۳	۲۰٫۹
۱۹۶۴	۸۷٫۷	۲۲٫۰

پرداخت خالص دولت از ۲۲٫۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۴۷ تا ۸۷٫۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۴ افزایش یافت یعنی تقریباً ۴ برابر شد . نسبت پرداخت خالص دولت به مجموع هزینه های مصرفی از ۱۳٫۵ درصد در سال ۱۹۴۷ به ۱۸٫۴ درصد در سال ۱۹۵۶ و ۲۲ درصد در سال ۱۹۶۴ بالغ گردید . برای تعیین گرایش این شاخص، افزایش آنرا طی سالهای جنگ کره میتوان بحساب نیارود (طی سالهای جنگ کره این شاخص تقریباً تا سطح سال ۱۹۶۴ افزایش یافته بود) از بررسی ارقام چنین نتیجه گرفته میشود که پرداختهای روز افزون دولت مهمترین عاملی است که طی مدت طولانی اشکالهای سبک کار را در حصول تولید شده در بخش خصوصی خنثی کرده است . پرداخت خالص دولت همچنین عامل عمده ای در مبارزه علیه بحران بوده است . این پرداختها در سالهای رکود بشدت افزایش می یابد . چنانکه میزان افزایش آن در سال ۱۹۴۹ برابر ۱٫۶

میلیارد دلار در سال ۱۹۵۸ - ۹۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۱ - ۸۰ میلیارد دلار بوده است . (سال ۱۹۵۴ یکسال استثنای است ، زیرا کاهش ناگهانی پرداخت دولت در این سال معلول تقلیل هزینه های دولت بمناسبت پایان جنگ کره میباشد) . مثلاً در سال رکود ۱۹۵۸ هزینه های مصرفی باندازه ۸ میلیارد دلار بود و پرداخت خالص دولت بمنبع ۹۲ میلیارد دلار افزایش یافت . اگر پرداخت دولت افزایش نمی یافت ، میزان مطلق هزینه های مصرفی تقلیل می یافت و رکود عمیق ترمیگریدید . چنین وضعی در سالهای رکود ۱۹۴۹ و ۱۹۶۱ نیز وجود داشته است .

پرداخت خالص دولت که در سالهای رکود بشدت افزایش می یابد ، در سالهای اعاده رونق اکثر اقتصادهاش می رود . افزایش حجم هزینه های عادی دولت بحساب تقلیل فاجتس میزان مساعده بیکاران و کاهش مساعده های اختصاصی دولتی و نیز از طریق افزایش مالیات بر درآمد جبران می گردد . این پدیده ایست که آمار سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ - ۱۹۵۹ مید آنست . طی سالهای اعاده رونق (۱۹۶۳ - ۱۹۶۲) افزایش معتدل پرداخت خالص دولت با افزایش بسیار سریع بودجه نظامی در زمان ریاست جمهوری کنندی همزاه بود . بعد در سال ۱۹۶۴ که سال رونق بود ، جهش میسابقه ای در میزان پرداخت خالص دولت انجام گرفت . میزان افزایش در این سال به ۹۴ میلیارد دلار یعنی بمبلغی بیش از تمام سالهای پس از جنگ بالغ گردید . تقلیل فاجتس مالیات ها در سال ۱۹۶۴ عامل عمده این افزایش بود . در نتیجه ، دوینجم افزایش هزینه های مصرفی بوسیله افزایش شدید پرداخت دولت تامین گردید .

تردید نیست که این افزایش فوق العاده باعث شد که برخلاف انتظار اکثریت متخصصین بجای رشد معتدل در آغاز سال ۱۹۶۴ رکود محتمل در پایان این سال ، عملاً رونق شدید پیش آید . بدین ترتیب طی سالهای ۶۰ افزایش سریعتر پرداخت خالص دولت اثر کاهش روز افزون سهم زحمتکشان را در محصول تولید شده خنثی کرده است .

در عین حال افزایش سریعتر پرداخت خالص دولت سر آغاز سیاست جدید دولت در زمینه شوقی پایدار رشد اقتصادی بود . هدف این سیاست عبارتست از تامین رشد مداوم و سریع اقتصاد کشور . این سیاست در سال ۱۹۶۵ نیز ادامه داشت . برنامه های مصوره جاتمن هزینه های غیر نظامی سالانه دولت را بجای ۷۰ میلیارد دلار بیکه در برنامه های سابق پیش بینی شده بود باندازه دو میلیارد دلار افزایش داد . ولی اینها اقدامات نسبتاً ناچیزی بود بسیاری از اقتصاد دانان عقیده داشتند که این اقدامات برای خنثی کردن عواقب تضاد های روز افزون در بخش خصوصی کافی نیست . افزایش فاجتس هزینه های نظامی بمناسبت جنگ و تمام خصیصه عمده اقتصاد کشور شده است . چنین بنظر میرسد که توسعه تدریجی جنگ باعث خواهد شد که طی ۲ - ۳ سال آینده هزینه های نظامی سالیانه در حدود ۵۰ میلیارد دلار افزایش یابد .

ملاحظات نهایی

میزان پرداخت خالص دولت راکه برای تامین تعادل تقوی بین عرضه و تقاضا در هر یک از مراحل رشد تضاد میان تولید و قدرت خرید در بخش خصوصی ضروریست ، عملاً میتوان حساب کرد . ولی این حکم فقط برای اقتصاد کشور من حیث المجموع و انهم بطور تقریب صادق است . سیاست مالی

نیروی مؤثر انترناسیونالیسم در شرایط امروز

آمن جارا کچی اف

مارکس و انگلس اصل مشترک انترناسیونالیسم را شرط حتمی آزادی زحمتکشان سراسر جهان از قید استثمار، اسارت و جنگ اعلام کرده اند. هدفهای طبقه کارگر تمام کشورها مشترک است: آنها هم سرمایه داری و ساختمان کمونیسم. «لنین مینویسد: "سرمایه یک نیروی بین المللی است برای نبرد به پیروزی بر آن اتحاد بین المللی کارگران هر اداری بین المللی آنان ضرور است".»

سیر تکامل اجتماعی قدرت حیاتی انترناسیونالیسم را تمام و کمال به ثبوت رسانیده است. هموارات بالا رفتن نقش پرولتاریا در پروسه تاریخی جهانی، همکاری بین المللی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان نیز تقویت یافته است. پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم و رشد آن، گسترش نیرو و رشد جنبش آزادیبخش ملی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، بسط دامنه مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم در کشورهای سرمایه داری - تمام این جریانهای انقلابی عصر ما بطور عمده با پشتیبانی متقابل واحد های اساسی جنبش انقلابی جهانی و نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیستی طبقه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم جهانی انجام گرفته است.

امپریالیسم که از دو زمین جنگ جهانی به مراتب ضعیف تر از سابق بیرون آمد، تسلط جهانی سابق خود را از دست داده است ولی دول امپریالیستی تحت سرکردگی امریکا با تمام قوا تلاش کردند تا جلوی توسعه انقلابهای سوسیالیستی و انقلابهای آزادیبخش ملی را بگیرند. نیروهای روزافزون انقلابی و صلح دوست توانستند تهاجم امپریالیستهارا دفع کنند و ضربات تازه بر آنان وارد سازند. جنگهای تجار و کارانه ای که امپریالیستها در هند و چین و کره و مصر برآوردند اختنند در درجه اول در پرتو پشتیبانی انترناسیونالیستی سیستم جهانی سوسیالیسم و نیروهای دیگر ضد امپریالیستی از سلسله مبارزات این کشورها بشکست متجاوزان انجامید. نیروهای صلح دوست توانستند تشنج اوضاع جهان را تا اندازه ای کاهش دهند. در این اثنا جنبش انقلابی بسیاری پیروزیهای بزرگ تازه بدست آورد که بزرگترین آنها پیروزی انقلاب کوبا بود.

البته مادانکه امپریالیسم وجود دارد امپریالیستها خواهند کوشید تا جنبشهای انقلابی را خفه کنند و چرخ تاریخ جهانی را به عقب بازگردانند. امپریالیستها از نبرد ایش هر دو شواری در داخل سیستم جهانی سوسیالیسم و یا از برآیندگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی و نیروهای انقلابی و صلح دوست یا جهادی خاص برای مقاصد تجار و کارانه خویش استفاده کرده و خواهند کرد. از تجاع این امر را وسیله ای برای تضعیف پروسه انقلابی جهانی میدانند.

باینجهت نیروهای ترقیخواه امریکا که بخاطر بازگشت قطعی از سیاست خارجی تجار و کارانه
مخاطر ارضا^۱ خواستهای اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان مبارز میکنند ، خواستار سیاست نوی
هستند که در آخرین تعطیل موجبات سلامت رشد اقتصادی کشور را فراهم سازد .

رومن رولان همیشه در سنگر مبارزه ما

(بمناسبت صدمین سالروز ولادت)

ژرژ کئیو

تمام کسانیکه در راه امر اصیل صلح مبارز میکنند روز ۲۹ ژانویه ۱۹۶۶ صدمین سالروز تولد رومن رولان مبارز قهرمان و خستگی ناپذیر ضد جنگ و سازمانگر در اندیشه مبارزه متحدتوده ها علیه این بالای مخوف را برگزار کردند . نمایندگان شرقی ترین طبقه یعنی پرولتاریای انقلابی از این هوشمند بزرگ ، که بنا بگفته خود شد در میان دو جنگ جهانی از " هر طه جستن کرد " تا جانب اتحاد جماهیر شوروی و جنبش جهانی طبقه کارگر را بگیرد - بگرمی یاد میکنند . تمام ملل ، چه آنها که از بند استعمار رسته اند و چه آنها که علیه استعمار کهنه و نو مبارز میکنند ، همبستگی مجدانه رومن رولان را با " جنبش توقف ناپذیر نیروهای نیمنی " که در هند وستان ، هند و چین چین و کشورهای دیگر علیه امپریالیسم برخاستند ، پیاد دارند .

اندیشه تابان سخنور گرانقدری که در دوره اشتهار و جلوه قریحه تمام جبری خود را در راه انسانی ترین و حقانی ترین هدف وقف کرد همچنان روشنی بخش راه تمام کسانیکه مصممند علیه جنگ ، ستمگری طبقاتی ، اسارت ملی و اهانتهای مقام انسانی مبارزه کنند .

فعالیت سیاسی و اجتماعی رومن رولان تمام دوره زندگی او را در بر نمیگیرد . راهی که او در زندگی پیمود دشوار و پیر تضاد بود . در آغاز ستایشگر " نیروی شعر انفرادی " و " روح وارسته " بود . بمواضیع اندر پیوند و ایلم (اصالت فرد) و پیر ایلم میگرایید ، اگر چه باید گفت که زبان کریستف قهرمان رمان بزرگ او که در آستان نخستین جنگ جهانی انتشار یافت طبعی کسانیکه (بقول خود رولان هنگام تهنیت به گوئی) " فکروهنر را استثمار میکنند ، علیه دوروش آنان ، طبعیه لیبیکری ایده آلیستی ظاهر پرستان و سخن آرایانی " که در تخریر افکار توده ها و انحراف توجه آنان از مبحث مسئولیت اجتماعی جدا شدند ، بجارزه بر میخیزد . نهمند در این کتاب

از " خودخواهی اجتماعی " و " اپورتیسم مستهجن " و " فساد پارلمانی ها " ابراز
 بیزاری میکند . کتاب " تاترتوده ای " که رومن رولان در سالهای ۱۹۰۰ - ۱۹۰۳ نگاشته
 است با این گفته فاوست به پایان میرسد : سرآغاز انجمن کار بود . رومن رولان برای بنیان
 گذاری تاترتوده ای در پاریس تلاش کرد ولی تلاش او بشکست انجامید و صیحرشد اذعان کند که هرهای
 معسوی بارهائی اجتماعی پیوند دارد و از این رو کار را باید از " ایجاد مردمی آغاز کرد " که زیر
 فقر کار جانگاہ لغت شده باشند . ۰۰۰ مردمی که فرمانروای سرنوشت خود باشند ، مردم پیروزگر مبارزه ای که
 هم اکنون گمترش می یابد .

ولی در این دوره اندیشه های سوسیالیستی رسوخ خود را در آثار رومن رولان تازه آغاز کرده
 بود و این کار همانطور که نوشته های او در دفتر یادداشت های روزانه اسر نشان میدهد غالباً مستقل از اراده
 او انجام میگرفت . رومن رولان در آن هنگام سوسیالیست بود ولی با افکار فلسفی مبهم " قهرمانان او که
 نمیتوانستند راه بخلق پیداکند به نظاره و مکاشفه اکتفا میکردند .

وقتی در سال ۱۹۱۴ جنگ آغاز شد رومن رولان بتدریج وی آنکه خود خواسته باشد بمسألت
 گرایشید . او میخواست با حفظ موضع خود " در راه " درگیری ها " سلطنت روح ، وجدان وارسته و
 اندیشه مستقل را برقرار سازد و در این زمینه از پشتیبانی انساندستان مشهوری نظیر آلبرت اینشتین
 و آلبرت شوایتسبرخورد ار بود . در آن زمان نقطه مبدا " برای رولان دفاع از آزادی تجریدی وجدان در
 قبال شوونیسم لگام گسسته بود ، ولی هنوز توجه نداشت که برای تبدیل آزادی از تخیل بواقعیت
 نخست باید آنرا بصیروی پیکار بکف آورد و شاید اجتماعی برای آن تدارک دید .

رولان در سالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹ باروشی هرچه بیشتر پیوند میان جنگ و امپریالیسم
 بی میرد و از این راه به نظریه ضرورت انقلاب اجتماعی میرسد .

در زمان جنگ در سوئیس و آلونا چارسکی و از طریق او با افکار انقلابی روس آشنا شد . روز ۱۹
 اوت سال ۱۹۱۸ رومن رولان درباره رهبران جدید روسیه چنین نوشت : " این افراد از افراد
 سال ۱۷۹۳ بلند پایه ترند " . این فتوی از زبان ستایشگر انقلاب فرانسه و ژاکون ها بزرگترین
 ستایش است . رولان علیه مداخله گری نیروهای متفقین جنگ جهانی اول در روسیه شوروی باخشم
 تمام اعتراض میکرد . بعد ها هم از اقدام علیه محاصره کشورشراها و علیه تلاش نیروهای متحده
 بهرروازی سراسر جهان برای نابود کردن روسیه شوروی از طریق قحطی و درهم کوفتن انقلاب روس
 بازنایستاد .

در روزهای اندوهباری که مردم شوروی و تمام جهان لنین را از دست دادند رومن رولان در

پیشگاه " صاحب ایمان خلل ناپذیر " و " بیغرضترین رهبر اقدامات انسانی " سرتمظیم فرود آورد و ضمن مقاله ای که در روزنامه ایزدستیار ج شد نوشت : " سیمای معنوی او که در همان دوران حیات بر صفحه پرنزی نقش شده است برای ابد فناناپذیر خواهد ماند " .

رومن رولان کمونیست نبود و در آن دوران حتی از تعالیم مارکسیستی اطلاعات ناقصی داشت محتوی معنوی عمیقاً انساندوستانه انقلاب همیشه بحد کافی برای او مفهوم نبود . مضافاً اینکه او تحت تاثیر اندیشه های دیگر مثلاً اندیشه های گاندی نیز قرار داشت و بر آن بود که موسیالیسم حسب القاعده به شخصیت انسانی بی اغناست و فقط بمسائل ایجاد و سازمان سپیمت اقتصادی بهتری پردازد .

دشمنان انقلاب هیچ فرصتی را برای سوء استفاده از صراحت و پاك اندیشی او از دست ندادند و مثلاً فکری را که با اصول کمونیست ها مغایرت کامل داشت یا تهنیت میدادند و دعوی میکردند که گویا کمونیستها معتقدند که هدف اصلی توجیه کنندگان استفاده از هر وسیله ایست . همین امر باعث شد که رولان از پیوستن رسمی به کمونیسم امتناع کند . مباحثه معینی هم که در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ میان هانری باربوس و رومن رولان در گرفت از همین جا ناشی شده بود .

باربوس در این مباحثه بیملاقگی پیروان با اصطلاح " وارستگی روح " را بهارزه سیاسی افشا میکرد و درستی خاطر نشان میساخت که انتقادی امان از سیستم اجتماعی حاکم باید با کار مثبت در زمینه ایجاد و ساختمان نظام اجتماعی. نهین همراه باشد . رومن رولان بتدریج دریافت که اعمال قهر در شرایط معین میتواند بضرورت تاریخی بدل گردد ولی. این کار همانطور که لنین خاطر نشان میساخت هیچگاه کمال مطلوب کمونیست ها نیست . رومن رولان متوجه شد که دیکتاتوری پرولتاریا برای مارکسیست ها مرحله است نه هدف غائی . نویسنده در سال ۱۹۳۱ ضمن نتیجه گیری از تحول فکری خود " ضایع بودن فکر ایدئالیستی " را کصخ کننده اقدام و عمل است محکوم ساخت .

رومن رولان در این دوران با اند بود و آلیسم تجریدی ولیبرالیسم نظاره ای بدرد گفت ، برخلاف انتظبه کرد و نیاد او هام را متزلزل ساخت . رولان از بسیاری جهات تحت تاثیر گورکی نظریاً موسیالیستی مربوط بر شد آزادانه تمام قوا و استعداد فرد و این اندیشه را که موسیالیسم ضامن رشد همه جانبه خصائل فردیست پذیرفت . او اعلام کرد که " جامعه نهین فارغ از طبقات که آفرید . مبارزه طبقاتی است " کانون عالیترین ارزشهای معنویست و کمونیسم مساویست با اومانیم . بطوریکه

مارسل کاشن خاطر نشان ساخت رولان کمونیسم را با ارزشهای عالیّه معنوی در یک رده میگذاشت و مینوشت در دوران ما روح نمیتواند وظیفه ای عالیتر از وظیفه سربازی در پیکار خاطر نوین ساختن گیتی داشته باشد .

از این زمان ببعد او اندیوید و آلیستی را که بر پایه " تمایلات مالکیت پرستانه خرد و بجزوا مآبانه روشنفکرانی که با تعصب درد ایره تنگ ارد و گاه خود منزوی میشوند " استوار باشد -
 " آرزوی کودکانه گروه برگزیده روشنفکران بجزوا " و فریگری مینامد . رولان در مقابل آن همبستگی در مبارزه اجتماعی یعنی " اندیوید و آلیسم وسیع را که در خود ماهیت جامعه انسانی ریشه دارد " و جدال اثری میان توده ها و فرد را در جمع برادران - به پیش میکشد . نویسنده اندیوید و آلیست هائی را که در لاک خود فرو رفته اند بدرستی با دانشندان " ماقبل کپرنیک و گالیله " مقایسه میکرد که در قبال این واقعیت که سیاره آنها را از نباتات سکون محروم ساخته و اگشودن فضای لابنتساهی در برابر آن ، بفنا محکومش ساخته اند ، وحشت میکردند و شمشیر میشدند . روشنفکران مترجم امروز از این لحاظ برادران رضاعی همانهایی هستند که حکم محکومیت علیه گالیله صادر کردند .

رومن رولان در سالهای سی ام بفعالیّت سیاسی و اجتماعی شدیدی پرداخت که تا حدودی علیه استعمار و امپریالیسم توجه بود . روز ۱۵ فبریه سال ۱۹۲۲ رولان نوشت : منظره جهان کنونی دوزخ را پیاد میآورد . کسی که قادر باشد خود را از منافع یک مشت ملت متنازع درنگهدارد . . . در یازود کشف میکند که تمام تمدنی که از آن برخوردارست و آن میباید بر استثمار بیرحمانه ، ننگین و سرگبار نه دهم جمعیت کره زمین استوار است و همینکه این کشف برایش دست میدهد نشاط زندگی در او خاموش میشود . تا لحظه ای که تصمیم راسخ بگیرد ریشه این بلارا براندازد
 هر اجحاف هیجادی در مستعمرات مخصوص در مستعمرات فرانسه این سرباز " عرصه پیکار عظیمی را که امروز در سراسر جهان برای درهم شکستن پیوغ امپریالیسم اتجا میگردد " - بمبارزه آتشین و شجاعانه و امیدارد . برای او پیشرفت تمدن بدون شرکت فکری و معنوی ملل آسیا و افریقا و امریکای لاتین محال مینمورد . همبستگی با " قیامهای ناگزیر ملل اسیر که رولان تبلیغ میکرد ؛ با حرف نبود ، بلکه با فعالیت سیاسی مجدانه بود : " در قبال ستمگری بیطرف وجود ندارد ."

رومن رولان - این هوادار " کسانیکه پیشاهنگ ارتش پرور هستند " بحزب کمونیست فرانسه

اعتماد فراوان و علاقه عمیق داشت و از کلیه اقدامات علی حزب و از جمله از تشکیل دانشگاه توده ای در پاریس در سال ۱۹۴۲ جدا پشتیبانی میکرد . در تبریک به کنفرانس کشوری حزب در ۲۰ ژانویه سال ۱۹۴۷ بصیرانه خاطر نشان ساخت که این حزب " بحکم منطقی تکامل تاریخ و در پی توخرد مندی خویش نه فقط خود را نماینده اصیل مردم فرانسه و همچنین رسالت بین المللی آنان نشان داده بلکه به بیشین سیاست ملی عقلائی و سالم فرانسه بدل شده است " . رومن رولان " بصیرت و خوشترن داری و بیایداری سیاسی رفقائی را که افتخار انجام وظیفه عالی و شوارر هبری حزب نصیب آنان شده است " میستود . شاد باشی که درد سامبر سال ۱۹۴۷ برای کنگره نهم حزب فرستاد گواه روشنی است — — — — — علاقه پر شور او به حزب کمونیست فرانسه . با آنکه او رسماً عضو حزب نبود کمونیست های فرانسه را رفقا و برادران خود میشمرد .

نگارنده این سطور در سال ۱۹۴۸ با اتفاق مریس شورز در خانه کوچک رومن رولان دروه زله واقع در بره گوندی از او دیدن کرد و میتواند تایید کند که نیمی از پیرنیت به رهبر پرولتری احساس دوستی واقعی عمیق داشت . برای رومن رولان و هر زعات شده بود که پیرامون بسیاری از مسائل مهم و در درجه اول مسائل وحدت عمل بحث کنند . گفتگوی آنان تمام روز بطول میانجامید . میان آنها روابط واقعا برادرانه و تاری از هرگونه قید و تکلف برقرار بود .

رولان اتحاد شوروی را که در سال ۱۹۴۵ از آن دیدن نکرد " نمره پر شورترین امید ملل سراسر جهان " ، " وثیقه استوار پیشرفت اجتماعی " و تکیه گاه صلح برای تماطل میدانست . او خوب میفهمید که همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم اقتصادی و اجتماعی بهترین وسیله نمایش پرتری سوسیالیسم بر سر مایه داریمت و در پیام خرمناست دهمین سال جشن انقلاب کبیر این اندیشه را با وضوح کامل بیان داشت . در این پیام پس از توصیه به جمهوری شوروی که در خارج کشور بمبارزه مسلحانه نشود از د و تمام قوای خصم را صرف " استحکام مہانی خانه خود " نماید نوشت : " روزی که ساختن این بنای نوین پایان رسد ما خواهیم دید که خانه های پوسیده بسیاری در اروپا و سایر مناطق جهان فرو خواهد ریخت . . . زیرا روز شب را تابود میکند . . . " سیل فراخ چنگک پر زور و شر آفرین انقلاب " از طریق صلح " بمقصد میرسد .

رومن رولان تهدید هائی را که علیه روسیه شوروی انجام میگرفت نشانه تشوش آوری از اوچ ارتجاع در اروپا میدانست . در سال ۱۹۲۹ ضمن محکوم کردن بند همست های تبهکارانه صاحبان بزرگ صنایع فرانسه و آلمان و نقشه تشکیل ارتش مشترک دو کشور ها در سال ۱۹۳۰ ضمن افشا نقشه " پان اروپاییسم "

کنت کودتک - کالرگی توصیف آن بعنوان " اتحاد مقدس " ضد شوروی ، اتحاد شوروی را " سد سدید در راه ارتجاع اروپا " نامید . او اتحاد شوروی را مظهر ظرفیت های اجتماعی - اقتصادی و قهرمانی بخاطر انسانیت توصیف میکرد و خود می پالید از اینکه در جانب اتحاد شوروی مبارزه میکند .

پیش آمد حوادث سازماندهی جنبش بزرگی رابه رومن رولان سپرد که بعنوان انعکاسی از اضطراب جامعه در قبال خطر روزافزون د زمین جنگ جهانی میکوشید تمام نیروها را برای پیشگیری آن متحد کند . در آن زمان کمتر کسی پیش از رومن رولان برای صلح و اتحاد بخاطر صلح کار انجام داد .

در اوایل سال ۱۹۳۲ نتایج منفی انواع کشف رانسیهای سیاسی بین المللی ، تسلیح سپر تب و تاب کشورهای بزرگ سرمایه داری ، تجاوز ژاپن به چین ، سوء قصد هایی که با هدف آشکار ایجاد اغتشاش و قطع مناسبات سیاسی انجام میگرفت نگرانیهای روزافزون پدید آورد . روز اول ماهه در خطر ناگهانی لحظه تجاوز ژاپن به قاره آسیا رولان با هیجان نوشت :

" ماد عوتمیکنیم . . . "

" بخاطر چین که مورد تهاجم قرار گرفته است ، بخاطر اتحاد شوروی که در معرض خطر است " " بخاطر تمام ملل جهان و خاطر امید های بزرگی که بیداری ملل مستکثر آسیا و مجاهدات " " قهرمانانه در راه تجدید سازمان روسیه پرولتری برای جامعه بشری بوجود میآورد و ما " " نیروی بخشند بیاری بشتابید ! " " .

کمی بعد کمیته تدارک کننده جهانی ضد جنگ امپریالیستی تشکیل شد . روز ۲۷ ماه مه هنری باروس رومن رولان بیانیه ای انتشار دادند که در آن گفته میشد :

" کاملاً روشن است که خطر جنگ جهانی جدیدی ما را تهدید میکند "

" ما از تمام مردان و زنان اعم از داشتن هرگونه تعلق سیاسی ، از تمام سازمانهای " " کارگری - فرهنگی ، اجتماعی و سندیکائی دعوت میکنیم با اتفاق درکنگره جهانی " " صلح علیه جنگ متحد شویم ! " " .

" این کنگره باید برای اتحاد کار عظیم انجام دهد و موجبات اعلای نیرومند نیروهای " " مخالف بربریت جنگ در شرف آغازشدن را فراهم سازد "

روزاول روشن رومن رولان یارد بگر خطاب بتمام لعل ، بتمام احزاب و تمام مردم و زنان اعم
از اشن هر مقامی در جامعه و پیروی آنان از هر عقیده و هدف گفت : " آرزوی ما اینستکه علیه
جنگ بهر شکلی باشد و از هر کجا فرود آید موج عظیمی از افکار عمومی بپا داریم " . در نظر او صلح
مسئله ای نبود که منافع يك حزب معین آنرا اقتضا کند . او صلح را نعمت همگانی میدانست .
کنگره نمی بایست به اکثریت و اقلیت تقسیم شود و ارجح همچشمی بمسائل برخوردار کند . هدف آن
بود که زمینه مشترکی برای توافق فراهم گردد و هر این پایه از همکاری تمام نیروهای مخالف جنگ استفاده
بعمل آید .

دعوت رومن رولان و هائری بارهوس مورد استقبال وسیع قرار گرفت . در فرانسه بسیاری از
سند یگانه های رفرمیست ، سازمانهای حزب سوسیالیست ، مغل های فراماسون ، گروه های
پاسیفیست ، شعب انجمن حقوق انسان و سازمانهای دیگر با سازمانهای کمونیستی و انقلابی برای
تشکیل کمیته های محلی متحد شدند . ند ای بانیان کنگره در عده ای از کشورهای دیگر نیز انعکاس
یافت . مسیحیون با افراد غیر مذ هبی ، سوسیالیست ها با کمونیست ها ، د موکراتها با سوسیالیست ها متحد
شدند .

از کنگره که در روزهای ۲۷ - ۲۹ اوت ۱۹۳۲ در آمستردام تشکیل شد استقبال فراوان
بعمل آمد . این کنگره بزم بانیان آن واقعا به تریبون تمام نیروهای صلح علیه جنگ بدل گردید .
د و هزارود و بیست نمایند که از جمله ۲۹۱ نفر آنها سوسیالیست های عضو انترناسیونال دوم وعده زیادی
از آنها اعضای سند یگانه های رفرمیست بودند رسما از طرف بیش از ۳۰ هزار گروه مختلف که قریب سی
میلیون نفرا متحد میکردند ، نمایندگی داشتند . در اعلامیه رومن رولان که در اولین جلسه قرائت
شد روح وحدت وسیع که مبنای کنگره بود خاطر نشان گردید . در آن گفته میشد : " ۰۰۰ هریک
از ما و هریک از احزاب سهم خود را اد میکنند - با سلاح خود ما با تاکتیک خود ۰۰۰ بکوشیم مساعی
تمام گمانی را که به هدف وفاداری صادقی دارند متحد سازیم " .

رومن رولان پرچم جبهه واحد را برافراشت . او مشاهده کرده که برخی از رهبران کابینه
نشین " احزاب قدیمی د چار دست چگی شده اند و میترسند از اسلوه های سابق خود دست بکشند .
بدینفنا سبب گفت : " مساعی ما در امر تشکیل جبهه واحد علیه جنگ بنظر آنها یکنوع د میسه میآید .
بسبب کوه بینی برخی از همعصران ما که خود را در زیر خروارها کاغذ مدفون کرده و در کنج پرگوخانه
ها شور حیات آفرین دوران با عظمت انقلابی را از دست داده اند شعارگرانقدر " جبهه واحد " به

لوله‌دل شده است • بخود جرئت دهیم وارد یگر این شمار را اینجا ••• در پیشگاه کنگره برزبان
رانیم ••• این شعار اصالت کنگره ، صفا و صغری آنرا تاکید میکند ••

چنین بود مفهوم واقعی کنگره • استردام • قشرهای وسیع خرد • بورژوازی روشنفکران و
کارگرانی که تا آنزمان تحت نفوذ بورژوازی بودند تحت شعار جبهه واحد با کارگران انقلابی برای
مبارزه علیه خطر موحش جنگ جدید متحد شدند • اتحاد خود کار امپریالیستهارا در تدارک زمینه
درونگ های سیاسی جدا د شوار ساختند • بدینسان پایه‌های برای مبارزه بوجود آمد •
تلاش برخی از رهبران سوسیالیست برای کارشکنی در کار کنگره • با مجازات حزبی و حتی اخراج
سوسیالیستهایی که به استردام رفته بودند عقیم ماند • کنگره در کشورهای نظیر فرانسه •
اتحاد زحمتکشان و نزدیک میان کمونیستها و سوسیالیستها کمک کرد • برای آنها در مبارزه علیه
جنگ شالوده ریخت • پیشاهنگ انقلابی از گرایشهایی که در گذشته موجب احتراز از تشریک مساعی
با کمسانی شده بود که جهان بینی دیگری داشتند و ظل جنگ و شیوه های اثر بخش مبارزه علیه آنرا
بروغنی درک نمی کردند ، و ادامه این گرایشهای هلاکتبار ممکن بود فقط کار را به افراد پیشروترین عناصر
و تقویت دشمن منجر سازد - آزاد گردید •

در ماه دسامبر در وین پنجم بورژوازی کمیته بین المللی منتخب کنگره برای مبارزه علیه جنگ بار
دیگر تاکید شد که جنبش با نهایت صداقت و صراحت که واقعات مهید آنست • کلیه گروههای مختلف -
المسلکی را که در برنامه های خود بر ضد جنگ خانمانسوز جدید هستند بشرکت در مبارزه دعوت میکند ••
باردیگر تصمیم راسخ برای • نهی بوجدت تریشش تمام نیروهای ضد امپریالیستی و ایجاد جبهه نیرومند
توده های زحمتکش روشنفکران • اعلام گردید •



در آلمان حوادث سیر بسیار سریع داشت • فاشیسم هیتلری روی کار آمد • رومن رولان در
یک سلسله بیانیه صل فمسه جهانیه حریق رایشتاک ، پایمال ساختن حقوق و آزاد بیهای ابتدائی ،
تهدید کار بیهای روز افزون و نژاد پرستی و آنتی سمیتیم را افشا می کرد • او در پاسخ کهنده خود بسه
روزنامه " کلنیشه تسایوتوک " آلمان متفکرین و انساندستان کبیر را در نقطه مقابل آلمان هیتلری
که سنن و شعائر گذشته را زیر پا انداخته بود ، قرار داد •

در ژوئن سال ۱۹۳۳ که کنگره اروپائی ضد فاشیسم در کاخ پنپیل پاریس تشکیل شد رومن رولان
برایست افتخاری کمیته بین المللی ضد فاشیسم انتخاب گردید • در جبهه ضد فاشیسم مبارزی مصرتر

ویرشورتر از او نبود . هنگام محاکمه لیپزیک بانگ رسای او در دفاع از کمونیست‌ها با خاست و فعالیت
 اینجاست گه‌گی دیمیتروف از جنگ در خیمان نازی کمک کرد .

رومن رولان ثلمان و تمام مبارزان ضد فاشیست راکه در سیاه‌چال‌های هیتلری در بند بودند
 " گروگان‌های آلمانی صلح " میدانست و نجات آن‌ها ضرور می‌شود . او جهانی راکه " در آن‌ها
 به اصل عدالت و آزادی تحفیز شده بود " دعوت می‌کرد به " لاقیدی منفر " تسلیم نشود و با بسیج
 تمام قوای خود بندگان را از ساطور جلا بدهاند . سپهرنا پرشوری در مرگ آنتونیو گرامشی
 نوشت . هنگامیکه جان لوئیس کارلوس پرستس بخاطر افتاد نگرانی هر آشفتگی خود را برآورد داشت .
 پس از فوریه خونین وین مقدمه می‌بجی بر " کتاب مبارزان ضد فاشیست اتریش " نوشت .

پس از شورش فاشیستی ۶ فوریه ۱۹۳۴ در پاریس این شعار و لئورا خطاب به مردم زخم‌کش
 پایتخت و روشنفکران اعلام کرد : " سرافعی را بسنگ بکوبیم " . او این‌هاست درستی و سرسختی
 برای جوانان فرانسه تشریح می‌کرد که سران‌نایک و مزدور همیشه سازمان‌های شورشی که از خدمت بطلت
 در می‌زنند و در حقیقت فقط بمنافع پست سرمایه داران بزرگ خدمت میکنند چگونه از احماد این جوانان
 سو^۲ استفاد می‌نمایند .

کامیابی‌های جبهه توده ای در فرانسه مبارزین را دلشاد می‌کرد . در سال ۱۹۳۶ هنگام
 مصاحبه با آراگون گفت‌بازره ای راکه در فرانسه انجا می‌گیرد باید بسط داد و عرصه جهانی
 کشانید .

رومن رولان تال‌حظه آغاز جنگ در سال ۱۹۳۹ بعنوان عضو شورای هیئت رئیسه رهبری امور
 کمیته جهانی مبارزه علیه جنگ و فاشیسم را بعهده داشت . این کمیته بر اثر الحاق دو جریان که از
 کنگره آمستردام و کنگره پاریس منشأ می‌گرفتند تشکیل شده بود . رومن رولان در این کمیته خدمات
 برجسته انجام داد . نیروهای اجتماعی مختلف : کارگران ، دهقانان ، روشنفکران و نمایندگان
 طبقات متوسط و روزی را برای مبارزه علیه جنگ متحد ساخت و پیوسته یاد آوری می‌کرد که حفظ صلح
 وظیفه هگان است . او نوشت : " نیروی خود را با نیروی مردان و زنان متعلق بتمام احزاب کلیه
 کشورهای خواستار حفظ صلح خلل ناپذیر متحد کنیم " . شعار او شعار جبهه واحد بین المللی
 ضد جنگ بود و خود بطور خستگی ناپذیر برای توسعه این جبهه عمومی میکوشید . " سخن بر سر
 تحقق وحدت یک ارتش کبیر علیه اختلاف مرگبار است که همه چیز را به نابودی تهدید می‌کند " .
 کمیته جهانی مبارزه علیه جنگ و فاشیسم تحت رهبری رولان و باربوس که مرک خیلی زود او را

از صوف مبارزان راه صلح رود، با پشتکار و علاقه فراوان فعالیت میکرد، توده های مردم را بسیج می نمود و وحدت صلح آنانرا شالوده می ریخت. رومن رولان برای وظائف سازمانی اهمیت قاطع قائل بود. بنا بدعوت او در نقاط مختلف جهان انجمن ها و کمیته های اقدام تشکیل میشد و در کارخانه ها تعداد کمیته های محلی فزونی می یافت. بهار سال ۱۹۳۶ کمیته های جنبش صلح در فرانسه ۴۰۰ هزار عضو رسمی داشتند و ۱۷۶ هزار نفر هم بطهران فردای آنها وابسته بودند. در انگلستان هنگام مراجعه به آرا عمومی ۱۲ میلیون نفر یاد آن رای خود بسود صلح احساسات واقعی مردم را بیان داشتند. تمام این جنبش با شعار بار بوس رهبری میشد که میگفت: « از هر اقدامی که موجب جدایی شود باید احتراز کرد و تمام قوا برای اتحاد کوشید ».

بار بوس رولان منادی وحدت توده ها در قبال خطر جنگ بودند. نام آنها در حکم دعوت به مبارزه با بیحالی و تفرقه است. رولان وثیقه عدل صلح را اقدام توده های مردم و مبارزه بین المللی متشکل آنان و بهره وحدت سازمانهای بزرگ کارگری مخالف جنگ میدانست. رومن رولان همواره ظل حوادث و قوای محرکه حوادث و دهر نمای آنها توضیح میداد و خاطر نشان میکرد که در میان کشورهای امپریالیستی رقیب یک کشور « از همه خطرناکتر است و آن رایش سوم آلمان است ». او نوشت « آلمان هیتلری با تپ و تاب برای هجوم آماده میشود ». در آن زمان رولان راپه آشوبگری متهم میکردند. این تهمت ها را کسانی میزدند که نفیشان در پرتو کشیدن بروی مسائل هیتلریها و علی شدن این مسائل بود.

رولان این نقشه ها را فاش میکرد. او به « ستون پنجمی » که هیتلر در کشورهای غربی درست کرده بود لعنت میفرستاد و میگفت: « ما امید داریم که حتی در فرانسه یک حزب خیانتکاران وجود دارد که آماده است بعملیات خرابکارانه دیپلماسی مخفی هیتلری علیه جبهه توده ای فرانسه و اتحاد شوروی کمک کند ». رومن رولان سه سال قبل از نبرد سمست مونیخ آمادگی دولت فرانسه را برای این بند و بست افشا کرد و در سال ۱۹۳۵ نوشت: « این دولت یا خود خواهی عیان خود آماده است به تهاجم آلمان علیه خاور اروپا میدان دهد و هم پیمانان خود را در کشورهای عضو ائتلاف صخیر و اتحاد شوروی قربانی کند. . . . گوئی حتی برای کوتاه بین ترین افراد روشن نیست که دشمنی که در نتیجه پیروزی قوی و تشجیع شده باشد پس از آنکه فرانسه با انحطاط معنوی دچار شد و متفرد گردید نیروی خود را علیه فرانسه متوجه خواهد کرد ». این پیشگوئی صائب از کار درآمد.

امتناع آلمان نازی از پیوستن به پیمان امنیت مشترک که هر یک از اعضا آن میبایست تحت کنترل

سایرین قرار گیرند برای رومن رولان گواصلمی بود بر اینکه نزدیکی آلمان یا فرانسه — آینده ندارد و دعاوی هیتلر درباره تمایل صلح در خورد اعتماد نیست .

در مقاله پرخشمی که در روزهای ۱ — ۳ فوریه ۱۹۱۹ بمناسبت قتل کارل لیکنشت و روزا لیکزاسهورگ منتشر کرد این نکته را خاطر نشان ساخت که دول عضو آنتانت از تارومار شدن اسپار تا کبست ها " این انترناسیونالیست های مبارز صدیق راه صلح میان ملل خرسندند زیرا منافع طبقاتی خود را مافوق منافع ملی قرار میدهند . در سال ۱۹۳۵ نیز بهمین طریق ثابت میکرد که طبقات حاکمه فرانسه برای هرگونه شیادی که بکمک آن بتوانند موج مخوف پان ژرمنیسم را بسدی در مقابل اعتلای انقلابی و طبله اتحاد شوروی بدل کنند ، آماده اند .

رومن رولان هواداران " پاسیفیسم تمام عیار " را سرزنش میکرد و میگفت آنها میخواهند صلح را به بهای نفی عدالت و انسانیّت بدست آورند و این نظر را بقبولانند که " هر چیزی بهتر از جنگ است " . رومن رولان در مقابل این نظریه در کمال شهامت میگفت بلائی بزرگتر از " خواری و خفت " و " خلاه گورگه " وجود ندارد . او پاسیفیسمت هارا نکوهش میکرد و میگفت آنها بفرانسه توصیه میکنند به افتادن در دام " يك صلح زودگذر در غرب که دست هیتلر را بسوی شرق باز میکند " تن در دهد و همچنین توصیه ای در ماهیت امر از همان نظریه شیرترین مرتجعین پشتیبانی میکنند .

رومن رولان در مقابل این سیاست انتحار ملی پیوسته مرد م را به ایجاد " سد " صلح و مبارزه برای انعقاد قرارداد میان کلیه کشورهای که بحمل مختلف مخالف شروع جنگند — دعوت میکرد . " باید پیمانی ب شرکت فرانسه ، انگلستان و اتحاد شوروی بوجود آید . چنین پیمانی به تنهایی کافیت برای اینکه خطر عاجل را پیشگیری کند و حتی مانع در گرفتن جنگ شود " . مشکل ساختن مردم برای مبارزه در راه صلح و جلب تمام صلحدستان مبارزه علیه دشمنان صلح — اند پشه ای بود که رومن رولان بطور خستگی ناپذیر آنرا تبلیغ میکرد . او عقیده داشت که اروپای نیرومند و صلحجو میتواند هیتلر را از پرمزدن صلح بازدارد . او يك چنین صلحی را برای فاشیسم مرکبار میداند .

بهمین جهت رومن رولان بنیاد سازمان مبارزه در صلح را بر اصل امنیت جمعی استوار میساخت . فقط صلحی راه جهانگیر شد ، باشد میتوان صلح حقیقی دانست . " محدود ساختن جنگ بمنطقه معین " که هیتلر و موسولینی تبلیغ میکردند فقط يك هدف داشت و آن شفق کردن جبهه دول صلحد و وانداختن ضعف جنگ اقوام محروم ساختن قربانی از گرفتن کمک موثر بود .

رومن رولان توصیه نمیشد . او هرگز معتقد نبود که سخن آخریای نیروهای ملعون فاشیسم

خواهد بود . رولان بانعام قوا از مردم اسپانیا که علیه فرانکو و حامیان خارجی او در بیکار بودند پشتیبانی میکرد . در آن زمان خطاب بر زحمتکشان و تمام آزاد یخواهان اروپا و امریکا گفت :
 " اینها هستیم که بخطر افتاده ایم " . رومن رولان علیه بند و بست مونیخ قیام کرد و بر رهبران دموکراسی غربی که از شجاعت و ایمان بهره نداشتند " نفرین فرستاد " . در آن روزهای سخت با اطامینان تمام اعلام میکرد که حق بر باطل غلبه خواهد کرد . در مقاله " عزای عالم " که پس از ورود هیتلر به پایتخت نوشته شد میگوید پیروزی نهائی با حق ملل و دموکراسی خواهد بود :
 " پراگ ! تو میگری ولی آلمان تو هم خواهی گریست ! عمل دیر زودت را وادار خواهد کرد فردا اشک خون بریزی " . فاتحی را که امروز میثاقی فردا نفرین خواهی کرد زیرا در سیاهه اعمال ، سیاهکاری مخوفی بنام تو ثبت است که ناچار کفر آنرا خواهی دید . بدحال تو ای آلمان !
 و حال تو ای اروپا ! آنروز خواهد رسید که جامعه بشری متحد شود و مانند بر آرد که :
 " نفرین باد بر انسانی که باز در جنگ بگشاید " .

سی سال پیش در ۳۱ ژانویه ۱۹۳۶ در کاخ موآلیته پاریس جشن بزرگی برپا بود - جشن هفتاد سالگی رومن رولان . هشت هزار نماینده از کارخانه های بزرگ و سازمانهای زحمتکشان و گروه های روشنفکران با آنجا آمد . بودند تا عمیقترین احترام يك خلق کبیر را بشویند . خود تقدیم دارند . حزب سوسیالیست با اتفاق حزب کمونیست این سال جشن را ترتیب دادند و مرکز آن کردند . شادباش کویته جهانی مبارزه علیه جنگ و فاشیسم از تریبون مجلس توسط پل لانژون فینیسین نامی قرائت شد . ماکسیم گورکی ، گئورگی دیپتروف و نمایندگان برجسته تمام کشورهای جهانی شادباشهای برای رومن رولان فرستاده بودند که نشان میداد میان این نویسندگان و تمام جامعه بشری محکمترین رشته های پیوند وجود دارد . از چین دور دست که آن زمان در راه آزادی خود مبارزه میکرد پیام سرشار از تحسین و عشق رسیده بود .

رومن رولان مظهر نبوت تاریخی بزرگ بود : نبوت میان نیروهای ارتجاع و مرگ که بصورت فاشیسم مجسم شده بود از کسوف و نیروهای طلایه دار آینده و حیات که جبهه توده ای فرانسه نقش منادی آنها را در فرانسه بعهده داشت ، از سوی دیگر . رومن رولان تجسمی بود از قدرو منزلت انسان و شهادت توده های که بدفاع از صلح برخاسته بودند . این نمایندگانه عالمقدر جامعه روشنفکران که در نظرش گفتار از کردار و دانش و حقیقت از احساس و مسئولیت علی جدائی نداشت

بخصوص نزد مردم عزیز بود زیرا مردم میدانستند که او با ایده‌آلیسم نوع‌دوستانه دوران جوانی بورژوازی خود بعرصه آزمایشهای نخستین جنگ جهانی وارد شد و آنجا به‌رألیسم نیرومند اجتماعی و مبارزه خستگی ناپذیر علیه ارتجاع ، فاشیسم و جنگ رسید .

حیات نویسنده کبیر رومن رولان تنها در ژرفای « اقیانوس » آثار شگرفش ادامه ندارد . رومن رولان تنها یک مورخ ، رومان نویس ، دراماتورگ ، منتقد ادبی و محقق هنری که آثارش چند نسل از خوانندگان را با انساندوستی و هنر مانوس کرده است - نبود . رولان نمونه زنده مرد عمل و عقل روشن بین بود ، در درک واقعیت هوشمندی داشت ، مظهر شهامت خلل ناپذیری بود که به نیروی آن راهی را که آگاهانه برگزید بی‌اعتنا به محرومیت های شخصی ناشی از آن - ادامه داد . سیمای رومن رولان بعنوان نویسنده‌ای بزرگوار و پیشاهنگ وحدت زحمتکشانش که کمونیست‌ها با تمام قوا در راه تحقق آن مجاهدت می‌ورزند و بعنوان رهبر وسیعترین جنبش عصر ما یعنی جنبش ضد جنگ در قلب توده‌ها زنده است . اتفاقاً در این ایام که عملیات امپریالیستها اوضاع جهان را وخیم کرده و خطر جنگ را شدت داده است سیاست رولان در راه صلح بار دیگر توجه توده‌ها را بخود جلب میکند . کسانیکه در راه اتحاد تمام نیروها علیه خطر انهدام اتمی ، که پس از آن دیگر راه برای پیشرفت جامعه بشری باقی نخواهد ماند ، مجاهدت می‌ورزند نام رولان را بر زبان دارند . رومن رولان در دفتر خاطرات خود نوشته است : « زندگی باید تا پایان بسا پیکار علیه شر توأم باشد » .

رولان بما آموخته است که علیرغم تمام اختلاف نظر های موجود باید در مبارزه علیه بزرگترین شری که موجودیت تمام نوع بشر را تهدید میکند دست اتحاد بهم داد .

فهرست مندرجات

- ۱ - وحدت نمر بخش جنبش کارگری
فریدریش ابرت
(عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب)
(سوسیالیست متحده آلمان)
- ۲ - نیروی مؤثر انترناسیونالیسم در شرایط امروز
آسن چاراکچی اف
(فیلسوف بلغاری)
- ۳ - کنفرانس سه قاره
فورتونی - دلگادو - سالی
- ۴ - همبستگی بیکار جوانه نیروهای ضد امپریالیستی
با خلق ویتنام
ا. سومار
- ۵ - برنامه پنجساله اتحاد شوروی و مسائل پیشرفت
علمی و فنی
گ. آنسیف
(اقتصاددان شوروی)
- ۶ - باید تمام اشکال مبارزه را باهم درآمیخت
آوارو واسکس
(عضو کمیته اجرائیه و هیئت دبیران)
(کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا)
- ۷ - تضاد اساسی اقتصاد امریکا و استثمار زحمتکشان
ویکتور پراو
(اقتصاددان ایالات متحده امریکا)
- ۸ - رومن رولان همیشه در سنگر مبارزه ما
ژرژ کتیو